



چرا واقعه هفتم تیر و شهدای ترور در سینمای ایران غایب هستند؟
قهرمان‌هایی که روی پرده سینما ترور شدند!
«بعد از گذشت ۳۵ سال هنوز یک فیلم سینمایی یا یک نمایش یا یک رمان درباره حادثه هفتم تیر و شهید بهشتی و شهدای این حادثه نداریم و اگر این حادثه تاکنون زنده مانده است، فقط به دلیل روحیه انقلابی خود مردم است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، در جمع خانواده شهدا، ششم تیر ۹۵)
واقعه هفتم تیر سال ۱۳۶۰ در ایران به حقیقت بزرگ‌ترین نماد تروریسم علیه یک ملت و دولت است.
صفحه ۱۲

به بهانه راهپیمایی بی‌نظیر مردم یمن در روز قدس
مظلوم به حمایت مظلوم آمد
صفحه ۱۲



صاحب‌نظران و فعالان فرهنگی در گفت‌وگو با صبح صادق

چگونه یاد شهدای مدافع حرم را زنده نگه داریم؟

تأملی بر سخنان رئیس‌جمهور در جمع فعالان سیاسی

تحسین برانگیز اما ناقص

گزارشی از قوت‌ها و ضعف‌های بیست‌وچهارمین نمایشگاه قرآن کریم
بزرگ‌ترین رویداد قرآنی سال به حاشیه رفته است
صفحه ۱۰

نماینده ولی‌فقیه در سپاه
جهاد کبیر و نقش آن در پاسداری از انقلاب اسلامی را تبیین کرد

سیاست تعاملی دشمن برای نفوذ و تغییر عمق راهبردی

■ در قرارگاه عصر پیامبر(ص) یک نفر فرمانده، حتی نزدیک‌ترین شخصیت‌ها به خود پیامبر(ص) کوچک‌ترین زاویه‌ای با پیامبر نمی‌گرفت و همراهی می‌کرد، همه تحت قرارگاه و وحدت فرماندهی واحد عمل می‌کردند.

■ امروز با یک تغییر راهبرد روبه‌رو هستیم، نه تغییر هدف. هدف ثابت و آن براندازی است؛ اما راهبرد تغییر کرده است، گاهی راهبرد جنگ سخت نیابتی است و گاهی راهبرد تحریم و محاصره است. امروز دوره راهبرد تعاملی است.

■ تجهیزات و آمادگی‌های جهاد کبیر با تجهیزات و آمادگی‌های جهاد اصغر کاملاً متفاوت است.

■ در جهاد کبیر مذاکره و تعامل نیاز است که پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. جنگ سخت محدود به زمان است، ولی جهاد کبیر طولانی است؛ یعنی در همه دوره‌ها جزء واجبات است؛ یعنی یک لحظه نیست که ما در برابر فرهنگ مهاجم آسوده باشیم.

■ وحدت فرماندهی در جهاد کبیر از الزامات است. مردم، پاسداران، بسیجیان باید متوجه باشند که حرف‌های دیگران نباید مورد توجه قرار گیرد.

■ رمز پیروزی تنها با استقامت است؛ استقامت در چارچوب مأموریت؛ برای نمونه یک فرد توده‌ای هزار سال هم در برابر شکنجه‌ها و زندان مقاومت کند ارزش ندارد. هر استقامتی ارزش ندارد؛ تنها استقامت رهبری کافی نیست. رئیس‌جمهور، نماینده مجلس، حتی مردم هم باید استقامت داشته باشند.



یادداشت

دکتر بدالله جوانی

سهام کمک به مقاومت در تأمین امنیت ملی

چرا ایران به حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی کمک می‌کند؟ چرا باید جوانان ایران در عراق و سوریه به شهادت برسند؟ آیا با پول‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در لبنان، سوریه و عراق هزینه می‌کند، نمی‌توان بخشی از مشکلات معیشتی مردم را حل کرد و برای جوانان شغل ایجاد کرد؟ مگر از قدیم نگفته‌اند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!

گزاره‌ها و سؤالات بالا، نمونه‌ها و بخشی از موضوعاتی است که از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به صورت مستمر مطرح می‌شود. مخاطبان این مطالب، سه گروه هستند: ۱- کسانی که منطق و دلایل کمک کردن‌های جمهوری اسلامی ایران به مقاومت و حضور مستشاری آن در کشورهای چون سوریه و عراق را می‌دانند و با این موضوع برخوردی عقلانی و دینی دارند؛ ۲- کسانی که چنین شناخت و نگاهی ندارند و ۳- کسانی که مطالب را خوب می‌دانند، ولیکن با موضوع برخورد سیاسی داشته و از دریچه منافع حزبی و جناحی با آن برخورد می‌کنند. گروه دوم عمدتاً به دلیل نداشتن شناخت، تحت تأثیر القانات قرار گرفته و منتقد سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال مقاومت و مسائل منطقه می‌شوند و بر این اساس، به باز نشر این سؤالات در جامعه می‌پردازند. برخی از این افراد در شرایط مقتضی، به‌مثابه پیدانظام گروه سوم، مانند روز قدس سال ۸۸، در کف خیابان اقدام به سر دادن شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» می‌کنند. حرف اصلی منتقدان این است که چرا باید از جیب ملت ایران در حالی که خود مردم آن نیازمند هستند، برای کشورهای دیگر از جمله لبنان، فلسطین، سوریه و عراق خرج شود؟ در گذشته برخی از اصلاح‌طلبان در دامن زدن به چنین ذهنیتی به صورت آشکار نقش ایفا کردند. یادم هست که در دولت دوم اصلاحات، در دانشگاه تربیت مدرس جمعی از اصلاح‌طلبان، همایشی بر پا کردند با نام «فلسطین و نگاه ایرانی». در این همایش که افرادی در سطح مشاوران رئیس‌جمهور هم شرکت کرده بودند، اصل حرف این بود که جمهوری اسلامی ایران از اول انقلاب تا به حال، به موضوع فلسطین نگاه ایدئولوژیک داشته و این نگاه با منافع ملی در تعارض است. در واقع، برپاکنندگان آن همایش که اصلاح‌طلبان بودند، می‌گفتند باید به فلسطین با نگاه ایرانی و از دریچه منافع ملی نگاه کنیم. شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» خروجی همین نگاه در فتنه سال ۸۸ بود. اکنون هم طرفداران این نگاه، به نوعی فعال هستند. چندی پیش یکی از مشاوران رئیس‌جمهور گفته بود با توجه به کاهش درآمدهای دولت، بهتر است سطح فعالیت‌های مستشاری ایران در منطقه کاهش یابد. مبنای این نگاه؛ همان است که می‌گویند، کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به مقاومت جنبه ایدئولوژیک دارد. با این مبنای گفته می‌شود وقتی ما خودمان مشکل داریم، چرا باید پول اندک‌مان را در دیگر جاها خرج کنیم؟ آیا تمام واقعیت این است که می‌گویند؛ خیر؛ واقعیت آن است که جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر آنکه با نگاه انسانی، دینی و اعتقادی و بر حکم وظیفه شرعی به مقاومت و ملت‌های مظلوم فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و... کمک می‌کند، اما این کمک‌ها و تقویت مقاومت، اقدامی هوشمندانه و حکیمانه، در راستای تأمین منافع ملی و درصداً این منافع، امنیت ملی است. به عبارت صریح‌تر، امنیت امروز کشور، ثبات و آرامش ملت ایران که در منطقه پر آشوب غرب آسیا بی‌نظیر است، در پر تو همین کمک‌ها و مجموعه اقدامات دیگر حاصل شده است. اگر کسانی که شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» سر دادند، حقیقتاً صادق بودند، امروز باید پیشگام حضور در سوریه و عراق برای دفاع از مرزهای ایران و امنیت کشور باشند.

ادامه در صفحه ۳

طرح تسهیلاتی ارزان قیمت جهت خرید لوازم خانگی ایرانی

HATAM.ANSARBANK.COM

ثبت نام کنید

مرکز خدمات مشتریان ۰۹۶۳۰۰
www.ansarbank.com

بانک انصار

سؤال تریبون هفتم چه عواملی سبب شکل‌گیری حقوق‌های نجومی برای برخی مدیران دولتی شده است؟ همراه با ۳ جایزه تریبون

پيامک ۳۳-۰۹۶۳۰۰ صفحه ۱۲

سرمقاله

علی قاسمی

جاری‌سازی ثمره یک ماه بندگی

در حدیثی قدسی، پیامبر(ص) از درگاه خداوند سؤال می‌کند: اولین عبادت کدام است؟ خداوند جواب می‌دهد: روزه. آن گاه رسول اکرم(ص) می‌پرسد: پروردگارا، نتیجه و ثمره گرفتن روزه چیست؟ خداوند می‌فرماید: نتیجه گرفتن روزه، رسیدن به آگاهی قلبی و حکمت است و نتیجه حکمت، شناخت خداوند است و نتیجه معرفت و شناخت پروردگار، رسیدن به یقین کامل است؛ پس هر گاه بنده خدا به یقین رسید، همه وجود و زندگی‌اش به خدا وابسته می‌شود و اگر زندگی‌اش به سختی یا به آسانی بگذرد، در او تغییری ایجاد نمی‌شود.

روزهداری یکی از مهم‌ترین دستورهای خداوند به بندگان است تا در سایه آن انسان ضمن تمرین خودسازی درونی که از مهم‌ترین آثار فردی روزهداری است، از آثار و برکات فراوان اجتماعی - تربیتی آن بهره‌مند شود و تا فرارسیدن ماه رمضان سال بعد از این توشه استفاده کند. روزهدار واقعی کسی است که، پس از این ماه از ترس ایجاد فاصله با خداوند تبارک و تعالی امور معنوی و عبادت‌هایش بیشتر شود. مصداق انسانی که هر چقدر بیشتر کسی را دوست داشته باشد، بیشتر نگران از دست دادن اوست و بیشتر می‌ترسد که از او فاصله بگیرد. ترسش از این است که از خدایی که یک ماه به او نزدیک‌تر شده، دور شود و فاصله بگیرد. به همین دلیل است که شش روز روزه پس از پایان ماه رمضان، مستحب مؤکد است. چون انسان مقرب از ایجاد فاصله ناگهانی می‌ترسد. ماه مبارک رمضان امسال هم به روزهای پایانی خود رسیده است؛ لذا باید توجه کرد تغییرات مثبت و آثار متعدد روزهداری تنها به طول ماه رمضان خلاصه نشود؛ بلکه بعد از ماه رمضان و در طول سال نیز این رهاوردها را حفظ کنیم. با این توصیف، ضروری به نظر می‌رسد برکات این ماه را حداقل در دو حوزه عملی کنیم: اول اینکه ما در برهه زمانی به سر می‌بریم که شاخصه‌های زندگی مدرن جوامع غربی ساحت زندگی در جوامع اسلامی را به شدت مورد تهدید قرار داده است. آموزه‌هایی که از طریق بازوی رسانه‌ای غرب و در قالب انتشار پرشتاب اینترنت و به تبع آن شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی نهاد مقدس خانواده را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو کرده است. بدیهی است برای مقابله با سیطره رسانه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی از قبیل تلگرام و اینستاگرام که حریم خصوصی بنیان خانواده و فضای عمومی جامعه اسلامی را با پیامدهای متعددی مواجه ساخته‌اند، باید از ظرفیت‌ها و آموزه‌های ماه مبارک رمضان در طول سال بهره برد تا پیامدهای منفی کارکردهای آن خنثی شود و به نوعی سبک زندگی اسلامی در جامعه جاری و ساری شود. دوم اینکه روزه، سدی در مقابل اسراف و تبذیر است و فرد روزه‌دار به وسیله بذل و بخشش و انفاق مالی که انجام می‌دهد فاصله و شکاف طبقاتی (که یکی از مضمرات اقتصادی است) می‌کاهد، روزه انسان را از غرق شدن در مادی‌گرایی و حرص و آز، مصرف‌گرایی و تن‌پروری نجات می‌دهد و به او می‌آموزد که به فکر دیگران باشد و بر خواهش‌های جسمانی خود مسلط شود و به مصرف به قدر نیاز قناعت ورزد و از اسراف و تبذیر بپرهیزد. روزه به مسلمان قناعت و مناعت را می‌آموزد. جامعه‌ای که روح قناعت را در خود بپرورد، بر خود متکی خواهد بود و اگر بر روی پای خود بایستد، از بیگانه بی‌نیاز خواهد شد، به نوعی بخش مهمی از شعار سال که اقتصاد مقاومتی به همراه اقدام و عمل است با تداوم همین ثمره روزه برای باقی‌مانده سال محقق می‌شود و می‌تواند برکات بی‌شماری در پی داشته باشد.

کانال تلگرام صبح صادق
علاقه‌مندان می‌توانند برای دسترسی سریع‌تر به مطالب هفته نامه و دریافت فایلها به کانال تلگرام هفته نامه مراجعه نمایند
@SobheSadeghWeekly

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) فرمودند: «ما هر کجا به روحیه انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم و هر کجا از اصول انقلاب کوتاه آمدیم، عقب ماندیم.» ایشان، این مسئله را با مضامین مختلفی در نشست‌های گوناگون به مخاطبان، عموم مردم و مسئولان یادآور شدند و اعتقاد راسخ خویش را بر این قضیه به منظور پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی بران گوشزد کردند.

با بیان این مسئله که باید به تقویت روحیه انقلابی بپردازیم و این نقطه پرش ما به سمت جلو و آینده خواهد بود، به ذهن عده‌ای از افراد چنین می‌رسد که روحیه انقلابی مترادف با تندروی و رادیکال عمل کردن است که این امر در جامعه مردم‌سالار محلی از اعراب ندارد. از این رو باید در چنین جامعه‌ای که از یک سو مبتنی بر مردم‌سالاری است و از سوی دیگر بر مبنای دین استوار است، به صورت کاملاً دموکراتیک و اخلاقی عمل شود؛ چرا که روحیه تندروی و رادیکال، جامعه را به اضمحلال می‌کشاند. چنین برداشتی به دلیل تعریف نادرست از روحیه انقلابی داشتن است؛ بنابراین برای فهم عمیق این مسئله باید به مبنای انقلابی بودن و شاخصه‌های آن دست یافت و در ادامه به تبیین چنین مسئله مهمی پرداخت. با توجه به اینکه در طول تاریخ، تمام انقلاب‌هایی که در کشورهای مختلف غربی یا شرقی به منصف ظهور رسیده، همواره در ابتدا با خشونت و تخریب همراه بوده است، لذا دو مقوله انقلاب و خشونت به یک نوع هم‌زادنداری رسیده‌اند که انقلاب موجب بروز خشونت می‌شود و این با توجه به تجربه تاریخی در طول زمان و پیش‌فرض‌های شکل گرفته در ذهن افراد از گذشته‌هاست، غافل از اینکه جنس انقلابی بودن در بیان رهبر معظم انقلاب با جنس انقلابی‌گری در عرف بسیار متفاوت است.

در این زمینه باید گفت: تأکید رهبر معظم انقلاب بر داشتن روحیه انقلابی و کوتاه نیامدن از آن و تأثیر آن در پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، کاملاً با آن قالب انقلاب به علاوه خشونت در ذهن افراد متفاوت است.

داشتن روحیه انقلابی را می‌توان در دو مقوله بررسی کرد: اول اینکه به روحیه و امید و انگیزه اشاره دارد؛ به عبارتی هر کاری بدون روحیه و امید نه تنها به ثمر نمی‌نشیند، بلکه حتی شروع هم نمی‌شود که بخواهد نتیجه‌ای در بر داشته باشد. از این رو زنده نگه داشتن امید و روحیه در جامعه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت و ترقی آن جامعه به شمار می‌آید. دوم اینکه به انقلابی بودن تأکید دارد. مسئله‌ای که باید به صورت شفاف روشن شود، این است که انقلابی بودن با رادیکال بودن، بسیار متفاوت است. به عبارتی، این دو مقوله هیچ‌سختی با یکدیگر ندارند و تنها بر اثر هم‌راهی این دو، در طول تاریخ انقلاب‌ها این چنین در هم به نظر می‌رسند. رادیکال بودن، همواره با خشونت و روحیه تخریب همراه بوده و به فضای بسته و تندرو اشاره دارد که در واقع چنین بستری، خلاقیت و استعدادها را ضایع کرده و فضای پلیسی را به‌منزله ایده مطلوب ارائه می‌دهد؛ این همان چارچوبی است که با قالب روحیه انقلابی داشتن مشتبه شده و لذا در محاسبات، رادیکال بودن با انقلابی بودن منطبق بر هم قلمداد می‌شود و موجب برداشت ناصحیح از بیانات رهبر معظم انقلاب می‌شود.

انقلابی بودن به معنای صحیح کلمه در بیانات رهبر معظم انقلاب به سخت‌کوشی و اصرار بر سعی و تلاش مداوم مبتنی بر اصول انقلابی و دینی توحید، ایثار، شهامت، شجاعت، عدالت و در مسیر انسانیت اشاره دارد. بنابراین، انقلابی بودن، تفسیری است که داشتن از همت بلند، خیز برداشتن برای فتح قله‌های ترقی و پیشرفت، دویدن به دنبال خدمت برای جامعه، ایثار برای خیر عموم و در یک کلام روحیه انقلابی داشتن سرچشمه می‌گیرد.

در نتیجه داشتن روحیه انقلابی و تأکید رهبر معظم انقلاب به این نکته مهم، اراده‌ای پولادین و خستگی‌ناپذیر همراه با عقلائیت را طلب می‌کند. داشتن درد دین و احکام دین و فراموش نشدن اصول آن نیز در راستای تفکر پیشرفت و ترقی است و این امر، بسیار متفاوت از آن تفسیری است که انقلابی بودن را در قالب رادیکال بودن و تندروی جای دهیم.

نکته: پسری مادرش را پس از درگذشت پدرش، به خانه سالمندان برد و هر لحظه از او عبادت می‌کرد. یکبار از خانه سالمندان تماسی دریافت کرد که مادرش در حال جان دادن است، پس با شتاب رفت تا پیش از اینکه مادرش از دنیا برود، او را ببیند. از مادرش پرسید: مادر چه می‌خواهی برای انجام دهم؟ مادر گفت: از تو می‌خواهم که برای خانه سالمندان پنکه بگذاری، چون آنها پنکه ندارند و در یخچال غذاهای خوب بگذاری، چه شب‌ها که بدون غذا خوابیدم. فرزند با تعجب گفت: داری جان می‌دهی و از من اینها را درخواست می‌کنی؟ و قبلاً به من گلابی نکرده‌ی. مادر پاسخ داد: بله فرزندم، من با این گرما و گرمی خورگرفتم و عادت کردم؛ ولی می‌ترسم وقتی فرزندان تو را در پیروی به اینجا می‌آورند، به گرما و گرمی عادت نداشته باشی. نظر: یادش بخیر وقتی مریض می‌شدیم و پزشک از ما می‌پرسید بیماری‌ات چیست؟ منتظر مادرمان می‌شدیم و همیشه پاسخ دادن را به او می‌سپردیم؛ چراکه می‌دانستیم مادرمان همان احساسی را دارد که ما داریم؛ حتی از خودمان بیشتر دردمان را احساس می‌کرد. به راستی، احترام به پدر و مادر نقش بسزایی در رفع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دارد و ضرورت حفظ آن در جامعه امروز بیش از پیش است.

زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نماینده ولی فقیه در سپاه
تلفن: ۳۳۲۲۱۹۵
نمابر: ۳۳۲۲۱۹۹۷
صندوق پستی: ۱۷۲۸۵/۱۸۵
sobhesadegh@iran.ir
هفته نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
Sobhe sadegh weekly
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۰۰۳۳

چگونه یاد شهدای مدافع حرم را زنده نگه داریم؟

سیدمحمد مشکوه‌الممالک

رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده‌های شهدا درباره عظمت شهدا فرمودند: «امروز مسئله شهدای مدافع حرم اهل بیت(ع) مطرح است؛ این از آن ماجراهای عجیب تاریخ است. ما در دوران جنگ جوان‌ها را تشویق می‌کردیم به اینکه بروید به میدان جنگ، اجابت می‌کردند و می‌رفتند؛ امام یک سخنرانی می‌کردند، خیل جوان‌ها راه می‌افتادند می‌رفتند اما امروز ما چنین تشویقی نمی‌کنیم، در عین حال این انگیزه چقدر قوی است، این ایمان چقدر شفاف است که این جوان از ایران، از افغانستان، از کشورهای دیگر راه می‌افتد، بلند می‌شود از همسر جوانش، از کودک خردسالش، از زندگی راحتش می‌گذرد، می‌رود در یک کشور غریب، در راه خدا مجاهدت می‌کند و به شهادت می‌رسد. این چیز کوچکی است؟ قدم‌به‌قدم تاریخ انقلاب اسلامی از این شگفتی‌های تاریخ‌ساز به خود دیده است؛ اینها شگفتی است.»

با توجه به بیانات امام خامنه‌ای لازم است برای بازشناسی این ستاره‌های آسمان تشیع که کمتر دیده می‌شوند، تلاش‌های فرهنگی در قالب رمان، فیلم سینمایی، سریال تلویزیونی و مجموعه‌های مستند صورت گیرد. برای یافتن این راه با سه نفر از صاحب‌نظران و فعالان فرهنگی به گفت‌وگو نشستیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

شناخت شهدای مدافع حرم امری ضروری است

محمدعلی گودینی*



گلایه حضرت آقا کاملاً بجاست، این گلایه کم‌کاری مسئولان ادبیات دفاع مقدس و انقلاب را نشان می‌دهد. مشکلاتی سر راه نویسندگان وجود دارد، از جمله اینکه نویسندگان با فضاهایی مانند سوریه، عراق یا لبنان که مدافعان حرم در آن حضور دارند و گاهی به شهادت می‌رسند آشنایی ندارند. در رابطه با محیط آن کشورها، جغرافیا و شرایط آنها اطلاعاتی ندارند؛ لذا اطلاعات نویسندگان بسیار محدود است و همین امر مانعی بر سر راه آنها محسوب می‌شود، برخلاف دفاع مقدس که اغلب نویسندگان آثار دفاع مقدس از نزدیک در جبهه‌ها حاضر شدند، یا پس از دوران دفاع مقدس از طریق کاروان‌های راهیان نور از مناطق جنگی بازدید کردند و با خلق و خوی مردم مناطق مرزی آشنا شدند.

مشکل دیگری که در این راستا وجود دارد این است که متأسفانه انتشارات مختلف آن‌طور که باید و شاید به این مسئله مهم بها نمی‌دهند و بیشتر جنبه تجاری پیدا کرده‌اند. حتی گاهی انتشاراتی که وظیفه دارد در موضوع دفاع مقدس و انقلاب فعالیت کند، نگرشی تجاری پیدا می‌کند و موجب آزار و اذیت نویسندگان می‌شود. اما آنچه از مطالعه تاریخ و از مرور جریان خوارج نهران به دست می‌آید این است که گروه‌هایی مانند داعش حالتی احمقانه و متخترانه دارند. البته پول‌های سعودی و جبهه استخبار نیز در تطمیع این افراد مؤثر است، حتی آن‌طور که من شنیدم در مساجد عربستان برای داعشی‌ها پول جمع می‌کنند. تربیت مفتی‌های ملعون سعودی نیز در این جریان بسیار مؤثر است، همه اینها دست به دست هم داده و داعش را با هدف مقابله با انقلاب اسلامی حمایت می‌کنند.

در این راستا موضوعات کم نیستند، یکی از این موضوعات ماجرای شهدای هفتم تیر است. در پنجم و ششم تیر هم برنامه‌هایی صورت گرفته است، یکی از نکاتی که باید در این کار در نظر گرفته شود اولویت‌بندی است. تولید محصولات فرهنگی در مناسبت‌های مختلف، مانند مناسبت بزرگ انقلاب اسلامی که خود شامل موضوعات فراوانی است، به برنامه‌ریزی و کار گسترده نیاز دارد. در این زمینه اقداماتی هم صورت گرفته است؛ اما متأسفانه گاهی برنامه‌ها به خوبی ارائه نشده و معرفی، ترویج و توزیع محصولات فرهنگی به مخاطبان به‌درستی در کشور صورت نمی‌گیرد.

نکته دیگر اینکه؛ تبدیل کردن یک ایده یا یک موضوع به کالای فرهنگی کار بسیار مشکلی است. از سویی باید در راستای ترویج محصولات فرهنگی اقدامات مناسبی صورت بگیرد که متأسفانه این مسئله در گذشته و امروز جدی گرفته نشده است.

* نویسنده و پژوهشگر

شناساندن شهدای مدافع حرم تکلیف است

دکتر محمدرضا سنگری*



اولین نکته درباره شهدای عزیز مدافع حرم روشن کردن این مسئله است که چرا ما در بیرون از مرزهای جغرافیایی خودمان می‌جنگیم؟ طرح این مسئله بسیار اهمیت دارد و پاسخ آن نیز روشن است. رهبر معظم انقلاب در بیانات خود چندین بار به این مسئله اشاره کردند، از سوی دیگر می‌توان از ویژگی‌های دوران غیبت و ظهور منجی عالم بشریت برای روشن شدن این مسئله استفاده کرد.

نکته اول اینکه در موضوع مدافعان حرم، هم مطبوعات و رسانه‌ها وظیفه روشنگری دارند، هم رسانه‌های مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها وظیفه طرح و تبیین این مسئله را دارند.

نکته دوم در جریان مدافعان حرم، شناساندن ذات جریان داعش است؛ اگر این جریان مجال پیدا کند هیچ‌یک از شعائر، مناسک، نمادها و نمادهای دینی را بر جای نخواهد گذاشت. نمی‌توان فراموش کرد جریان وهابیت چگونه بقیع و تمامی آثار بقیع را از بین بردند، وهابیت به کربلا حمله کردند و هزاران شیعه را به خاک و خون کشیدند، جریان وهابیت در پی حذف شیعه و نابود کردن اسلام اصیل و ستم‌ستیز است. نکته سوم نیز این است که در فرهنگ دینی اگر انسان مظلومی مسلمانان را به باری طلبید (حتی اگر مسلمان نباشد) و مسلمانان به او باری نرسانند، مسلمان نیستند. نکته چهارم در موضوع مدافعان حرم همان اصل مهمی است که خداوند در قرآن و ائمه معصومین(ع) در روایات به آن اشاره فرمودند و آن اصل تجلیل و تکریم شهید و شهادت است. تکریم و تجلیل شهید و شهادت دمیدن روحیه مقاومت و مجاهدت در انسان‌ها است.

نکته پنجم اینکه طرح مسئله شهدا اسوه دادن به نسل جوان کشور است. انسان‌ها، به ویژه جوانان ذاتاً اسوه‌گرا هستند و همواره در زندگی به دنبال الگویی خوب و دوست‌داشتنی برای خود هستند، به همین دلیل ما باید الگوهای خوبی را به جوانان معرفی کنیم؛ چراکه انسان‌ها نیازمند الگو هستند. بهترین الگویی که می‌توان به انسان‌ها معرفی کرد شهدا هستند؛ در حقیقت طرح شهدا طرح الگوها و اسوه‌های حسنه به جامعه است.

نکته ششم اینکه جریان مقاومت همیشه ادامه دارد، تا انقلاب هست، رویارویی ظلم و ستم با جبهه حق وجود خواهد داشت؛ لذا اگر روحیه مقاومت و شهادت را حفظ نکنیم و شهدا را پاس نداریم، نسل آینده با روحیه انقلابی و جهادی پرورنده نخواهند شد. و نکته پایانی اینکه تجلیل و تکریم شهدا و دیدار با خانواده شهدا سبب تقویت بُعد معنوی وجود انسان است. در حقیقت، حضور در محفل شهدا یک کلاس تربیتی است. شناختن ابعاد وجودی شهید توشه‌ای از تقوا، معرفت و معنویت برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ توشه‌ای که در تمام زندگی انسان تأثیرگذار خواهد بود. در این دوران شناختن و شناساندن شهدا، خاصه شهدای مدافع حرم تکلیف است.

* استاد دانشگاه

باید درون‌مایه انقلاب در ملت زنده شود

حمید بناء*



به اعتقاد بنده در بحث مدافعان حرم مهم‌ترین مسئله شناخت و ارزیابی جبهه استخبار و تشخیص راهکار مناسب برای مقابله با آن است. مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری و تقویت باورهای ایمان برگشتن به اصل انقلاب است، باید ریشه‌ها و

درون‌مایه انقلاب در ملت زنده شود؛ چراکه منشأ شکل‌گیری باورهای ایمانی انقلاب است. رهبر معظم انقلاب بارها به این مسئله اشاره داشته و فرموده‌اند برای قطار انقلاب باید به‌درستی ریل‌گذاری کرد و قطار انقلاب باید در مسیر خود قرار بگیرد. باید اصول و ارزش‌های انقلاب به نسل امروز شناسانده شود، انقلاب شعارهای مهمی داشت که بیانگر اصول اساسی انقلاب بود، این شعارها نباید فراموش شود، در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی یا روابط بین‌الملل جامعه شعارهای انقلاب باید در نظر گرفته شود. در دانشگاه یک کتاب در قالب یک واحد عمومی درباره انقلاب اسلامی تدریس می‌شود، آیا سهم آموزش عالی کشور برای انقلابی کردن جوانان همین است؟ در آموزش و پرورش هم همین‌گونه است، آموزش باورها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش کشور چه جایگاهی دارد.

مسئله مبارزه با ظلم و ظالم یکی از اصول و ریشه‌های انقلاب اسلامی است. حضرت امام(ره) از پیش از پیروزی انقلاب این مسئله را دنبال می‌کردند و همواره بر آن تأکید داشتند، یکی از پیش‌نیازهای مقابله با ظلم، تبیین ظلم است. وقتی می‌گوییم آمریکا ظالم است، باید ملاک‌ها و مصداق‌های ظلم آمریکا را در جهان تبیین و تشریح کنیم. خیلی وقت‌ها ما در جهان مواضع ضداستخباری داریم، اما استخباری را تشریح نمی‌کنیم؛ اینکه استخبار کجاست؟ چه ظلم‌هایی و به چه کسانی ظلم می‌شود؟

اندیشمندان و متفکران باید ظلم، ظالم و مصداق‌های ظلم را تبیین کنند، اگر ما می‌گوییم با رژیم اشغالگر قدس مخالف هستیم، باید بگوییم چرا با این رژیم مخالفیم و دلیل این مخالفت چیست؟ این مسائل باید روشن شود، باید به جهان نشان بدهیم که رژیم صهیونیستی چه ظلم‌هایی کرده است. امروز صهیونیست‌ها کتاب چاپ می‌کنند و ادله می‌آورند که کشور فلسطین را غصب نکرده‌اند، ما هم باید دلیل باوریم و غصب آنها را تبیین و تشریح کنیم. امروز در این زمینه افراد صاحب‌تجربه‌ای وجود دارند که باید از آنها استفاده کرد.

* نویسنده و کارشناس فرهنگی



▲ دیدار پس از ۳۰ سال / مادر پس از ۳۰ سال این‌گونه فرزندش را به آغوش می‌گیرد. به مادر قول داده بود برمی‌گردد، سرش رفت، اما قولش نرفت. شهید «عبدالحمید آقایی» پس از سی سال با حضور خانواده شهید در دانشگاه آزاد شهرستان بیضی استان فارس احراز هویت شد.



▲ دست‌نوشته معنادار / دو دختر نوجوان در راه پیمایی روز قدس ۹۵ نوشته‌ای را حمل می‌کردند با این مضمون که: «ما جز رهبری دارایی دیگری نداریم، مسئولان دارایی خود را اعلام کنند.»



▲ مدافعان حرم مظلوم حتی در وطن / با وجود حمایت کامل رهبر معظم انقلاب از مقاومت و مدافعان آن، به نظر می‌رسد در سیاست‌های برخی دولتمردان، جایگاهی برای ارج نهادن به مدافعان حرم دیده نمی‌شود.



▲ لحظه افطار / خیابان خلوت بود و خیلی‌ها خودشون رو به سفره افطار منزل رسونده بودند در این بین محبت یک روحانی موتورسوار توجهم رو جلب کرد که یکی از زحمت‌کشسان شهرداری را سوار کرده بود تا هر دو به موقع سر سفره افطار حاضر شوند.



▲ نماز وحدت در سرزمین آزادشده / جمعه آخر ماه مبارک رمضان، اولین نماز جمعه وحدت پس از آزادسازی شهر فلوجه از دست داعش برگزار شد.



▲ داستان دوسنگ مزار جالب / سال ۱۳۵۹ قمتی محمود مراسکندری، به شهادت می‌رسد، هشت سال بعد برادرزاده‌اش با په این دنیا می‌گذارد و نام عموی شهیدش را بر او می‌گذارند. سال‌ها بعد آقا محمود مراسکندری راهی سوریه و دفاع از حرم بی‌بی زینب(س) می‌شود و به شهادت می‌رسد و مزار او را کنار عموی شهیدش در نظر می‌گیرند.



▲ به سختی راه می‌رفت و گرما طاقتش را می‌برد... اگر چه کپسولش را با خود داشت اما نفس کم می‌آورد و سرفه‌ها منتظر بودند تا امانش را ببرند... می‌گفت آقای شهیدی رئیس بنیاد شهید را توی راهپیمایی دیده‌ام او تحویلش نگرفته است!!!
از سیدحسین رضایی پرسیدم: با این حال چرا اومدی راهپیمایی؟
به شوخی گفت اومدم حال و هوام عوض شه...
با همه این‌ها محکم و استوار بود و آمده بود که بگوید هنوز هستم...
از دولت انتقاد داشت بخاطر برجام و می‌گفت تنها کسی که هوای جانباها را دارد، آقای قالیباف است.



رعایت قانون پول شویی از سوی **ایران** تازه اول راه است

یک مقام ارشد «صندوق بین‌المللی پول» از تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی در ایران استقبال کرده، اما این اقدام را گامی اولیه از سوی تهران برای ایجاد اعتماد در نظام مالی جهان خوانده است. «دیویسد لپیئون» معاون اول مدیر صندوق بین‌المللی پول گفت: «آنها (ایرانی‌ها) در حالی که رفع تحریم‌ها، فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند برای احیای اعتماد، تلاش می‌کنند. آنها می‌خواهند در بانک‌های خارجی حساب باز کنند.» در ماه‌های گذشته شرکت‌های بین‌المللی به دلیل تحریم‌های برجام‌ننده آمریکا درباره از سرگیری مرادفات تجاری با ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. علاوه بر این، «کار گروه اقدام مالی»، نهادی که مأموریت ادعایی خود را مبارزه با تأمین مالی تروریسم و پول شویی اعلام کرده، ایران را در فهرست سیاه خود قرار داده است. این کارگروه روز جمعه چهارم تیر ماه در تازه‌ترین اقدام خود، پس از اتمام اجلاس خود در «بوسان» کره جنوبی، بار دیگر ایران را جزء کشورهای غیرهمکار و پرخطر برای نظام مالی جهان خواند. علاوه بر این، کار گروه مالی، طبق روال گذشته از ۳۷ عضو خود و سایر کشورهای جهان خواست توصیه به مؤسسات مالی خود برای حفظ احتیاط در هنگام مراوده مالی با ایران را ادامه دهند. کارشناسان می‌گویند بیانیه روز ۴ ژوئن این کارگروه، با وجود تعلیق اقدامات تقابلی علیه ایران، عملاً تغییری در وضع ایران ایجاد نکرده است.



«برنی سندرز» طی یادداشتی در روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا اشاره کرد و نوشت: «حدود ۴۷ میلیون آمریکایی در فقر به سر می‌برند.

حدود ۲۸ میلیون نفر بیمه درمان ندارند و بسیاری دیگر پوشش بیمه‌ای ناکافی دارند. میلیون‌ها نفر با سطح وام دانشجویی ظالمانه‌ای درگیر هستند. وی تأکید کرد: «به طور هولناکی، میلیون‌ها آمریکایی کم‌سود در مقایسه با نسل قبل، طول عمر کمتری دارند و این به دلیل آن است که تسلیم نایمیدی، مواد مخدر و الکل شده‌اند.» سنדרز تصریح کرد: «به علاوه، در کشور ما، یک‌دهم از جمعیت یک درصدی برتر در حال حاضر صاحب ثروتی معادل ثروت ۹۰ درصد پایین جامعه هستند. ۵۸ درصد از تمامی درآمد‌های جدید به یک درصد برتر می‌رسد. وال استریت و میلیاردرها قادر به خرید انتخابات هستند.» وی سپس توضیح داد: «در حین کمپین من برای کسب نامزدی ریاست جمهوری حزب دموکرات، از ۴۶ ایالت بازدید کردم. آنچه که در بسیاری از موارد شاهد آن بودم و شنیدم، حقایق درآوردی بود که حتی دستگاه‌های سیاسی و رسانه‌ای به آنها هیچ توجهی نکرده بودند.» سنדרز در این‌باره ادامه داد: «در ۱۵ سال گذشته، حدود ۶۰ هزار کارخانه در این کشور تعطیل شده است و بیش از ۴/۸ میلیون مشاغل تولیدی پر درآمد از بین رفته است. بیشتر این مسئله با توافقات تجاری فاجعه‌باری مرتبط است که شرکت‌ها را ترغیب کرد تا به سوی کشورهای با دستمزد پایین بروند.»



نگاه آمریکا
به تغییر در ستاد کل
اندیشکده امریکن اینترپرایز نوشت: تغییر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در ایران نشانه‌ای از افزایش احتمالی نقش این نهاد است. این اندیشکده آمریکایی با بررسی سوابق درخشان «سردار باقری» نوشت: فارغ از تغییر ساده ریاست یک ستاد، این تغییر نشان از عزم ایران برای پررنگ کردن نقش ستاد کل در فعالیت‌های مشترک نیروهای مسلح ایران در خارج از مرزهای ایران دارد.

اگر این رسانه‌ها فشل نبودند
جعفر محمدی، مدیر مسئول پایگاه خبری عصر ایران در دیدار با هاشمی رفسنجانی گفت: «تیم رسانه‌های دولت روحانی فشل‌ترین، ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین تیم رسانه‌ای در میان تمام دولت‌های پس از انقلاب است.» این در حالی است که تیم‌های رسانه‌ای اطراف دولت که متشکل از همه جبهه‌های داخلی و خارجی هستند دارای ادبیاتی مشترک هستند که اصول نظام را زیرسؤال می‌برند و در مقابل برنامه‌های حاکمیتی نظام می‌ایستند، مشخص نیست که این تیم اگر فشل نبود باید چه اقدامی انجام می‌داد که ن داده است، از فتنه‌گران حمایت نکرده‌اند، برجام به عنوان فتح‌الفتح معرفی نشده‌ا با رسانه‌های بیگانه هماهنگ می‌دهند و …



سخنرانی جی‌سون رضاییان، جاسوس آمریکایی در فستیوال «آسپن» بازتاب بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های بیگانه داشته است.

جیسون رضائیان یک ایرانی آمریکایی الاصل است که فردی مهم برای آمریکایی‌ها به ششمار می‌آید؛ زیرا آمریکایی‌ها برای آزادی وی از زندان اوین تلاش فراوانی کردند. جی‌سون رضاییان در این سخنرانی بر مشاهدات خود درباره تغییر رفتار نظام اجتماعی در ایران تأکید می‌کند. وی بیان می‌کند که توانسته بوده در پوشش لایه‌های زیرین اجتماعی ایران پی ببرد و ذائقه سیاسی و فرهنگی مردم ایران را بسنجد. جیسون رضائیان می‌گوید تصویری که اخبار درباره ایرانی‌ها بازنمایی می‌کنند نادرست است و با تجارب او در این کشور همخوانی ندارد. بر این مبنا پس از پروژه فعالیت خبرنگاری یا جاسوسی جیسون رضاییان در ایران پایگاه اینترنتی روزنامه «آسپن دیلی نیوز» تلاش می‌کند از وی یک چهره تعامل‌گرا در ارتباط با مسائل آینده ایران بسازد. جیسون رضاییان در این سخنرانی به خوبی مصادیق فعالیت ۱۰ ساله جاسوسی خود را در ایران تشریح کرده است. وی با روش‌های نوین جاسوسی کاملاً آشنا بوده و سعی می‌کند اطلاعات بسیار مهمی را در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جمع‌آوری کند. از سوی دیگر وی توانسته بود در ارکان مختلف کشور نفوذ کند و وارد مراکز هسته‌ای شود.



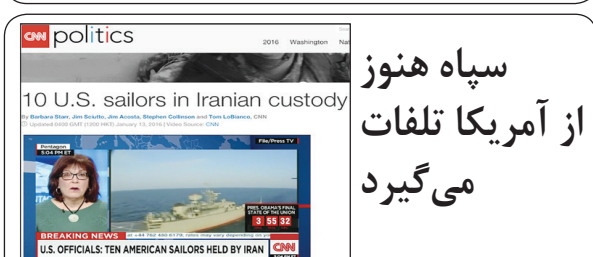
تأکید چند باره جان کری به ایجاد تغییر در ایران «از راه تجارت» نکته مهمی در بردارد. این بخشی از راهبرد کلی تری است که «تغییر از راه تعامل» خوانده می‌شود.

در این راهبرد، ایجاد تغییر در کشوری مانند ایران، مبتنی بر دو اصل «شتاب دادن به تغییرات اجتماعی» و «سازمان دادن آن» از طریق مجموعه‌ای از ابزارها از جمله؛ «ایجاد یک بخش خصوصی سکولار، توانمندشده و دارای ارتباطات گرانیک با غرب» است که در براندازی نظام «دارای نفع اقتصادی باشد، یا به عبارت دیگر «پول تغییر را بدهد» و «از تغییر پول دربیاورد». این بحث را می‌توان بسیار بیش از این بسط داد. جان کری به دنبال ایجاد یک بخش خصوصی سکولار است. در عین حال «پال رایان» رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، «جان کری» وزیر خارجه این کشور را به بازاریابی برای ایران متهم کرده است. وی در مصاحبه با «واشنگتن فری‌بیکن» گفت: «حقیقت این است که ایران اصلی‌ترین حامی تروریسم دولتی است. تا زمانی که این امر تغییر نکند، شرکت‌ها حق دارند برای ورود به بازار ایران، نگران باشند.» «رایان» در بخش دیگری از این مصاحبه، گفت: «کجای توافق هسته‌ای اوپاما آمده که جان کری باید بازاریاب اصلی ایران باشد؟» آمریکا گروه‌های کارشناسی تشکیل داده است تا به گفته کربی «مثل علایم راهنمایی جاده‌ای» به بانکداران بین‌المللی اطمینان خاطر بدهند که می‌توانند با ایران تجارت کنند.



«جان برن» مدیر سیا در سخنان خود دست کم دو مرتبه در مقام حامی پروپاقرص دولت روحانی ظاهر شده است؛ یکجا زمانی که ابراز امیدواری می‌کند، امثال روحانی در صورت بقا در قدرت، سیاست‌های منطقه‌ای ایران را به نفع آمریکا تغییر خواهند داد و جای دیگر، زمانی که می‌گوید مطمئن است اثرات برجام به گونه‌ای خواهد بود که روحانی و گروهش ماندگار شوند.

سؤال این است؛ آیا روحانی و حامیانش حتی یک بار از خود پرسیده‌اند رئیس جنایتکارترین سازمان جهان علیه ملت ایران، چرا این‌قدر خاطرخواه آنهاست؟ در همین حال نیوزویک در گزارشی درباره آینده سیاسی روحانی نوشته است: «۱۲ ماه تا برگزاری انتخابات آینده ریاست جمهوری در ایران و رویارویی دیگر حسن روحانی با رأی‌دهندگان برای حضور در یک دوره چهارساله دیگر در این سمت زمان باقی مانده است. برای فکر به اینکه حسن روحانی چقدر برای انتخاب مجدد شانس دارد البته خیلی هم زود نیست.» نیوزویک افزوده است: «روحانی در مسیر شش ماهه انتقادات سیاسی قرار دارد که صحنه را برای رقابت‌های سال آینده تعیین می‌کند: آیا روحانی با رقیب عمده‌ای در سال ۲۰۱۷ مواجه خواهد شد؟ آیا هیچ‌یک از آنها برای آمریکا دردسرساز می‌شوند؟ برجام دستاورد روی کاغذ روحانی به شمار می‌رود، اما در صورتی که مردم در ایران تا سال آینده نتایج برجام را احساس نکنند پوپولیسم‌ها می‌توانند اثرگذار باشند.»



هشت تفنگدار نیروی دریایی آمریکا که ماه ژانویه ۲۰۱۶ در نزدیکی جزیره فارسی خلیج فارس به دست سپاه پاسداران بازداشت شده بودند، مجازات خواهند شد.

خبرگزاری فرانسه، به نقل از یک مقام مسئول آمریکایی که نخواست نامش فاش شود با اعلام این خبر گفت: «این مجازات‌ها انضباطی است و قضایی نخواهد بود.»
نهمین تفنگدار درگیر در این ماجرا پیشتر از مقام فرماندهی خود برکنار شده بود و مشمول مجازات‌های انضباطی جدید نخواهد شد. در همین حال بی‌بی‌سی گفت: «پس از گذشت پنج ماه، نیروی دریایی آمریکا می‌گوید که این ملوانان اطلاعات حساسی به مقام‌های ایرانی داده‌اند. ظاهراً پسورد (رمز) تلفن‌ها و لپ‌تاپ‌های همراه ملوانان و قابلیت‌های فنی و نظامی قایق‌های پیشرفته‌ای که سوار بودند، از جمله این اطلاعات بوده است.» البته همان‌طور که در تلویزیون بی‌بی‌سی نیز از زبان مقامات نیروی دریایی تأکید شده: «ملوانان بیش از اندازه» به ایران اطلاعات داده‌اند، به همین دلیل ۸ افسر مرتبط با این موضوع را توبیخ خواهند کرد. این در حالی است که بی‌بی‌سی معتقد است: «کاپیتان قایق قبلا از کار بیگار شده بود.»
سام فرانزه، خبرنگار این رسانه مدعی است که این اطلاعات به صورت غیرقانونی و برخلاف مقررات بین‌المللی و با «تهدید به بردن آنها به داخل خاک ایران» اخذ شده است؛ زیرا ایرانی‌ها «وارد قایق آنها شده»، «پرچم سپاه راه به جای پرچم آمریکا نصب کرده‌اند».

سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در جریان دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تهران.

است که در تلاش برای نامن کردن مسلمان هستند.

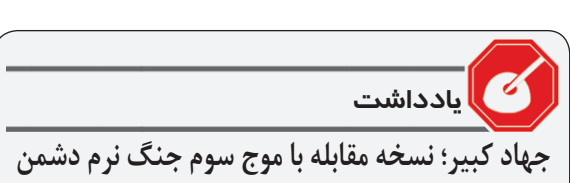
رومی دهد. «نویسنده با اشاره به اخبار مربوط به یهودستیزی در غرب افزوده است: «شاید نباید باشد که هیئت‌های

بیشتری از مردم جهان از جمله کالیفرنیا به جمهوری آذربایجان سفر کنند و در بازگشت به سرزمین خود پیام امید و صلح را گسترش دهند.» این در حالی است که در سال‌های گذشته دولت آذربایجان رهبران و مردم شیعه آذربایجان را تحت فشار قرار داده که ضمن فضاسازی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، خواستار فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران در این زمینه شده‌اند: «… این فعالان درباره مشکلات اقتصادی و سیاسی اقلیت‌ها در ایران صحبت کرده و خواستار آن شدند که آمریکا برای فشار بر دولت ایران، نقض حقوق بشر در این کشور را محکوم کند.»

تبدیل یک کشور شیعی به یهودی

یکی از برنامه‌های صهیونیست‌ها تبدیل کشور شیعه آذربایجان به کشوری یهودی است. در این راستا میلیخ یودایوف، رهبر یهودیان کوهستانی جمهوری آذربایجان با انتشار مقاله‌ای در «جویش ژورنال» با عنوان «یک نماینده یهودی در یک سرزمین مسلمان» نوشت: «در حالی که یهودستیزی در آمریکا در سال ۲۰۱۵ سه درصد افزایش یافته است، چنین مسئله‌ای در جمهوری

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی دوشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۵ / ۲۸ رمضان ۱۴۳۷/شماره۷۵۶



جهد کبیر؛ نسخه مقابله با موج سوم جنگ نرم دشمن مصطفی قربانی
فتنه ۸۸ اگرچه نقطه عطفی برای علنی ساختن نبرد نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بوده؛ اما این نبرد از مدت‌ها پیش شروع شده بود تا جنگ نرم دشمن درسه مرحله متمایز عملیاتی شود. مرحله نخست آن همان تلاش ناکام برای به نتیجه رساندن انقلاب رنگی بود. مرحله دوم این جنگ با تبلیغات اغواگرانه و روی آوردن به راهبرد تحریم فلج‌کننده علیه جمهوری اسلامی ایران عملیاتی شد. دشمن در این مرحله درصدد بود با هدف قراردادن وحدت و انسجام داخلی کشور و دامن زدن به ناراضیتهای مردمی، نوعی بسیج اجتماعی گسترده را علیه نظام شکل دهد. مرحله اول که با حضور دشمن‌شکن ملت در حماسه ۹ دی نقش بر آب شد و به گورستان تاریخ پیوست، مرحله دوم نیز با مقاومت مردم در برابر تحریم‌ها و ارائه الگویی برای مدیریت اقتصاد کشور در شرایط تحریم، تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» تا حد زیادی خنثی و بی‌اثر شده است.

از ایسن مرحله به بعد بود که آمریکا با اتخاذ راهبرد «نفوذ»، با هدف تضعیف توانمندی‌های درونی نظام اسلامی و به حاشیه بردن نهادهای انقلابی و با شیوه نفوذ در ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام به جنگ با جمهوری اسلامی ایران ادامه داد. مزیت این شیوه دشمنی برای استکبار این است که از آنجا که نسبت به دو مرحله پیش پیچیده‌تر و نامرئی‌تر است، درک آن دشوار بوده و کمتر نیز حساسیت طرف مقابل را در پی دارد. همچنین این شیوه، در مقایسه با دو مرحله پیش، بسیار کم‌هزینه‌تر بوده و به حضور فیزیکی نیاز ندارد و به همین دلیل است که به نفوذ، «تسخیر بدون حضور فیزیکی و بدون فتح سرزمینی» گفته می‌شود. آنچه آمریکا در کوتاهمدت در این هماوردی دنبال می‌کند، در دو سطح سیاسی و اقتصادی قابل تبیین است؛ در سطح سیاسی پذیرش دموکراسی و حقوق بشر آمریکایی از سوی جمهوری اسلامی ایران و همچنین پذیرش نظام سلسله‌مراتبی حاکم بر سیاست و روابط بین‌الملل، که در راستای حفظ قدرت‌طلبی و سیطره آمریکا و دیگر قدرت‌های استکباری پایه‌ریزی، عملیاتی و نظریه‌پردازی شده است، پذیرش فواید و هنجارهای حاکم بر این نظام ظالمانه و بازنگری در چارچوب این قواعد مد نظر آمریکا است. از دیدگاه آمریکایی‌ها، در سطح اقتصادی نیز جمهوری اسلامی ایران باید نظام جهانی سرمایه‌داری را به منزله چارچوب حاکم بر اقتصاد جهان قبول داشته باشد و همچنین اقتصاد بازار آزاد، نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای توسعه کشور را بپذیرد، آمریکا به دنبال تغییر هویت اسلامی و انقلابی نظام اسلامی به مثابه یک هدف حداقلی و در صورت توانایی، بهره‌برداری از این استحاله هویتی به مثابه ابزاری برای براندازی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران به مثابه هدف حداکثری و نهایی خود است.

یک نقطه مشترک در هر سه مرحله مذکور، اتکای دشمن برای پیشبرد اهداف خصمانه‌اش در قبال نظام اسلامی، به اقلیتی واداده و طرفدار غرب در داخل کشور است. با این تفاوت که در دو موج اول جنگ نرم، سرمایه‌گذاری دشمن بر روی توده اقلیت غربگر در داخل کشور متمرکز بود و کوشید با به صحنه کشاندن آنها، تحولات مورد نظر خود را در داخل کشور شکل دهد، سازماندهی کند و به نتیجه برساند؛ اما در موج سوم این جنگ، دشمن به سرمایه‌گذاری بر روی طیفی از نخبگان در مصادر امور کشور متمرکز است و نقطه اتکای او، نخبگان توسعه‌گرایانی است که معتقدند راه‌حل مسائل کشور، دست کشیدن از انقلابی‌گری، پذیرش نظام ظالمانه حاکم بر جهان، اقدام در جهانی شدن، کم‌رنگ شدن جهت‌گیری‌های معطوف به حفظ استقلال کشور و… است.

اما مسئله مهم اینکه؛ در مقابل نفوذ چه باید کرد؟ «جهاد کبیر» به معنای پیروی نکردن از دشمن، نسخه مقابله با این نقشه شوم دشمن است. در واقع، همان‌گونه که دشمن با امید بستن به تبعیت‌پذیری برخی نخبگان واداده از او، امیدوار است که نظام اسلامی را به اسارت تبعیت از خود درآورد، نسخه مقابله با این شیوه دشمنی، حفظ حساسیت‌ها نسبت به دشمن، او را دشمن دانستن و عدم تبعیت از او و مبارزه با او در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و… است که «جهاد کبیر» نامیده می‌شود. طبیعتاً مراقبت از نفوذ افراد واداده به درون دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نظام، تطهیر دستگاه‌های نظام از لوث وجود نفوذبان احتمالی، معرفی و شناساندن شخصیت‌های نفوذی به مردم، فراهم کردن زمینه برای حضور حداکثری نیروهای انقلابی و تبعیت‌ناپذیر از دشمن در مصادر امور و در دستگاه‌های حساس کشور و… می‌تواند به منزله مقدمات و شیوه‌هایی برای تقویت جهاد کبیر نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد.



سهام کمک به مقاومت در تأمین امنیت ملی
ادامه از صفحه اول
برای فهم و درک این موضوع، ذکر دو نکته لازم است:
نکته اول: سهم مقاومت در قدرت بازدارندگی نظامی ایران؛ تمامی کارشناسان می‌دانند علت عدم حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر به

ایران، قدرت دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در سطح بازدارندگی بوده است و تمامی کارشناسان طرفدار این نگاه، سهم مقاومت و به‌ویژه حزب‌الله لبنان در تولید چنین قدرتی برای جمهوری اسلامی ایران را، یک سهم بالا می‌دانند. اگر بخوایم میزان این سهم را بدانیم، تأمل در موارد زیر کفایت می‌کند:
الف – حمله رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ به حزب‌الله لبنان، مقدمه‌ای بود برای حمله این رژیم به ایران، اما شکست در این جنگ آنان را به این جمع‌بندی رساند که هرگز نباید موجودیت خود را با حمله نظامی به ایران، به خطر اندازند. ب– در خلال مذاکرات هسته‌ای، باراک اوباما در توجیه دلایل توافق با جمهوری اسلامی، اگر ما به ایران حمله نظامی می‌کردیم، حزب‌الله لبنان امنیت تل‌آویو را به خطر می‌انداخت. این سخن بسیار به روشنی سهم بالای حزب‌الله لبنان در تولید قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد.

نکته دوم: جنگ با تروریست‌ها در عراق و شام، یعنی درگیر شدن با دشمن در دوردست‌ها؛ این یک واقعیت است که اساس شکل دادن به این گروه‌های تروریستی از سوی شبکه استکبار و شبکه صهیونیسم به همراه متحدان منطقه‌ای خود، برای زدن جمهوری اسلامی، مقاومت و جریان بیداری اسلامی است. بنابراین، هدف اصلی خود سوریه و عراق نیست. بلکه مقدمه‌ای برای بحران‌سازی در ایران اسلامی بود. در واقع، اگر این گروه‌های تروریستی با کمک‌های مستشاری و شهدای مدافع حرم، در سوریه و عراق زمین‌گیر نمی‌شدند و شکست نمی‌خوردند، الان باید با آنان در داخل ایران می‌جنگیدیم. آیا اگر پای این گروه‌های تروریستی به ایران می‌شد، آن کسانی که شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران»، سر می‌دادند، حاضر بودند یا حضور در مناطق جنوب شرق، شمال غرب و حتی در دیگر استان‌های درگیر بحران، حضور پیدا کرده و جان خود را فدای ایران کنند؟ باید بدانیم که کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به مقاومت و حضور مستشاری در کشورهای منطقه، علاوه بر انجام یک تکلیف اسلامی و انقلابی در راستای کمک به ملت‌های مظلوم و کسانی که با نظام سلطه مبارزه می‌کنند، اقدامی هوشمندانه با یک سهم بسیار بالا و تعیین‌کننده، در تأمین امنیت ملی است.

مروری بر یک رخداد

اردوغان گرفتار دوگانه داعش و رژیم صهیونیستی

■ ■ ■ ابودر احمدی

چند نکته مهم را مورد توجه و ملاحظه قرار داد:

نخست، به اعتقاد تحلیلگران سیاسی، ترکیه در از سرگیری روابط سیاسی، از مسئله فلسطین و غزه تنها برای پیشبرد اهداف خود در روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی استفاده کرده و به موضوع غزه اهمتami بیش از این نداشته است.

دوم، بازگشت ترکیه با رهبری اردوغان به سوی روابط محکم‌تر با رژیم صهیونیستی به سبک و سیاق ژنرال‌های حاکم بر ترکیه طی دهه‌های گذشته شباهت دارد و با شعار اسلام‌گرایی حزب حاکم عدالت و توسعه همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد، این حزب در حال تکرار خطاهای دهه‌های گذشته و چند سال اخیر است. این نکته بسیار مهم است که یک وجه اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان موضوع تشدید تنش با رژیم صهیونیستی بود؛ امری که محبوبیت قابل توجهی برای شخص اردوغان و حزب مدعی اسلام‌گرایی‌اش در داخل ترکیه و خارج آن به دنبال داشت. در واقع، اردوغان در تقابل – هر چند اعلامی و صرفا سیاسی – با صهیونیست‌ها توانست محبوبیتی برای خود در جهان اسلام دست و پا کند؛ اما برای حزبی که اسلام‌گرایی آن در گرو مخالفت با رژیم اشغالگر قدس و محبوبیت آن در گرو میزان فاصله گرفتن آن از این رژیم است، اکنون بازگشتن به سوی اسرائیل هم ناپودکننده باقی‌مانده محبوبیت اردوغان و حزیش و هم نقض غرض از نظر تضاد این رویکرد با اسلام‌گرایی آن است. از این منظر می‌توان به جرئت گفت: دولت ترکیه خود را به چالش جدیدی کشانده است و آن، انزوی‌ها هر چه بیشتر در میان ملت‌های منطقه با نزدیک شدن به دشمن سنتی آنان است. این همان خطایی است که اردوغان در قبال داعش و گروه‌های تروریستی فعال در عراق و سوریه طی چند سال اخیر در پیش گرفت.

سوم، واقعیت این است که ترک‌ها پیش از این و در قالب دکترین احمد داود اوغلو برای به صفر رساندن تنش با همسایگان، ادعای کاهش تنش‌های منطقه‌ای را داشتند؛ اما با بروز آشوب‌های عراق و سوریه گویا به جای در پیش گرفتن این سیاست به سمت و سوی بهره‌برداری از این شرایط برای تعریف عمق راهبرد خود از دروازه تنش با همسایگان سوق داده شدند. حوادث سوریه و عراق یک امتحان بزرگ برای دولت ترکیه بود که متأسفانه از آن پیروز و سربلند بیرون نیامد و حمایت از داعش تیر خلاص را به سیاست کاهش تنش با همسایگان شلیک کرد.

چهارم، اکنون در یک اشتباه محاسباتی بزرگ دیگر، ترکیه دوستی با رژیم صهیونیستی را به قیمت انزوی خود در منطقه خواهد خرید؛ همان‌طور که دوستی با داعش طی چند سال اخیر بلای جان اردوغان و حزیش شد و این گروه تروریستی افزون بر اینکه سبب کاهش چشمگیر محبوبیت آنها در افکار عمومی مردم ترکیه، منطقه و جهان شد، به عملیات تروریستی در خاک ترکیه نیز روی آورد.

پایش

اصلی که فراموش شد

■ ■ ■ محسن فخری

برخی آن را جنجال دانستند و برخی دیگر آن را افشاگری نامیدند، پای وزرا را به مجلس کشاندند و یکی از وزرا تعبیر عجیب بی‌اخلاقی و شمشیر در پهلوی انقلاب را برای این موضوع برگزید. مبالغه‌آمیز نخواهد بود اگر بگوییم که تمام رسانه‌های مکتوب و مجازی حداقبل یکی از تیرت یک‌های خود را به آن اختصاص دادند. موضوع فیش‌های نجومی حقوق برخی مدیران دولتی موضوعی بود که حتی در هفته‌های گذشته واکنش مسئولان عالی‌رتبه کشور را نیز در پی داشت و رئیس مجلس، رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه نیز درباره آن دستورهای ویژه را صادر کردند. اما اتفاق ویژه در این میان نگاه عجیب برخی رسانه‌ها و تقلیل مسئله با این درجه از حساسیت به یک بازی سیاسی بود؛ پس از انتشار اولین فیش حقوقی نجومی مربوط به مدیران بیمه بود که برخی مسئولان دولتی، این فیش‌ها را میراث دولت گذشته دانستند و حالا پس از گذشت چند هفته و با انتشار فیش‌های تازه برخی مدیران بانک‌های دولتی، این رسانه‌های اصلاح‌طلب و نزدیک به دولت هستند که به جای انجام رسالت دیگر این طیف نیز انتشار فیش‌های حقوقی را به یک اتاق فکر نسبت داد که در این‌بابانی دولت در حال بحران‌آفرینی برای دولت یازدهم است و با تیتروهایی چون: «هر هفت روز یک بحران» و «هر روز یک بحران» به موضوع پرداختند، روزنامه «وقایع اتفاقیه» نیز با طرح این پرسش که دولت که به آن رأی داده‌اید در شرایطی که بخش قابل توجهی از مردم و حقوق‌بگیران و بازنشسته‌ها حقوق کمی دریافت می‌کنند و عده زیادی بیکار هستند و مردم مشکلات زیادی دارند، به مدیران ارشد دولت تدبیر و امید حقوق های ۱۵۰ میلیون پرداخت می‌شود.» پایگاه خبری

مسئله حقوق

رهیافت

چرایی حمایت‌های عربستان از هیلاری کلinton

■ ■ ■ سعید یاسر نژاد

عربستان سعودی بنا بر توافق دیرینه خود با آمریکا مبنی بر تأمین نفت واشنگتن در برابر حفظ امنیت حکومت آل‌سعود، همواره مجری سیاست‌های آمریکا در منطقه و حتی در سطح بین‌الملل بوده است. خوش خدمتی عربستان به آمریکا یک‌طرفه نبوده، بلکه سیاستمداران آمریکایی نیز به اقدامات ریاض پاسخ داده‌اند. ماه گذشته بود که آمریکا در گزارش ۲۸ صفحه‌ای خود در بحث حادثه ۱۱ سپتامبر اتهامات وارده به عربستان را سانسور کرد و به مقامات سعودی نیز این قول را داد که در صورت تصویب قانونی در کنگره به هیچ‌وجه دولت آن را اجرا نمی‌کند. در مبارزات انتخاباتی و رقابت بین دو نامزد جمهوریخواه و دموکرات، عربستان رویکردی همسو با دموکرات‌ها در پیش گرفته است. به تازگی نیز عربستان با



شرکت «پدستا» که «تونی پدستا»، حامی ارشد مالی کلinton، مالک آن است، قراردادی به مبلغ ۲۰۰ هزار دلار با عنوان «هزینه اولیه پروژه» پرداخت کرد و مبالغ نامشخص دیگری نیز تا سال آینده به این شرکت پرداخت خواهد شد. این قرارداد در راستای همسویی با کلinton بوده است. سفر اخیر محمدبن‌سلمان، جانشین ولیعهد عربستان به نیویورک، در راستای حمایت دوباره عربستان از دموکرات‌ها در برابر جمهوریخواهان است. اما در بحث چرایی حمایت عربستان از هیلاری کلinton می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- دونالد ترامپ در تبلیغات انتخاباتی خود به طور صریح مواضعی ضد عربستان در پیش گرفته است. وی بارها اعلام کرده که عربستان باید از حمایت گروه‌های تروریستی در منطقه دست بردارد. همچنین در یکی از سخنرانی‌های خود به نقش عربستان در حادثه ۱۱ سپتامبر اشاره و اعلام کرد: «نقش عربستان باید در این حادثه مشخص شود.» ترامپ همچنین عربستان را تهدید کرد که اگر با گروه تروریستی داعش نجنگد، در صورت رئیس‌جمهور شدن توقف خرید نفت از این کشور را بررسی خواهد کرد. وی همچنین در موضع‌گیری دیگری اعلام کرد: «کشورهایی که از حمایت آمریکا برخوردارند، باید هزینه این حمایت را بپردازند.» وی تأکید کرد: «عربستان بدون ما مدت طولانی باقی نخواهد ماند.»

اقتصادی

اقتصادی

سعید مهدوی

تورم تکریمی از رؤیا تا واقعیت

مرکز آمار ایران تورم خرداد ماه سال جاری را زیر ۱۰ درصد (تکریمی) اعلام کرد و افزود: آمار نرخ تورم پس از ۲۵ سال در کشور تکریمی شده و به ۹/۵ درصد رسیده است. خبری که به مذاق رسانه‌های حامی دولت خوش آمد و خیلی سریع به تیتیر اخبار آنها تبدیل شد. اما چند نکته درباره نرخ تورم تکریمی و فضاسازی‌های جانبی آن وجود دارد:

۱- رئیس مرکز آمار در حالی مدعی تک رقمی شدن نرخ تورم پس از ۲۵ سال شده است که مراجعه به آمار این مرکز، به ریاست آقای عادل آذر، نشان می‌دهد که ادعای وی خلاف واقع است. بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه مرکز آمار، نرخ تورم از اسفند سال ۱۳۸۸ تا آبان ۱۳۸۹ به مدت ۹ ماه متوالی تکریمی بود که البته از آذر ماه ۱۳۸۹ با اجرای یک جراحی اقتصادی به نام هدفمندی یارانه‌ها، نرخ تورم روند صعودی گرفت. بنا بر اعلام مرکز آمار، در اسفند ماه سال ۱۳۸۸ نرخ تورم به ۹/۵ درصد رسید و تکریمی شد. این شاخص در سال ۱۳۸۹ به روند نزولی خود ادامه داد و در تیر ماه آن سال با رسیدن به عدد ۷/۸ درصد رکورد پایین‌ترین نرخ تورم را زد. پس از آن شاخص تورم کمی صعودی شد و در آذر ماه آن سال با افزایش به ۱۰/۲ درصد پس از ۹ ماه از تکریمی خارج شد. ۲-نیروی اصلی کاهش تورم، وضعیت رکودی و کمبود تقاضاست. هر چند شاید تورم ۱۵ درصد برای شرایط رکودی اقتصاد ایران مناسب‌تر باشد، اما به نظر می‌رسد به دلایلی، نظیر مشکلات نظام بانکی، نقدینگی به تقاضا تبدیل نشده است. حسن سبحانی، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تهران معتقد است، پایین آمدن نرخ رشد تورم در اقتصاد ایران لزوماً حاصل اقدامات اقتصادی دولت نیست؛ بلکه می‌توان گفت در مواردی انجام ندادن برخی اقدامات از سوی دولت سبب تکریمی شدن تورم می‌شود؛ چون تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت کشور در وضعیت رونق اتفاق می‌افتد و بدیهی است که در شرایطی که رکود بر اقتصاد کشور حاکم است، قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد. از سویی، اگر فقر گسترده باشد، دیگر تقاضایی وجود ندارد که با افزایش قیمت روبه‌رو شویم. در واقع، درست است که با رشد نقدینگی نرخ رشد بالا می‌رود، ولی پول به عرصه واقعی اقتصاد کشور سرازیر نمی‌شود و در واقع این ارقام حساب‌های بانکی عده‌ای است که بالا می‌رود. بنابراین، تا زمانی که نظام بانکی کشور از سوی کسانی که باور دارند، مشمول یک انقلاب اقتصادی نشود و به موجب آن نرخ بهره مناسب در نظر گرفته نشود، از رکود خارج نمی‌شویم و حتی اگر نرخ تورم به یک تا دو درصد هم برسد، مشکل حل نمی‌شود.

۳- آقای روحانی در شعارهای انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲ جمله معروفی داشت که معیار تورم، جیب مردم است، نه بانک مرکزی و مرکز آمار. حال باید از دولت‌مدران پرسید که آیا این کاهش فاحش نرخ تورم از ابتدای دولت یازدهم تاکنون تأثیری در زندگی و سطح رفاه یا به قول ایشان تأثیری در جیب مردم داشته است یا این اعداد مصرف تبلیغاتی و دولتی دارد؟

۴-از جمله مواردی که سبب می‌شود تورم در جیب مردم احساس نشود، شیوه محاسبه آن است. معیار بانک مرکزی را مرکز آمار ایران به منظور احتساب نرخ تورم، سیدی است که شامل مسکن، مواد غذایی، وسایل کامل خانگی، مبلمان و الزامات یک زندگی متوسط به علاوه برخی دیگر از کالاهایی می‌شود که به طور گسترده و از سوی همه اقشار جامعه استفاده نمی‌شوند. به این سبب قاعدتا میانگین هزینه‌ها و در نتیجه نرخ تورم حاصل می‌شود که این نرخ با آنچه در بطن جامعه جریان دارد، متفاوت است.

«کیهان» که در پرداخت به موضوع نیز جزء رسانه‌های پیشستاز بود با درج «دانستن حق مردم است، غیر از رقم حقوق‌های نجومی!» از رفتار رسانه‌ها و مسئولان دولتی در قبال موضوع فیش‌های حقوقی انتقاد کرد و با تأکید بر اینکه این روزها دیگر از شعار دهان پرکن «دانستن حق مردم است» خبری نیست، نوشت: «عجیب



است اینکه روزنامه‌های زنجیره‌ای که گاه و بی‌گاه با قیافه نگران به خاطر مردم گریبان چاک می‌کنند، این روزها و در پی انتشار فیش‌های نجومی به جای مطالبه‌گری برای حق مردم و ایستادن در برابر فاسد، دنبال افشاگر این فیش‌ها هستند.» اما مهدی محمدی از ستون‌نویسان روزنامه «وطن امروز» با انتشار مطلبی در شبکه تلگرامی خود به این موضوع واکنش متفاوتی نشان داد و درباره علت و ریشه به وجود آمدن چنین حقوق‌هایی نوشت:

«مسئله فیش‌های حقوقی نجومی محصول مستقیم ظهور پدیده‌ای به نام «تاجر-مدیر» در دولت یازدهم است. صورت مسئله واقعی این است که برخی آقایان پیش از «مدیر» شدن تاجران‌ی بزرگ بوده‌اند و طبعاً

زدیت با مقاومت مقدمه سرنگونی دیکتاتورها

— ■ ■ ■ رضا اشرفی

منطقه جنوب غرب آسیا به واسطه حضور طولانی مدت نیروهای بیگانه و همچنین طیف‌های سیاسی خانواده‌محور منطقه که تنها به تداوم قدرت اهل و عیال خود می‌اندیشند، دچار سُرْی شده است که در برابر خیر موجود به هر گونه اقدامی دست می‌زند.

کشورهای منفعت‌محور منطقه که «خون» تنها عامل برخورداری از قدرت سیاسی است، در اتحاد با رژیم صهیونیستی و آمریکا همه وقت و تلاش خود را برای از بیسن بردن خیر موجود می‌گذرانند. یکی از بارزترین نمونه‌های آن بحرین است که به واسطه تشدید بحران در دیگر کشورها از جمله سوریه و عراق، کمتر در اخبار و رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود. مردم بحرین از سال ۲۰۱۱ و همراه با خیزش بیداری اسلامی در منطقه در اعتراض به نوع حکومت و حاکمیت آل خلیفه، بدون هیچ خشونتی دست به اعتراضاتی زده‌اند که می‌توان از آنها به اعتراضات مدنی یاد کرد؛ اما طی



این مدت همواره با خشونت عریان آل خلیفه مواجه بوده‌اند.

آخرین اقدام ضمردمی و ضد حقوق بشری مقامات بحرین، سلب تابعیت شیخ‌عیسی قاسم، روحانی شناخته شده و مورد پذیرش مردم است. این موضوع سبب شد تا معترضان مدنی در همان روز اول در منطقه الدراز واقع در غرب منامه دست به تظاهرات بزنند.

این سیاست که برآمده از رویکردهای افراطی عربستان سعودی است، به قدری در مقابل حقوق بشر قرار دارد که حتی مقامات آمریکا را به واکنش واداشته است. به این دلیل که این سیاست با هیچ یک از قوانین بین‌المللی سازگار نیست و هیچ نهاد حقوق بشری نه تنها نمی‌تواند از لغو تابعیت دفاع کند؛ بلکه سکوت در برابر آن را به ضرر خود می‌بیند.

سلب تابعیت شیخ‌عیسی قاسم، بخشی از این سیاست است که رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی آن را در منطقه دنبال می‌کنند. «مقاومت» دلیل عمده این رویکرد ضد مردمی در منطقه است که بی‌شک با چالش‌های

ضدیت با مقاومت مقدمه سرنگونی دیکتاتورها

— ■ ■ ■ رضا اشرفی

زیادی مواجه خواهد بود و سیل آن طومار برخی از حکومت‌های منطقه را در هم خواهد پیچید.

از زمان شکل‌گیری بیداری اسلامی و سقوط دیکتاتورهایی که با محوریت و اتحاد غربی به زبست سیاسی خود ادامه می‌دادند، رویارویی علیه مقاومت افزایش پیدا کرد تا اینکه در سوریه، عراق، یمن و… به تروریست‌سازی و جنگ علیه مردم تبدیل شد.

مقاومت از زمانی در منطقه شکل گرفت که رژیم صهیونیستی در این منطقه تأسیس شد و از زمانی تحركات مردمی علیه حاکمان دیکتاتور افزایش پیدا کرد که برخی از آنها در منطقه به سمت اتحاد با تل‌آویو پیش رفتند. استتارت اولیه این تعامل با دشمن اسلام و مردم در منطقه با کمپ‌دیوید بود که بعدها در دیگر کشورها نیز به صورت نهان و آشکار نمایان شد.

از این‌ رو اقدام علیه مقاومت و تقلا برای برچیدن آن از همان ابتدا آغاز شد؛ مسئله‌ای که به ترور رهبران مقاومت اسلامی از شیخ‌احمد یاسین، فتحی شقافی، سیدعباس موسوی، محمدباقر حکیم، آیت‌الله محمدباقر صدر و همچنین اعدام شیخ نمر در عربستان سعودی منجر شد.

همه تلاش‌هایی که مخالفان و دشمنان مقاومت در منطقه انجام می‌دهند برای از بین بردن آن بوده است. این تقلا و تلاش پس از فلسطین در سوریه، یمن، عراق، بحرین و … در حال صورت گرفتن است. این در حالی است که همه توره‌های پیشین و همه تلاش‌های کنونی برای از بین بردن مقاومت بی‌فایده بوده و حتی به تقویت و قدرت‌گیری مداوم آن منجر شده است. دلیل اصلی این است که مقاومت، برآمده از اندیشه دینی مردم منطقه است.

بر همین اساس ترورهای ضد مردمی از سوی مدافعان حقوق بشر، به حماسه غزه با توان دفاعی در مقابل تمامیت توان نظامی رژیم صهیونیستی، قدرت‌گیری روزافزون حزب‌الله لبنان در سطوح مختلف، به‌ویژه در عرصه سیاسی، مقاومت بلندمدت مردم سوریه با توجه به فشارهای داخلی و خارجی، شکل‌گیری جریان مردمی و بسیج حشد الشعبی در عراق، مقاومت جوانان در عربستان سعودی، بحرین، یمن و … تبدیل شده است.

نگاهی به تاریخ چند دهه اخیر منطقه گویای این مسئله است که دشمنی با مقاومت که اکنون در رأس آن رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی با حمایت آمریکا قرار دارند، نه تنها این جریان اصیل را تضعیف نکرده، بلکه آن را تقویت کرده است. اکنون سلب تابعیت شیخ‌عیسی قاسم در تکمیل آن می‌تواند نقطه عطفی در مبارزات ضد دیکتاتوری بحرین باشد تا به سرنگونی آل خلیفه منجر شود.

این جریانی است که تشنگان قدرت از جمله سعودی‌ها و آل خلیفه و دیگر متحدان آنها که همگی با گرایش‌های خونی و خانوادگی حکومت می‌کنند، درکی از آن نخواهند داشت، تا اینکه روز موعود فرارسد.

گام‌های آنکارا برای خیانت به فلسطین

— ■ ■ ■ قاسم غفوری

یکی از ادعاهای ساختار حاکم بر ترکیه به ریاست حزب عدالت و توسعه به نخست‌وزیری رجب طیب‌اردوغان در طول بیش از یک دهه را اعلام حمایت از فلسطین تشکیل می‌دهد. اوج این ادعا نیز در سال ۲۰۱۰ پس از پورش کماندوهای رژیم صهیونیستی به شکستن محاصره غزه (کشتی مرمره) و کشتار سرنشینان این کشتی رقم خورد و ترکیه خود را یکی از کانون‌های حمایت از فلسطین در جهان مطرح کرد؛ رویکردی که البته با استقبال گسترده مردم ترکیه نیز همراه بود و بر میزان حمایت مردمی از دولت حاکم افزود. آنچه در برآیند ماه‌های اخیر رفتاری ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی به چشم می‌خورد، نوعی تغییرات آشکار از رویکرد تقابلی به تاملی با این رژیم است. پس از ماه‌ها بحث رسانه‌ای سرانجام در هفتم تیر ماه ۱۳۹۵ نخست‌وزیر ترکیه به طور رسمی احیای روابط با رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. البته، وی ادعا کرده خوسته‌های ترکیه درباره غزه و نیز غرامت کشتی مرمره اجرایی شده و به صلاح ترکیه است که مناسبات خود با این رژیم را احیا کرده و توسعه



دهد. جالب و قابل توجه آنکه اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه نیز در گفت‌وگو با ایوبازن، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، این اقدام را طرحی برای حمایت از فلسطین دانسته و بر لزوم رویکرد فلسطینیان به آنچه مذاکرات صلح نامیده تأکید داشته است. رفتاری که نشان می‌دهد آنکارا نه تنها خود به سمت سازش پیش رفته، بلکه تلاش دارد تا نقشی قابل توجه را نیز در روند آنچه صلح آمریکایی خاورمیانه می‌نامند، ایفا کند.

نکته قابل‌ تأمل درباره رفتار ترکیه آنکه تلاش آنها برای توجیه این رویکرد سازشکارانه و خیانت‌شان به فلسطین است. نخست آنکه با وجود آنکه روند مذاکرات در دوران نخست‌وزیری داوود اوغلو صورت گرفت، اما اجرایی نشد و به نخست‌وزیر جدید ترکیه واگذار شد. سران ترکیه با این اقدام تلاش کرده‌اند تا چنان وانمود کنند که رویکرد دولت جدید در قالب تعامل گسترده با جهان فعال شده، چنانکه وی در سخنانی تأکید می‌کند ترکیه تا باید نمی‌تواند با دیگران در نزاع باشد و در نهایت به دنبال تعامل سراسری است. رفتار توجیهی سران ترکیه را در تقارن و همزمانی اعلام

نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام – ۲۵

غنا در چنگال صهیونیست‌ها

— ■ ■ ■ عبدالله عبادی

به دولت این کشور منحصر نیست؛ بلکه رژیم صهیونیستی توانسته در بسیاری از لایه‌های این کشور از جمله قبایل نفوذ کند.

در جولای ۲۰۱۲ «اوتوفوآوسی توتو» رهبر قبیله آشانتی که ۱۲ میلیون نفر در غنا و کشورهای همسایه آن جمعیت دارد، برای دیدار با مقامات رژیم صهیونیستی عازم تل‌آویو شد و با شموون پرز



دیدار و گفت‌وگو کرد. وی در این دیدار گفت: غنا سال گذشته شاهد رشد اقتصادی ۱۴/۶ درصدی بوده که در کل آفریقا بی‌نظیر است و ما قصد داریم این‌ روند ادامه داشته باشد. وی از سرمایه‌گذاران صهیونیست‌ها درخواست کرد در پروژه‌های مختلف این کشور سرمایه‌گذاری کنند.

در سپتامبر ۲۰۱۳ «یلی اویدار» رئیس اتاق بازرگانی رژیم صهیونیستی در مصاحبه با شبکه دو تلویزیون این رژیم گفت: از لحاظ فرصت‌های سرمایه‌گذاری قاره آفریقا در اولویت اول اسرائیل قرار دارد. وی گفت: اسرائیل در زمینه‌های مختلف، از جمله تأسیسات زیربنایی و تأسیسات آبرسانی و صادرات محصولات کشاورزی در این قاره سرمایه‌گذاری‌های خوبی کرده است.

کند و کاو

رخدادهای بی‌رحم مسائل ایران و آمریکا

ایران برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی حمایت از حزب‌الله را کنار بگذارد خیر‌گزاری ایسنا: سخنگوی کاخ سفید برای دسترسی ایران به بازارهای بین‌المللی شرط دیگری گذاشت و گفت: تحقق این موضوع مستلزم قطع حمایت این کشور از حزب‌الله لبنان است. «اریک شولتز» سخنگوی کاخ سفید اظهار داشت: «اعلامان مالی نمی‌خواهند با کشوری تجارت کنند که برای تروریسم تأمین مالی انجام می‌دهد؛ بنابراین از ایران می‌خواهیم این کار را نه‌تنها به دلیل آنکه برای امنیت ملی خوب نیست (آنها در حال حمایت از تروریسم هستند)، بلکه به این دلیل که در راستای منافعش نیست، متوقف کند.» شولتز در ادامه گفت: «اگر ایران از حزب‌الله حمایت بکند، این گروه همچنان منبعی برای تأمین پول و منابع دارد. به همین دلیل اگر ایران می‌خواهد به بازارهای بین‌المللی دسترسی پیدا کند، لازم است رفتارهای خود را کنترل کند.»

باید هزینه رفتارهای ایران را بالا ببریم

خبر‌گزاری فارس: «جک سالیوان» مشاور هیلاری کلینتون، نامزد احتمالی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با بیان اظهاراتی اذعامحور گفته‌است:واشنگتن باید هزینه رفتارهای ایران را بالا ببرد. جک سالیوان که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ هم مشاور هیلاری کلینتون در مقام وزیر خارجه آمریکا بوده است، گفت: «نظر من، برای اینکه راهبرد آمریکا در خاورمیانه آغزب آسیا و شمال آفریقا مؤثرتر شود، نیاز به موازنه مجدد وجود دارد.» وی افزود: «ها باید هزینه‌ها علیه ایران را به سبب انجام رفتارهای ژن‌دات‌بالا ببریم و باید اعتماد شریکان سنی‌مان را افزایش دهیم که آمریکا در کنار آنها خواهد بود.»

تعمید کری از نقش ایران در عراق

خبر‌گزاری «پرس‌تی‌وی» جان کری، وزیر خارجه آمریکا گفت: حضور ایران در عراق برای مبارزه با داعش «مفید» بوده است. وی این سخن را در جشنواره ایده‌های «آسپن» و در پاسخ به این پرسش که آیا نقش ایران «مفید بوده یا مخرب»، مطرح کرده است. کری گفته است: «همان‌طور که همه می‌دانند، ما با ایران چالش‌هایی داشته‌ایم و داریم روی آن چالش‌ها کار می‌کنیم؛ اما می‌توانم به شما بگویم که ایران در عراق به نتایج مشخصی مفید بوده است. آنها به وضوح بر داعش متمرکز هستند. به همین سبب قطعاً منفعت مشترکی داریم.» وی با اشاره به برقرار شدن تماس مستقیم میان وزرای خارجه آمریکا و ایران، گفته است: این امر به تسهیل حل بحران‌های جهانی کمک می‌کند.

رفتار ایران در سوریه تغییر نکرده است

خبر‌گزاری فارس: «برت مک‌گورک» نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در ائتلاف ضد داعش در عراق و سوریه می‌گوید: پس از امضای «برجام» تغییری در رفتار ایران در سوریه ایجاد نشده است.وی که در نشست کمیته روابط خارجی مجلس سنا حضور داشت، در پاسخ به پرسشی در این‌باره گفت: «من تغییری در رفتار ایران مشاهده نکرده‌ام آنها دارند نه برای حمایت از رژیم اسد، تلاش می‌کنند.» مک‌گورک افزون بر این مدعی شد، ایران حمایت از گروه‌های «شبه‌نظامی» در عراق را ادامه می‌دهد.

اقدام سخت‌گیرانه‌تر کارگروه مالی ضد ایران

خبر‌گزاری باشگاه خبرنگاران: نمایندگان کنگره آمریکا از نهاد بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی خواسته‌اند اقدامات سخت‌گیرانه‌تری علیه ایران به کار گیرند. نمایندگان کنگره آمریکا، در بیانیه‌های جداگانه‌ای، از تصمیم «کارگروه اقدام مالی» نهاد بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم برای تعلق ۱۲ ماهه «اقدامات تقابلی» علیه ایران انتقاد کرده و خواستار اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه‌تری علیه کشورمان شده‌اند. «کارگروه اقدام مالی»، سازمانی نظارتی است که هدف آن مبارزه با پول‌شویی در سطح جهان و تأمین مالی تروریسم است. با وجود این، نمایندگان کنگره آمریکا همچنان خواستار اقدامات سخت‌گیرانه‌تر کارگروه مالی علیه ایران هستند. «استی هوپر» قانونگذار دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا تأکید کرده است تصمیم جدید کارگروه مالی پیام‌های متناقضی به ایرانی‌ها می‌فرستد و می‌توان آن را نوعی پیروزی برای حکومت ایران خواند.

نماینده ولی فقیه در سپاه جهاد کبیر و نقش آن در پاسداری از انقلاب اسلامی را تبیین کرد

سیاست تعاملی دشمن برای نفوذ و تغییر عمق راهبردی

اشاره

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم دانش آموزی دانشجویان دانشکده افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) موضوع جهاد کبیر را مطرح کردند. معظم له همچنین در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری به تبیین ابعاد این موضوع پرداختند.

اهمیت موضوع سبب شد تا حجت الاسلام والمسلمین علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه، در جمع هادبان سیاسی ویژه به موضوع شناخت جهاد کبیر و نقش آن در پاسداری از انقلاب اسلامی پرداخت و مباحث خود را در هفت محور بیان کرد که در ادامه می خوانید.



بیش از دو کیلومتر امتداد دارد، این مردم همان مردمی هستند که دیروز با مشت های گره کرده خود گفتند: مرگ بر امپریالیسم سرمایه داری، ولی در اثر دو دهه کار فرهنگی روی ادراک مردم آن قدر استحاله شدند که دست از همه آن اهداف و آرمان ها برداشتند و امروز آرزوی شان این است که یک شعبه از مک دونالد در مسکو افتتاح شود و یک ساندویچی را گرفته و بخورند.

نکته سوم- زمینه های نفوذ پذیری داخلی

یکی از مهم ترین تفاوت های این دوره، زمینه نفوذ پذیری داخلی است.

اگر در دوره کارگزاران شعارشان؛ توسعه اقتصادی با رویکرد سازندگی بود. اگر در دوره اصلاح طلبان شعارشان توسعه سیاسی با رویکرد اصلاحات بود، امروز شعار دولت مردان ما توسعه تعاملی با رویکرد تعادلی است.

گویی این شعار به مراتب غلیظ تر از شعارهای قبلی است؛ یعنی معنا و مفهوم آن، این است که باید وارد جامعه جهانی شویم، برای حل مشکلات راهی غیر از جذب جامعه جهانی وجود ندارد.

زمینه های نفوذ پذیری در داخل به دو نکته بستگی دارد: نکته اول- نظریه غالب دولت بر ضرورت جذب در جامعه جهانی است؛

نکته دوم- وابستگی حل مشکلات داخلی و بین المللی به تعامل با آمریکا.

براندازی است و راهبرد متغیر در راستای همان هدف می باشد.

نکته دوم- انگیزه دشمن در تعامل

انگیزه دشمن دو چیز است:

۱- نفوذ در عرصه داخلی؛

۲- تأثیر گذاری در عرصه خارجی، یعنی عمق راهبرد ما.

در عرصه داخلی نفوذ در دو جهت است:

۱- تصرف در ادراک سیاسی مسئولان؛

۲- تصرف در ادراک فرهنگی مردم.

نفوذ یعنی همین. بنده بهترین تعبیری که برای نفوذ به آن دست پیدا کرده ام همین است. نفوذ یعنی تصرف در ادراک مسئولان و مردم. در این زمینه نمونه های زیادی وجود دارد. از آقای گورباچف می پرسند که چه شد شما سقوط کردید، در پاسخ گفت: وقتی ما سقوط کردیم دیدیم صف «مک دونالد» در مسکو

محور اول: بحث شناخت جهاد کبیر

به طور کلی از متون دینی، به ویژه قرآن سه نوع جهاد به تصویر کشیده شده است:

جهاد اول - جهاد اکبر، که همان جهاد با نفس است.

جهاد دوم - جهاد صغیر، یعنی جهاد رسمی که در تعبیر قرآن در خیلی از جاها «قتال» نامیده شده است.

جهاد سوم - جهاد کبیر که دو شاخه دارد: شاخه اول اطاعت نکردن و شاخه دوم جهاد و مبارزه در همه عرصه های سیاسی، علمی، اقتصادی و فرهنگی با استکبار جهانی.

محور دوم: مقایسه دشمنی های عصر ما با عصر پیامبر اعظم (ص)

در مقایسه دشمنی های عصر ما با عصر پیامبر (ص) سه نوع تفاوت وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می شود:

تفاوت اول- گستردگی دشمنی ها

برای اینکه امروز بتوانیم با مفهوم جهاد کبیر درست آشنا شویم، باید این تفاوت ها را بدانیم.

اولین تفاوت عصر ما با عصر پیامبر (ص)، گستره دشمنی هاست. به تعبیر رهبر معظم انقلاب در ایام مباهله که فرمودند: امروز تمام اسلام در برابر تمام کفر قرار گرفته است. این موضوع در گذشته بوده، ولی به این گستردگی وجود نداشته است. امروز در دایره تقابل به وسعت جهان یک طرف انقلاب اسلامی ایران و جمعیتی است که هوادار این انقلاب است و در برابر آن جبهه های از کفر، شرک، نفاق، ارتجاع منطقه قرار دارد.

تفاوت دوم- پیچیدگی های عصر ما

تفاوت دیگری که عصر ما با عصر نبوی دارد پیچیدگی های عصر ما است؛ یعنی آن قدر پیچیدگی ها افزایش یافته است که نمی توان به هیچ قیمتی این برابری را ببینیم. در عصر ما پیچیدگی در عرصه دشمنی انواع و اقسام دارد که به صورت آشکار، پنهان و پیچیده نمایان می شود.

تفاوت سوم- سازوکارهای تأثیر گذاری روی ادراک مردم

تنوع ابزار و امکاناتی که در جهت تأثیر گذاری روی ادراک مردم است با دوره های گذشته قابل مقایسه نیست؛ یعنی استفاده از شبکه امپراتوری رسانه ای، ماهواره، اینترنت و این قبیل مسائل و با همان ترغندهایی که دارند انسان را مسخ می کنند. حالا در زمان پیامبر (ص)، وقتی شخصی به مکه می رفت به او گفته می شد که مواظب باشی به سوی شخصی که مدعی پیغمبری است نروی، چون او جادوگر و ساحر است؛ ولی امروز ظرفیت به وسعت جغرافیای جهان است. در حال حاضر بیش از ۱۷ هزار شبکه ماهواره ای وجود دارد که ۳۰۰۰ شبکه آن در ایران قابل دریافت است. ۱۶۰ تا ۱۷۰ شبکه فارسی زبان درست شده است که همه آنها به نوعی تلاش می کنند روی ادراک فرهنگی مردم و ادراک سیاسی مسئولان تأثیر بگذارند، این واقعاً با گذشته که تنها یک یا دو مورد بود، قابل مقایسه نیست.

محور سوم: فلسفه راهبردی جهاد کبیر

اینکه چرا رهبر معظم انقلاب در این مقطع روی این موضوع تأکید فرمودند، بنده در این باره به سه نکته اشاره می کنم:

نکته اول- راهبرد تعاملی دشمن با هدف براندازی

ما امروز با یک تغییر راهبرد روبه رو هستیم، نه تغییر هدف. هدف ثابت و آن براندازی است؛ اما راهبرد تغییر کرده است، گاهی راهبرد جنگ سخت نیابتی است و گاهی راهبرد تحریم و محاصره است. امروز دوره راهبرد تعاملی است؛ اما هدف یکسان، همان

بیش از دو کیلومتر امتداد دارد، این مردم همان مردمی هستند که دیروز با مشت های گره کرده خود گفتند: مرگ بر امپریالیسم سرمایه داری، ولی در اثر دو دهه کار فرهنگی روی ادراک مردم آن قدر استحاله شدند که دست از همه آن اهداف و آرمان ها برداشتند و امروز آرزوی شان این است که یک شعبه از مک دونالد در مسکو افتتاح شود و یک ساندویچی را گرفته و بخورند.

نکته سوم- زمینه های نفوذ پذیری داخلی

یکی از مهم ترین تفاوت های این دوره، زمینه نفوذ پذیری داخلی است.

اگر در دوره کارگزاران شعارشان؛ توسعه اقتصادی با رویکرد سازندگی بود. اگر در دوره اصلاح طلبان شعارشان توسعه سیاسی با رویکرد اصلاحات بود، امروز شعار دولت مردان ما توسعه تعاملی با رویکرد تعادلی است.

گویی این شعار به مراتب غلیظ تر از شعارهای قبلی است؛ یعنی معنا و مفهوم آن، این است که باید وارد جامعه جهانی شویم، برای حل مشکلات راهی غیر از جذب جامعه جهانی وجود ندارد.

زمینه های نفوذ پذیری در داخل به دو نکته بستگی دارد: نکته اول- نظریه غالب دولت بر ضرورت جذب در جامعه جهانی است؛

نکته دوم- وابستگی حل مشکلات داخلی و بین المللی به تعامل با آمریکا.

براندازی است و راهبرد متغیر در راستای همان هدف می باشد.

نکته دوم- انگیزه دشمن در تعامل

انگیزه دشمن دو چیز است:

۱- نفوذ در عرصه داخلی؛

۲- تأثیر گذاری در عرصه خارجی، یعنی عمق راهبرد ما.

در عرصه داخلی نفوذ در دو جهت است:

۱- تصرف در ادراک سیاسی مسئولان؛

۲- تصرف در ادراک فرهنگی مردم.

نفوذ یعنی همین. بنده بهترین تعبیری که برای نفوذ به آن دست پیدا کرده ام همین است. نفوذ یعنی تصرف در ادراک مسئولان و مردم. در این زمینه نمونه های زیادی وجود دارد. از آقای گورباچف می پرسند که چه شد شما سقوط کردید، در پاسخ گفت: وقتی ما سقوط کردیم دیدیم صف «مک دونالد» در مسکو

۱- تفاوت در مسئولیت اجرا؛ در هر دو جهاد فرمان اختیار در دست رهبری است، اما در اجرا یک تفاوت وجود دارد. در جهاد صغیر، نیروهای مسلح مسئولیت داشته و در جنگ نرم و جهاد کبیر، دولتمردان مانند نمایندگان مجلس، قوه قضائیه و... مسئولیت دارند؛ یعنی مقام اجرا در جنگ سخت با جهاد کبیر تفاوت پیدا می کند. یعنی باید روحیه جهادی به خود گرفته و از رفتار و سبک زندگی خود برخوردار باشید، مانند جهاد صغیر و جهاد نظامی که چگونه شرایط آن فراهم بود، اینجا هم باید همان گونه باشد.

۲- تفاوت در گستره جغرافیایی؛ جهاد صغیر مرزها را در بر می گیرد؛ اما عرصه تأثیر گذاری دشمن و عرصه ساماندهی جهاد کبیر کل کشور و نه تنها کل کشور، بلکه جهان اسلام است. امروز این شبکه امپراتوری رسانه ای، جهان اسلام را زیر پوشش گرفته است. جنگ سخت مرز مشخصی دارد، ولی جنگ نرمی که امروز جهاد کبیر را باید در آن ساماندهی کنیم به وسعت جغرافیای جهان اسلام است.

۳- تفاوت در نوع پیامدها و خسارت ها؛ پیامدها و خسارت های جنگ نظامی و جنگ سخت متفاوت است. در جهاد صغیر به نیروی انسانی ما خسارت هایی مادی وارد می شود، برخی نیروها مجروح، اسیر یا شهید شده از قداست بالای برخوردار می شوند؛ اما در تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، فرهنگ مهاجم ضایعاتی دارد که اصلاً با آن خسارت ها قابل مقایسه نیست؛ یعنی اساس انقلاب را در معرض خطر جدی قرار می دهد. آنچه را که دستگاه معاویه ظرف ۲۰ سال انجام داد نمونه خوبی است. وقتی میمون یزید از روی اسب به زمین می افتد و می میرد، می گویند **ادامه در صفحه ۱۰**

بیش از دو کیلومتر امتداد دارد، این مردم همان مردمی هستند که دیروز با مشت های گره کرده خود گفتند: مرگ بر امپریالیسم سرمایه داری، ولی در اثر دو دهه کار فرهنگی روی ادراک مردم آن قدر استحاله شدند که دست از همه آن اهداف و آرمان ها برداشتند و امروز آرزوی شان این است که یک شعبه از مک دونالد در مسکو افتتاح شود و یک ساندویچی را گرفته و بخورند.

نکته سوم- زمینه های نفوذ پذیری داخلی

یکی از مهم ترین تفاوت های این دوره، زمینه نفوذ پذیری داخلی است.

اگر در دوره کارگزاران شعارشان؛ توسعه اقتصادی با رویکرد سازندگی بود. اگر در دوره اصلاح طلبان شعارشان توسعه سیاسی با رویکرد اصلاحات بود، امروز شعار دولت مردان ما توسعه تعاملی با رویکرد تعادلی است.

گویی این شعار به مراتب غلیظ تر از شعارهای قبلی است؛ یعنی معنا و مفهوم آن، این است که باید وارد جامعه جهانی شویم، برای حل مشکلات راهی غیر از جذب جامعه جهانی وجود ندارد.

زمینه های نفوذ پذیری در داخل به دو نکته بستگی دارد: نکته اول- نظریه غالب دولت بر ضرورت جذب در جامعه جهانی است؛

نکته دوم- وابستگی حل مشکلات داخلی و بین المللی به تعامل با آمریکا.

براندازی است و راهبرد متغیر در راستای همان هدف می باشد.

نکته دوم- انگیزه دشمن در تعامل

انگیزه دشمن دو چیز است:

۱- نفوذ در عرصه داخلی؛

۲- تأثیر گذاری در عرصه خارجی، یعنی عمق راهبرد ما.

در عرصه داخلی نفوذ در دو جهت است:

۱- تصرف در ادراک سیاسی مسئولان؛

۲- تصرف در ادراک فرهنگی مردم.

نفوذ یعنی همین. بنده بهترین تعبیری که برای نفوذ به آن دست پیدا کرده ام همین است. نفوذ یعنی تصرف در ادراک مسئولان و مردم. در این زمینه نمونه های زیادی وجود دارد. از آقای گورباچف می پرسند که چه شد شما سقوط کردید، در پاسخ گفت: وقتی ما سقوط کردیم دیدیم صف «مک دونالد» در مسکو

بیش از دو کیلومتر امتداد دارد، این مردم همان مردمی هستند که دیروز با مشت های گره کرده خود گفتند: مرگ بر امپریالیسم سرمایه داری، ولی در اثر دو دهه کار فرهنگی روی ادراک مردم آن قدر استحاله شدند که دست از همه آن اهداف و آرمان ها برداشتند و امروز آرزوی شان این است که یک شعبه از مک دونالد در مسکو افتتاح شود و یک ساندویچی را گرفته و بخورند.

نکته سوم- زمینه های نفوذ پذیری داخلی

یکی از مهم ترین تفاوت های این دوره، زمینه نفوذ پذیری داخلی است.

اگر در دوره کارگزاران شعارشان؛ توسعه اقتصادی با رویکرد سازندگی بود. اگر در دوره اصلاح طلبان شعارشان توسعه سیاسی با رویکرد اصلاحات بود، امروز شعار دولت مردان ما توسعه تعاملی با رویکرد تعادلی است.

گویی این شعار به مراتب غلیظ تر از شعارهای قبلی است؛ یعنی معنا و مفهوم آن، این است که باید وارد جامعه جهانی شویم، برای حل مشکلات راهی غیر از جذب جامعه جهانی وجود ندارد.

زمینه های نفوذ پذیری در داخل به دو نکته بستگی دارد: نکته اول- نظریه غالب دولت بر ضرورت جذب در جامعه جهانی است؛

نکته دوم- وابستگی حل مشکلات داخلی و بین المللی به تعامل با آمریکا.

براندازی است و راهبرد متغیر در راستای همان هدف می باشد.

نکته دوم- انگیزه دشمن در تعامل

انگیزه دشمن دو چیز است:

۱- نفوذ در عرصه داخلی؛

۲- تأثیر گذاری در عرصه خارجی، یعنی عمق راهبرد ما.

در عرصه داخلی نفوذ در دو جهت است:

۱- تصرف در ادراک سیاسی مسئولان؛

۲- تصرف در ادراک فرهنگی مردم.

نفوذ یعنی همین. بنده بهترین تعبیری که برای نفوذ به آن دست پیدا کرده ام همین است. نفوذ یعنی تصرف در ادراک مسئولان و مردم. در این زمینه نمونه های زیادی وجود دارد. از آقای گورباچف می پرسند که چه شد شما سقوط کردید، در پاسخ گفت: وقتی ما سقوط کردیم دیدیم صف «مک دونالد» در مسکو

بیش از دو کیلومتر امتداد دارد، این مردم همان مردمی هستند که دیروز با مشت های گره کرده خود گفتند: مرگ بر امپریالیسم سرمایه داری، ولی در اثر دو دهه کار فرهنگی روی ادراک مردم آن قدر استحاله شدند که دست از همه آن اهداف و آرمان ها برداشتند و امروز آرزوی شان این است که یک شعبه از مک دونالد در مسکو افتتاح شود و یک ساندویچی را گرفته و بخورند.

نکته سوم- زمینه های نفوذ پذیری داخلی

یکی از مهم ترین تفاوت های این دوره، زمینه نفوذ پذیری داخلی است.

نگاه دو

دومینوی خروج از اتحادیه اروپا

مریم فتحی

و الگوی دیگران واقع شود. نیازی نیست که یکباره شمار کثیری از اعضا، به خروج از اتحادیه تصمیم بگیرند؛ اما کشورهای دیگر نیز می توانند برای دریافت حقوق ویژه و مقررات اتحادیه اروپا، همچون بریتانیا به برگزاری همه پرسی تهدید کنند. فروپاشی اتحادیه اروپا زمانی بیشتر به واقعیت نزدیک خواهد شد که انگلیس در خارج از این اتحادیه بتواند رشد اقتصادی بهتری را به دست آورد. در این صورت کشورهای دیگر نیز دومینوار خواستار خروج از این اتحادیه خواهند شد. بحران اقتصادی در کنار بحران مهاجران سبب شده است عملکرد و کارایی اتحادیه اروپا



نزد مردم این قاره کاهش پیدا کند. این موضوع می تواند برای هر اتحادیه ای بسیار خطرناک باشد. در اوضاع کنونی نیز مردم انگلیس پرچمدار معرفی تا کارآمدی اتحادیه اروپا شده اند و باید منتظر سرانجام این اتحادیه بود. البته واگرایی در اروپا تنها در اتحادیه ها روی نخواهد داد و مردم کشورهای این قاره، مانند اسکاتلند و کاتالونیا در اسپانیا نیز خواسته های استقلال طلبانه خود را بیش از پیش پیگیری خواهند کرد. در واقع، موج واگرایی در عرصه داخلی و خارجی در اروپا به جریان افتاده است و نتایج این موج را باید در سال های آینده و با رشد افزایش قدرت احزاب راست گرا در اروپا مشاهده کرد. گفتنی است، اتحادیه اروپا با خروج انگلیس دوران آرامش خود را از دست داد.

رای مردم انگلیس در سوم تیر ماه به خروج از اتحادیه اروپا سبب شده است تا این اتحادیه روزهای بحرانی و سختی را پشت سر بگذارد. شاید مهم ترین بحران و پیامد همه پرسی خروج بریتانیا برای اتحادیه اروپا، تهدیدات ماهیتی باشد. تهدیداتی که در سال های اخیر تشدید شده و میل به واگرایی در اتحادیه اروپا را بسیار تقویت کرده است. نتایج همه پرسی انگلیس نشان داد که موج استقلال طلبی در اروپا بسیار قوی تر از گذشته شده است. موجی که با تلاش اسکاتلندی ها در انگلستان و پس از آن اهالی کاتالونیا در اسپانیا برای استقلال آغاز شد و در ماه های اخیر با تشدید بحران پناهجویان و بالا گرفتن اختلاف بین اعضای اتحادیه اروپا، با تقویت احزاب راست گرا و ضد اتحادیه اروپا ادامه یافت. در واقع، این موج واگرایی را می توان در تمام نقاط اروپا به وضوح دید. در ماه های اخیر هر انتخاباتی که در قاره سبز برگزار شده، از انتخابات منطقه ای در فرانسه گرفته تا انتخابات اخیر ریاست جمهوری در اتریش. با تقویت جایگاه احزاب ملی گرا همراه بوده است.

تقویت جایگاه احزاب ملی گرا در اروپا به این معناست که اندیشه هایی که اتحادیه اروپا بر مبنای آنها شکل گرفته است، در حال رنگ باختن است و کشورهای این اتحادیه تصور می کنند که می توانند با خروج از آن منافع خود را بهتر پیگیری کنند. «جرج فریدمن» تحلیلگر برجسته آمریکایی روند کنونی در اروپا را به «رستخیز ملی گرایی» تشبیه کرده و گفته است: اروپایی ها درست یا غلط به این نتیجه رسیده اند که اینترنت ناسیونالیسم دیگر پاسخگو نیست و ناچار بار دیگر به ناسیونالیسم روی آورده اند؛ چراکه اتحادیه های چندجانبه را ناقض حاکمیت ملی خود می دانند. نایجل فاراژ، رئیس حزب استقلال انگلیس «بوکیپ» نیز اعلام کرده است: «اتحادیه اروپا در حال شکست است، اتحادیه اروپا رو به مرگ است». جرج سوروس، میلیاردر و سرمایه گذار آمریکایی نیز پس از اعلام نتایج همه پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تأکید کرده است: روزهای سختی در انتظار اتحادیه اروپاست و فروپاشی این اتحادیه گریزناپذیر است. در واقع، احزاب راست گرا در فرانسه، آلمان، هلند و دیگر کشورهای اروپایی نیز خواستار برگزاری همه پرسی های مشابهی شده اند. بنابراین، مهم ترین پیامد تصمیم انگلیس به خروج از اتحادیه اروپا آن است که دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز، امکان برگزاری همه پرسی مشابه را بررسی خواهند کرد. نمونه بریتانیا می تواند سرمشق

نگاه یک

بیوتروریسم، ابزار نوین جنگی آمریکا

محمدرضا مرادی

عفونی و میکروبی لیبری نیز معتقد است آمریکا با همکاری آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۵ میلادی در یک عملیات سری در کشور زئیر - جمهوری دموکراتیک کنگو - نخستین ویروس عفونی و مرگبار به نام ابولا را با هدف کاهش جمعیت ساکنان قاره آفریقا آزمایش و برای شیوع آن به صورت وسیع برنامه ریزی کردند.



برای حذف و نابودی دشمنان خود استفاده کند. پای این ابزار نوین به ایران نیز باز شده است. در واقع، از نظر مقامات اطلاعاتی آمریکایی استفاده از ترور فیزیکی و روش های مرسوم ترور باید جای خود را به روش های نوین دیگری دهند. فوت علی دامنان، فرزند شهید رحمان دامنان که پیش از مرگ اعلام کرده بود در یکی از سفرهای خارجی مورد حمله بیولوژیکی قرار گرفته است و همچنین اظهارات نادر طالبزاده، مستندساز ایرانی درباره مسمومیت و بیماری خود گواهی بر این مدعا است. در بیوتروریسم به صورت گسترده در دستور کار مقامات آمریکایی برای مقابله با ایران قرار گرفته است و جمهوری اسلامی ایران نیز با هدف مقابله با این نوع حمله باید اقداماتی را اتخاذ کند. در اردیبهشت ماه ۹۵ روزنامه انگلیسی دیلی میل در گزارشی اعلام کرد، پشه عامل بیماری زیکا، یک پشه دستکاری شده در آزمایشگاه است و ویروس زیکا، یک جنگ بیولوژیک آمریکا علیه بشریت است. جنگ بیوتروریستی آمریکا علیه بشریت شروع شده است و کشورهای مختلف باید برای این جنگ جدید خود را مهیج کنند.

پیشرفت فناوری و علم پزشکی سبب شده است تا کشورهای غربی برای مقابله با دشمنان خود به روش های جدیدتر و متنوع تر روی آورند. با توجه به فشار افکار عمومی در زمینه استفاده از تسلیحات رایج نظامی، این کشورها استفاده از ابزار های نوینی را از دستور کار خود قرار داده اند که به صورت مستقیم هیچ گونه مسئولیتی را متوجه آنها نمی کند؛ چراکه اساساً این ابزار های نوین هیچ ردی از خود بر جای نمی گذارند. یکی از این روش های جنگی، بیوتروریسم است. دیکشنری آنلاین کمبریج، بیوتروریسم را این گونه تعریف کرده است: «عمل خشونت آمیز، با استفاده از موجودات زنده نظیر باکتری، به منظور آسیب رساندن یا کشتن افراد به دلایل سیاسی». حمله بیوتروریستی، «استفاده از انتشار عمدی ویروس ها، باکتری ها، یا سایر میکروب ها (عوامل) برای ایجاد بیماری یا مرگ در افراد، حیوانات، یا گیاهان» است. این عوامل نوعاً در طبیعت یافت می شوند، اما ممکن است که برای افزایش قابلیت شان برای ایجاد بیماری، تغییر داده شوند. بیوتروریسم با حملات شیمیایی، اتمی و یا شتعضی متفاوت است. این حملات، با آتش سوزی، انفجار و تخریب همراه هستند؛ در صورتی که حملات بیوتروریستی فاقد این گونه نشانه ها بوده، در نتیجه مدت زمانی طولانی می کشد تا شبکه های بهداشتی متوجه شوند که یک بیماری خاص در حال شیوع در منطقه است. عوامل و مواد استفاده شده در این حملات، معمولاً در طبیعت یافت می شوند، اما ممکن است در توانایی بیماری زا یی آنها تغییراتی ایجاد شده باشد، تا بیماری زاتر شوند و نسبت به داروها و درمان های رایج مقاوم گردند، یا قدرت آنها در زمینه انتشار سریع در محیط افزایش یابد. این عوامل بیولوژیکی می توانند از راه هوا، آب و غذا در محیط پخش شوند. شاید بتوان جدیدترین نمونه در این مورد را ویروس «ابولا» دانست. انتشار ویروس ابولا در آفریقا در سال ۲۰۱۳ شروع شد و قربانیان زیادی را از مردم این منطقه گرفت. متخصصان بیماری های عفونی و میکروبی، ویروس هولناک ابولا را یکی از ارگانیسم های اصلاح شده ژنتیکی دانستند که به مثابه اسلحه ای بیولوژیکی به دست یک شرکت صنعتی - نظامی آمریکایی با همکاری مسئولان بلند پایه دولت آیرتاید آفریقای جنوبی ساخته شد. هورویتر، نویسنده غربی در کتاب «منطقه حساس» اعلام کرد، در واقع آمریکا ویروس ابولا را ساخت تا برای حفاظت از امنیت ملی خود و رژیم صهیونیستی و همچنین هم پیمانان سابق خود در قاره آفریقا از حمله آفریقای جنوبی استفاده کند. پروفیسور سیرل پرودریک، متخصص بیماری های

تأملی بر سخنان رئیس‌جمهور در جمع فعالان سیاسی

تحسین برانگیز اما ناقص

سیدفخرالدین موسوی

رئیس‌جمهور کشورمان در ضیافت افطاری که با حضور فعالان سیاسی در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد، عبارات قابل تأمل و البته تحسین‌برانگیزی را به زبان آورد؛ عباراتی که ناخودآگاه هر شنونده‌ای را به یاد روزهای تلخ سپری شده و سخنان عجیب و البته بی‌پایان برخی از مسئولان و برخی جریان‌های سیاسی می‌اندازد. حجت‌الاسلام روحانی در این مراسم طی سخنانی با اشاره به اهمیت همدلی و برادری و تأکید بر رعایت اخلاق سیاسی در جامعه اسلامی گفت: اگر در انتخاباتی پیروز و به عبارتی قهرمان نشدیم؛ پهلوان باشیم. رئیس دولت دهم در ادامه سخنان خود افزود: در زندگی سیاسی نیز نباید پهلوانی را از یاد ببریم؛ چراکه پهلوانی بالاتر از قهرمانی است و چقدر نیک است، افرادی هم قهرمان و هم پهلوان باشند و البته متأسفانه شمار پهلوانان سیاسی ما کمتر از قهرمانان سیاسی است.

سخنانی تأمل‌برانگیز، که بی‌هیچ تردیدی هر ایرانی را به هفت سال پیش می‌برد؛ به ماه‌های منتهی به انتخابات دهم ریاست جمهوری، به خرداد سال ۸۸ و به ۹ ماه اردو کوشی خیابانی در تهران! به تصاویری از خیابان‌های آشفته و آتش کشیده شدن اموال عمومی! به برگزاری نشست خبری پیش از پایان ساعات رأی‌گیری و اعلام پیروزی قطعی نامزد بازنده؛ به بیانیه‌هایی که یکی پس از دیگری برای به هم ریختن کشور به نگارش درمی‌آمدند! شعاری که در ستایش دشمنان ملت ایران در خیابان‌ها سر داده شد، به اهانت به تمثال مقدس بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران؛ سخنانی که به یادمان می‌آورد در روز متعلق به آرمان فلسطین چگونه جماعتی در پایتخت ایران اسلامی علیه آرمان فلسطین شعار دادند؛ به یادمان می‌آورد که برخی چگونه مردم را با شعار اسقاط نظام درست در روزهای جشن انقلاب به خیابان‌ها کشاندند! به یادمان می‌آورد عاشورای آن سال را! و لجاجت‌ها، قدرت‌پرستی‌ها و خودبینی‌ها را در ذهن‌مان تداعی می‌کرد. سخنانی که زنده می‌کرد رضایت برخی افراد را (کسانی که همه آبروی خود را از انقلاب داشته و دارند) از به مسلخ رفتن انقلاب برای به دست آوردن کرسی قدرت! سخنانی که زنده می‌کرد داغ مادران و پدران شهیدی که فرزندان‌شان به دست اغتشاشگران و اراذل اجیر شده شهید شدند. سخنانی که به یادمان می‌آورد همه آنچه را که نمی‌شود و نباید فراموش کرد.



و خنجر در پهلوی نظام می‌کنند، همچنان محترم باشند، بی‌شک این گفتار و نصیحت رئیس‌جمهور تنها در نطق‌ها و سخنرانی‌ها باقی خواهد ماند. برای ریشه‌کن شدن بداخلاقی‌های انتخاباتی و سیاسی، برای آنکه شاهد رفتارهایی که بر وحدت ملت ایران خدشه وارد می‌کند نباشیم، ضروری است که تا حد امکان هزینه و تاوان این موضوع را بیشتر و بیشتر کنیم. روندی که گویا متأسفانه بسیاری از مسئولان توجهی به آن ندارند

و همین غفلت سبب شده است اکنون، در سال ۹۵ نیز سخنانی مشابه آنچه پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم تکرار می‌شد، بار دیگر در رسانه‌ها ببینیم و بشنویم. بشنویم که سعید حجاریان از نظریه‌پردازان اصلاحات که سال گذشته نیز بار دیگر ادعای تقلب در ۸۸ را با ادبیاتی متفاوت تکرار کرده و از تدلیس آرا سخن به میان آورده بود، این بار در مصاحبه با یک نشریه دانشجویی بگوید

در انتخابات هفتم اسفند ماه در حوزه انتخابیه مشهد تقلب شده است! اگر همان روز در انتخابات ریاست جمهوری نهم که برخی علناً در برابر انتخابات سالم که دولت اصلاحات برگزار کرده بود، ایستادند و به وحدت کشور لطمه زدند، این رفتارها مذموم شده می‌شد و افراد تاوان نشر اکاذیب خود را می‌پرداختند، به طور حتم شاهد حوادث ۸۸ نمی‌بودیم و به یقین، دیگر امروز و در آستانه انتخابات سال آینده ریاست جمهوری کسانی پیدا نمی‌شدند که سخنان کنایه‌داری را در مصاحبه‌های متعدد خود تکرار کنند و در لاف‌ها بگویند نتیجه انتخابات مشخص است، مگر...

دروغ‌گویی ترکیه در قبال فلسطین

محمدرضا بلوردی

در کنار محاصره دریایی نوار غزه، محاصره زمینی نیز با جدیت بیشتری دنبال می‌شود و تمرین‌ها و رزمایش‌های نظامی صهیونیست‌ها در مناطق نزدیک به غزه با هدف رساندن این پیام انجام می‌شود که محاصره این منطقه همچنان ادامه دارد و این رژیم آماجگی این را دارد که هر لحظه اقدام نظامی و جنگ جدیدی را علیه نوار غزه آغاز کند. البته اظهارات مقامات ترکیه‌ای و توافق آنها با رژیم صهیونیستی از سوی نیروهای مقاومت بی‌پاسخ نماند و حماس تأکید کرد، ادعاهای ترکیه مبنی بر اطلاع این جنبش از متن توافق‌نامه و موافقت با آن درست نیست. در همین زمینه «اسامه حمدان» عضو دفتر سیاسی حماس گفت: توافق بین ترکیه و رژیم صهیونیستی تصمیمی است که از



سوی ترکیه اتخاذ شده و حماس هیچ گونه ارتباطی با آن ندارد. به هر حال، نشانه‌ها و دلایل موجود و سخنانی که مطرح شده، حاکی از این است که ادعاهای ترکیه مبنی بر اینکه عادی‌سازی روابط این کشور با رژیم صهیونیستی به منظور رقم زدن آینده‌ای بهتر برای نوار غزه و کاستن از شدت محاصره و سختی‌های مردم این منطقه است، دروغی بیش نیست. این در حالی است که مقامات ترکیه‌ای خیلی زود از شرط اصلی خود برای توافق با رژیم صهیونیستی - رفع محاصره غزه - عقب‌نشینی کردند و برای تحقق منافع اقتصادی و نظامی خود با رژیم صهیونیستی، درباره این موضوع با صهیونیست‌ها سازش کردند.

حادثه تلخ جان باختن ۱۳ سرباز و یادآوری یک ضرورت

تشخیص‌های سرنوشت‌ساز

منصوره خدآوردی

در کشور نسبت به حمل‌ونقل هوایی وجود ندارد؟ آیا اگر بخواهیم در کشور اولویت‌بندی کنیم، حمل‌ونقل جاده‌ای که تمامی اقشار جامعه با آن در ارتباط هستند، نسبت به حمل‌ونقل هوایی که به مراتب جمعیت محدودتری از آن استفاده می‌کنند، اولویت ندارد؟ آیا حمل‌ونقل ریلی به عنوان ایمن‌ترین وسیله حمل‌ونقل در جهان که یکی از زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه اقتصادی در ایران است به آن درجه از کیفیت و گستردگی رسیده است که پرداختن به آن از اولویت‌های کلان کشور خارج شده، یا پس از موضوع خرید هواپیما قرار بگیرد؟!

پرسش‌هایی که البته پاسخ آنها به هیچ وجه دشوار نیست، حتی بی‌اطلاع‌ترین افراد از چنین موضوعاتی نیز می‌توانند بگویند که خرید این تعداد از هواپیماهای مسافربری، جزو اولویت‌های دست‌چندم کشور است! سؤالات و ابهاماتی که یک بار دیگر ثابت می‌کند تشخیص مسیر درست در مدیریت کشور، شناخت درست اولویت‌های کشور و مدیریت سرمایه‌ها یکی از موضوعات فوق‌العاده مهمی است که می‌تواند در آینده



و سرنوشت یک کشور تأثیر بسزایی داشته باشد. موضوعی که تنها به مسئله حمل‌ونقل و حادثه ناگوار از دست دادن هموطنان‌مان خلاصه نخواهد شد و حتی می‌تواند کل کشور را مورد تهدید قرار دهد، اگر به جای اولویت افزایش توان داخلی و تولید، واردات کالا را اولویت تشخیص دهیم، اگر به جای افزایش قدرت دفاعی کشور، کاهش توجه به این حوزه را اولویت بدانیم، اگر به جای توجه به اهداف بلندمدت در منطقه

به امتیازهای کوتاه‌مدت طرف‌های مقابل کشور می‌تواند با تهدیدات جدی روبه‌رو شود. همه ما باید به این مهم توجه داشتیم که برای پیشرفت و وجود افق‌های روشن در برابر انقلاب اسلامی باید مدیرانی بر مسند تصمیم‌گیری تکیه بزنند که در شناخت اولویت‌ها دچار خطا نباشند، یا به عبارت بهتر، ما مردم به عنوان تصمیم‌گیران اصلی کشور که با رأی خود مدیران کشور را انتخاب می‌کنیم، باید در انتخاب فردی که نام او را بر برگه رأی خود می‌نویسیم این حساسیت را داشته باشیم که آیا این فرد که فردا قرار است درباره کشور تصمیم بگیرد توان شناخت درست اولویت‌ها را دارد؟ آیا این شخص که فردا رئیس‌جمهور، نماینده مجلس، نماینده شورای شهر و... می‌شود اشراف درستی بر مسائل کشور دارد یا خیر؟ چرا که انتخاب بدون در نظر گرفتن این ویژگی می‌تواند موجب به هدر رفتن سرمایه و انرژی کشور شود؛ هدر رفتی که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی ما تأثیر خواهد گذاشت.

♦ ♦ اگر به جای توجه به اهداف بلندمدت در منطقه به امتیازهای کوتاه‌مدت طرف‌های مقابل دلخوش کنیم آن گاه است که آینده کشور می‌تواند با تهدیدات جدی روبه‌رو شود

♦ ♦ عبارت بهتر، ما مردم به عنوان تصمیم‌گیران اصلی کشور که با رأی خود مدیران کشور را انتخاب می‌کنیم، باید در انتخاب فردی که نام او را بر برگه رأی خود می‌نویسیم این حساسیت را داشته باشیم که آیا این فرد که فردا قرار است درباره کشور تصمیم بگیرد توان شناخت درست اولویت‌ها را دارد؟ آیا این شخص که فردا رئیس‌جمهور، نماینده مجلس، نماینده شورای شهر و... می‌شود اشراف درستی بر مسائل کشور دارد یا خیر؟ چرا که انتخاب بدون در نظر گرفتن این ویژگی می‌تواند موجب به هدر رفتن سرمایه و انرژی کشور شود؛ هدر رفتی که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی ما تأثیر خواهد گذاشت.

صبح صادق هولوکاست انگلیس علیه ایرانیان را بررسی می‌کند (۹۹ و یابانی)

اهم اقدامات روباه پیر در جنگ جهانی اول علیه ایران

گردآوری: اکبر کریمی

در شماره یابانی این ستون به برخی از خیانت‌های روباه پیر که با وجود وقوع انقلاب مبارک اسلامی در ایران، هنوز از این سرزمین دست‌بردار نیست و هر از چند گاهی درصدد تنش آفرینی و ایجاد فتنه در آن می‌زند، اشاره خواهد شد.

۱- اشغال ایران در دوره جنگ، با وجود اعلام رسمی ایران مبنی بر بی‌طرفی در جنگ. ۲- کشتار مردم بی‌دفاع مناطق جنوب غرب کشور و مناطق مرکزی ایران در هنگام اشغال و در هم شکستن مقاومت‌های مردمی جنوب و کشتن سربازان مدافع وطن که از جمله مهم‌ترین این گروه‌ها تنگستانی‌ها به رهبری رئیسعلی دلواری بودند. ۳- ایجاد اختلاف و درگیری بین قبایل و عشایر جنوب که این اقدام، هم توان ایستادگی عشایر دلیر منطقه را می‌گرفت و هم تلفات جانی و مالی به عشایر وارد می‌کرد و آنان را در دو حوزه انسانی و مالی به ضعف می‌کشانند تا توان مقابله با سیاست‌های انگلستان در منطقه را نداشته باشند. انگلستان علاوه بر این در مقاطعی اقدام به غارت اموال عشایر ایرانی نیز کرد که در شماره‌های پیشین این نوشتار به آن اشاره شد. ۴- دخالت علنی در سیاست و امنیت ایران با تشکیل نیروهای نظامی مختلف با عناوینی چون: پلیس جنوب، پلیس شمال، پلیس شرق و...، به دست گرفتن علنی مدیریت شهرهای جنوبی و مرکزی ایران در دو سال پایانی جنگ (۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹) و به دست گرفتن تقریباً مدیریت کل مناطق و نفوذ کامل در حکومت ایران.

۵- خرید و جمع‌آوری آذوقه مورد نیاز ایرانیان برای سربازان خود به جای وارد کردن آذوقه و جیره مورد نیاز سربازان و ایجاد قحطی کاذب بی‌سابقه بر اثر این اقدامات و جنایاتی چون: غارت اموال برخی شهرها و به آتش کشیدن مزارع، بازارچه‌ها و منازل شهرها به دست سربازان انگلیسی یا جیره‌خوران این کشور از جمله سربازان روسی اجیرشده از سوی انگلستان. ۶- حمایت از سربازان روسی به جا مانده در ایران پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و شوروی از سوی انگلستان و همچنین حمایت و پشتیبانی از شبه‌نظامیان مسیحی در راستای اهداف کثیف و ضد ایرانی خود. ۷- کنترل مبادی ورودی و خروجی کالا در ایران از سوی انگلستان و جلوگیری از ورود آذوقه به کشور و در مقابل، خروج آذوقه‌های کلان از ایران و گسترش قحطی و تلفات

دروغ‌گویی ترکیه در قبال فلسطین

محمدرضا بلوردی

به دنبال امضای توافق‌نامه بین رژیم صهیونیستی و ترکیه، آنکارا تلاش کرد تا نشان دهد که این توافق‌نامه هیچ تأثیری بر موضوع حقوق فلسطینیان نخواهد داشت و این کشور درباره این حقوق هیچ امتیازی به رژیم صهیونیستی نخواهد داد و همانند دیگر کشورهای عربی آرمان فلسطین را نخواهد فروخت؛ اما با مشخص شدن بندهای این توافق‌نامه روشن شد که حقیقت چیز دیگری است و عادی‌سازی روابط بین رژیم صهیونیستی و ترکیه تنها به نفع صهیونیست‌هاست. مولود چاووش اولوغو، وزیر خارجه ترکیه در سخنانی تأکید کرد، عادی‌سازی روابط کشورش با اسرائیل به این معنا نیست که ترکیه چشم و گوش خود را به روی ظلم و ستمی که فلسطینیان متحمل می‌شوند، می‌بندد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز در تماسی که با محمود عباس، رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین داشت، تأکید کرد که هدف از عادی‌سازی روابط بین آنکارا و تل‌آویو بهبود وضعیت انسانی مردم در نوار غزه و کاستن از شدت محاصره این منطقه است.

اما با وجود این ادعاهای ترک‌ها، واکنش سریع صهیونیست‌ها نشان داد که این ادعاها دروغی بیش نیست و رژیم صهیونیستی همان شیوه سابق خود را در تعامل با ملت فلسطین در پیش خواهد گرفت. بنیامین نتانیاوه، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سخنانی تأکید کرد، نیروهای اسرائیلی پس از توافق درباره عادی‌سازی روابط با ترکیه همچنان به محاصره دریایی نوار غزه ادامه خواهند داد؛ چرا که این محاصره یک مسئله امنیتی است و اسرائیل حاضر نیست در قبال آن سازش کند. البته صهیونیست‌ها در مواضع ضد فلسطینی خود به بیان این سخنان بسنده نکردند و در عمل نشان دادند که همان اقدامات مجرمانه سابق خود را در حق ملت فلسطین دنبال می‌کنند؛ در همین راستا اقدامات جدیدی برای تحکیم و تشدید محاصره تحمیلی علیه نوار غزه اتخاذ شد؛ به گونه‌ای که مقامات صهیونیست تصمیم گرفتند محدوده صید در سواحل غزه را نسبت به گذشته محدودتر کنند و مسافت مجاز برای صیادان فلسطینی در سواحل غزه را از ۹ مایل دریایی که در آوریل گذشته تعیین شده بود، بدون هیچ دلیلی به شش مایل کاهش دهند؛ اقدامی که سبب می‌شود بسیاری از صیادان فلسطینی نتوانند به صید بپردازند؛ چرا که ماهی‌ها معمولاً در فاصله بیش از ۹ مایلی از ساحل غزه یافت می‌شوند.

اندیشه سیاسی مسلمانان

۳۴۹

فتح‌الله بریشان

گونه‌شناسی انواع حکومت در اندیشه خوانساری

جمال‌الدین خوانساری با ضرورت عقلی، وجود حکومت برای ساماندهی امور اجتماعی و فرهنگی حیات انسان‌ها را به اثبات رساند. آن‌جا مهم به نظر می‌آید، این است که حکومت مطلوب از نظر وی چه ویژگی‌هایی دارد و چه کسانی می‌توانند تصدی حکومت را بر عهده گیرند؟

مرحوم خوانساری با مقسم قرار دادن عدل و جور در تقسیم‌بندی انواع حکومت، نظام‌های سیاسی مشروع از دیدگاه تشیع را مشتتمل بر حکومت پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) و نایبان خاص و عام ایشان، یعنی فقهای جامع‌الشرایط می‌داند. از ویژگی‌های حکومت اسلامی تمرکز قدرت و وحدت فرمانروایی در یک شخص است که در نظام سیاسی شیعی (امامت) به خوبی تجلی یافته است. به باور خوانساری تعدد فرمانروایی و وجود فرمانروایان، هم از سوی شریعت نفی شده، زیرا در حدیثی قوی و مستند از امام علی(ع)؛ «الشکره فی المُلک توَدی الی الاضطراب؛ مشارکت در امر کشورداری به آفتگی می‌انجامد»^(۱)، این موضوع نفی می‌شود و هم تاریخ سیاسی آن را ناکارآمد و موجب اختلال در نظام اجتماعی نشان داده است.جمال‌الدین خوانساری با تعریف و تعمیم امامت از دیدگاه شیعی به ریاست دینی و دنیوی، شرط عصمت و نصب الهی و علم لذتی را از جمله شرایط ویژه در رهبری دینی و سیاسی «امام» می‌داند. در حقیقت این شرایط سه‌گانه، تنها منشأ تمایز بین دو مذهب تشیع و تسنن در تاریخ اسلام بوده است. وی با تمسک به احادیثی از قبیل: «هن مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» و حدیث «لا تخلو الأرض من حجة قائم لله اما ظاهرا مشهورا أو باطنا مغمورا» و جوب نصب امام را در همه دوران‌ها ضروری می‌داند. همچنین قاعده لطف از دیگر دلایل وی در اثبات لزوم استتعار نظام سیاسی امامت در جامعه بشری است.مرحوم خوانساری در تحلیل ادله شرعی ولایت فقیه، فقط منصب افتا و قضا را برای فقها استنباط کرده است و ادله مزبور را از اثبات ولایت مطلقه فقیه در عصر غیبت قاصر و ناکافی می‌داند. هر چند وی دلیلی هم بر نفی ریاست فقها یا مشروعیت نداشتن آن، اقامه نکرده است. با وجود این مطالب می‌توان ادعا کرد که در کلام وی اشاره‌هایی وجود دارد مبنی‌بر اینکه او حکومتی را که تصدی آن را فقیه جامع‌الشرایطی عهده‌دار است، امری مستحسن می‌داند؛ زیرا با توجه به مجموعه شرایط و اوصاف مورد تأکید وی در رهبری و نیز بداهت حکم عقل در ترجیح ریاست فقیه نسبت به اشخاص دیگر که فاقد شرایط رهبری هستند، قطعاً نظریه نظام سیاسی ولایت فقیه بر سایر نظام‌های سیاسی مرجح خواهد بود.^(۲)

دسته‌بندی دیگر خوانساری در زمینه انواع حکومت‌های جور است. از نظر وی خلافت از دیدگاه اهل سنت و حکومت‌های سلطنتی و پادشاهی حکومت‌های جور محسوب می‌شوند. او در رسائل کلامی خود به تفصیل، نظریه مخالفان را مبنی‌بر اینکه ایشان «خلافت را به غیر از امارت و پادشاهی چیز دیگر نمی‌دانند و علم و فضل و مرتبه و منزلت، سایر شرایطی که نزد امامیه معتبر است، معتبر ندانسته» و بدون ترجیح در اوصاف مزبور خلیفه تعیین می‌کنند، به نقد کشیده و با ادله عقلی و نقلی نظریه خلافت مرسوم نزد اهل سنت را بطلان و رد کرده است.

از مباحث مورد تأکید خوانساری در انواع حکومت، ویژگی‌ها و کارکردهای حکومت جور است که با استناد به روایات غررالحکم آنها را بیان کرده است. همچنین تبیین راهکارهای عملی در تعامل با حاکم جور در ضمن عنوان‌هایی از قبیل: حرمت‌بر اینکه ظالم، اعانت ظالم و مدح ظالم و هدایت‌ه‌سایر با سلاطین جور در شرایط اضطراری و تقیّه از نکته‌های مهم و قابل توجه اندیشه سیاسی وی می‌باشد. شناسایی علل و عوامل ظهور و سقوط دولت‌ها، دسته‌بندی و ارائه این عوامل در دو بخش عوامل اقتدار و علل انحطاط دولت‌ها از منظر احادیث، بحث نظام سیاسی را به پایان می‌برد. از آن‌جا که ارزیابی و ارزش‌گذاری حکومت‌ها معمولاً از وجود یا فقدان شرایط و اوصاف پسندیده در حاکم سرچشمه می‌گیرد و نیز تأکید فراوان شریعت بر شرایط رهبری و تکلیف مردم بر رعایت آنها در تعیین و گزینش حاکمان موجب گسترش دامنه این بحث در متون و منابع روایی شده است، در شماره آینده شرایط و اوصاف حاکم اسلامی بررسی و تبیین، وظایف حاکمان و شهروندان و حقوق متقابل حاکم و مردم با محوریت مباحث امر به معروف و نهی از منکر خواهد شد.

❖ **پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

آفاق

عرصه؛ فضا، مکان و میدانی است که بازیگران جنگ نرم راهبردها، برنامه‌ها و اهداف عملیاتی خود را در آن پی می‌گیرند. در جنگ نرم همه عرصه‌های یک جامعه در معرض هجوم است. همین امر جنگ نرم را از سایر چوچه تهاجمات نرم‌افزاری متمایز کرده است.

با این معنا، جنگ نرم کارزاری بین دو سیستم (مهاجم و مدافع) است که در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دفاعی، علمی، هنری، دینی، ورزشی، آموزشی و تربیتی، مدیریتی و فضای مجازی ... بروز و ظهور می‌یابد.

عرصه‌های جنگ نرم

با نگاه سیستمی به جامعه، کلان‌ترین عرصه‌ها را می‌توان به چهار عرصه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی کرد. جامعه متشکل از چهار زیرسیستم اصلی شامل زیرسیستم‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. هر یک از زیرسیستم‌های ذکر شده خود دارای زیرسیستم‌های فرعی‌تری هستند که مجموعاً ارتباط متقابل داشته و هدف واحدی را در سطح خود و کلان دنبال می‌کنند و کارویژه‌ها و کارکردهای هر یک در نهایت بقا و تلاوم سیستم را در پی خواهد داشت.

۱- عرصه فرهنگی؛ عرصه فرهنگی شامل چه مؤلفه‌هایی است؟ شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۳۰ مورخ ۹/۲۵/۸۲، در اجرای بند ۱۶۲ ماده قانون برنامه سوم،

رهبران و افراد برجسته در موفقیت یک تفکر یا یک جریان سهم ویژه‌ای دارند. آشنایی با رهبران و مؤثران جریان فمینیسم در دوره پهلوی اول به شناخت بهتر ما از این جریان و فراز و فرود آن کمک می‌کند.

۱- زندخت شیرازی



زندخت شیرازی از زنان فمینیست دوران پهلوی به ویژه دوران رضاخان است که در سال ۱۲۸۸ در شیراز متولد شد. پدر وی از جمله آزادخواهان دوران مشروطه بود. زندخت نیز همچون برخی از زنان فعال در حقوق زنان زندگی زناشویی ناموفقی را تجربه کرد و از همسر خود طلاق گرفت. شیخ‌الاسلامی در این باره نوشته است: «به خاطر خدمت به اجتماع، خود را از قید زناشویی رهاید و به شعر گفتن پرداخت.»^(۱)

وی در سال ۱۳۰۶ یکی از فعال‌ترین سازمان‌ها در جنبش حقوق زنان به نام مجمع انقلابی نسوان را در شیراز تأسیس کرد. زندخت از مروّجان و طرفداران بی‌حجابی در ایران بود.^(۲) وی با انتشار نشریه‌ای به نام «دختران ایران» در سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۰، به مخالفت با شرایط فرودست و نازل اقتصادی، اجتماعی زنان - با توجه به معیارهای زن غربی - پرداخت. او با رد فرودستی زنان به لحاظ بیولوژیک، آنان را به درگیری و جسارت در ارائه خواسته‌ها و

حقوق خود تشویق می‌کرد. نشریه دختران ایران سرانجام بر اثر اشاعه مطالب فمینیستی، پس از هفت ماه فعالیت، توقیف شد. تدریس در مدارس دخترانه، شعرسرای، فعالیت کوتاه در وزارت فرهنگ، انتشار مجدد نشریه دختران ایران از جمله اقدامات زندخت شیرازی در تهران محسوب می‌شود.^(۳)

زندخت شیرازی فمینیستی با گرایش رادیکال به‌شمار می‌آمد. کلمه انقلابی در عنوان مجمع انقلابی نسوان گویای رادیکال بودن وی است. الیز ساناساریان درباره اشعار فمینیستی زندخت نوشته است: «اشعار زندخت به روشنی نمونه‌ای از رادیکال‌ترین گرایشات فمینیستی در ایران بود؛ اما حیرت‌آور است که به ندرت در منابع فارسی، اشعار فمینیستی او مورد توجه قرار گرفته، یا به آن اشاره شده است.»^(۴)

آثار و اشعار زندخت در روزنامه حبل‌المتین به چاپ می‌رسید.^(۵) او از روشنفکران ایرانی بسیار تأثیر پذیرفته است. این امر را می‌توان به خوبی در آثار و نوشته‌های وی مشاهده کرد. عارف فریونی و محمدعلی جمال‌زاده از جمله کسانی هستند که در شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار وی بسیار مؤثر بودند.^(۶) زندخت شیرازی در نهایت، به دلیل افسردگی شدید در سال ۱۳۳۱ در سن ۴۳ سالگی درگذشت.^(۷)

۲- شمس پهلوی

شمس پهلوی از افراد برجسته جریان فمینیسم در دوره پهلوی اول است. وی یکی از دختران رضاخان است که در سال ۱۲۹۶ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۱۵ به دستور پدرش مجبور به ازدواج با فریدون جم، فرزند نخست‌وزیر وقت، محمود جم شد، اما در سال ۱۳۲۲ از فریدون جم جدا شد و با عزت‌الدوله مین‌باشیان که از بستگان وی و معلم موسیقی‌اش نیز بود، ازدواج کرد.

مصادق

جریان‌شناسی فکری – فرهنگی ایران معاصر–۲۴

رهبران و مؤثران جریان فمینیستی در دوره پهلوی اول

■ ■ ■ **علی‌اصغر نصیری – عبدالله شمس** ■ ■ ■

وی در دهه ۱۳۵۰ به مسیحیت گرایش پیدا کرد و رسماً مسیحی کاتولیک شد.

شمس پهلوی از جمله اولین کسانی است که در دوره رضاخان کشف حجاب کرد. او در این دوره در مسند ریاست کانون بانوان مأمور اجرای سیاست‌های فرهنگی می‌باشد^(۱).



تجددگرایانه رضاخان در میان زنان به ویژه کشف حجاب بود. ریاست بر کانون بانوان ایران و نیز ریاست جمعیت شیر و خورشید از جمله مهم‌ترین سمت‌های شمس پهلوی است. وی سرانجام در سن ۷۸ سالگی در سال ۱۳۷۴، از دنیا رفت.^(۲)

۳- هاجر تربیت

هاجر تربیت متولد سال ۱۲۸۴ در شهر تبریز و از فعالان برجسته جریان فمینیسم در ایران دوره رضاخان به شمار می‌آید. او دبلم خود را در ترکیه گرفت. محمدعلی تربیت تبریزی نیز همسر وی است.



مدیریت مدرسه دخترانه دوشیزگان تبریز به مدت تقریباً ده سال، ریاست دانشسرای مقدماتی دختران، مدیریت دبیرستان نوریخس (مدرسه آمریکایی‌ها)، مدیر کلی اداره امور اجتماعی وزارت کشور، عضو مؤسس کانون بانوان ایران و اولین رئیس آن^(۱)، از جمله سمت‌ها

و فعالیت‌های هاجر تربیت در دوران پهلوی اول است. او به عنوان رئیس کانون بانوان ایران مأمور اجرای سیاست‌های تجددگرایانه رضاخان به ویژه کشف حجاب بود.^(۲) همچنین وی از جمله سخنرانان روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ ش در مراسم کشف حجاب دانشسرای دختران می‌باشد^(۳).

تأسیس حزب زنان ایران با همکاری صغیه نمازی و فاطمه سیاح^(۴)، نمایندگی مردم تبریز از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۰ در دوره‌های ۲۱ و ۲۲ مجلس شورای ملی، عضو حزب ایران نوین، نایب دبیرکلی آن حزب، نمایندگی مردم تهران در مجلس سنا از سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲، از جمله فعالیت‌های هاجر تربیت پس از برکناری رضاخان از قدرت بود.

تربیت به زبان‌های ترکی استانبولی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی نیز مسلط بود. از وی تألیفاتی نیز برجای مانده است. وی سرانجام در سال ۱۳۵۲ش در سن ۶۸ سالگی در تهران درگذشت.^(۵)

۴- فاطمه سیاح

فاطمه سیاح در سال ۱۲۸۱ در کشور اتحاد جماهیر شوروی(سابق) متولد شد و پس از دریافت مدرک دکتر، در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت.^(۱) نام خانوادگی شناسنامه‌ای فاطمه سیاح، رضازاده محلاتی است که پس از ازدواج با پسر عمویش حمید سیاح، به نام خانوادگی سیاح معروف شد. زندگی مشترک وی با حمید سیاح که معاون سفارت ایران در مسکو و پسر میرزاحمدعلی محلاتی معروف به حاجی‌سیاح بود، سرانجام پس از گذشت سه سال، به طلاق و جدایی انجامید.^(۲)

فاطمه سیاح پس از ورود به ایران با عضویت در هیئت مدیره کانون بانوان به طور رسمی به جریان فمینیسم پیوست و فعالیت‌های فمینیستی خود را آغاز کرد. وی در این‌باره گفته است: «از اولین سال

ورود به ایران با یک عده از زنان روشنفکر به اقداماتی برای آزادی و نهضت بانوان دست زده‌ام و هنگامی که وزارت فرهنگ… «کانون بانوان» را تشکیل داد، جزو هیئت‌مدیره این انجمن شدم…»^(۳)

فاطمه سیاح در هیئت‌مدیره کانون بانوان، ریاست شعبه ادبی را برعهده داشت.^(۴) سیاح از فعالان کشف حجاب در ایران است؛ ستودن و عطیه بزرگ شاهانه خواندن اقدام رضاخان در کشف حجاب و عضویت وی در کانون بانوان که با هدف تحقق بخشیدن به کشف حجاب تأسیس شده بود^(۵) مهم‌ترین سند سیاح از سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲، از جمله فعالیت‌های هاجر تربیت پس از برکناری رضاخان از قدرت بود.

تربیت به زبان‌های ترکی استانبولی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی نیز مسلط بود. از وی تألیفاتی نیز برجای مانده است. وی سرانجام در سال ۱۳۵۲ش در سن ۶۸ سالگی در تهران درگذشت.^(۶)



مغرب‌زمین برای کسب حقوق خود پیموده‌اند، باید از جان و دل، رهبر بزرگ خویش، اعلی حضرت همایون شاهنشاه پهلوی را ستایش کنیم و مراتب حق شناسی خود را نسبت به این شاهنشاه بزرگوار فراموش نداریم؛ زیرا آنچه این شاهنشاه به رایگان به ما عطا فرموده، خواهران غربی ما در راه کسب آن، سال‌های متمادی رنج و شکنجه برده‌اند. برای سپاسگزاری در مقابل این عطیه بزرگ شاهانه، بانوان ایران باید با حرارت و جنبشی بی‌پایان، قدم‌های سریع در شاهراه ترقی و کمال بردارند تا هرچه زودتر به سر منزل مقصود برسند.»^(۷)

فاطمه سیاح به همراه هاجر تربیت پس از برکناری رضاخان نیز در راستای تحقق اهداف جریان فمینیسم در ایران، به ویژه تقویت کشف حجاب، از سبوی حزب زنان ایران به ترکیه

سفر کرد. او در این باره گفته است: «زنان تُرک از حیث فرهنگ و تمدن، پیشرفت بسیار شایانی کرده‌اند… طرز فکر و تعلیم و تربیت آنها، کاملاً غربی و اروپایی است… زنان ترک از سال ۱۹۲۵ موفق شدند تساوی حقوق اجتماعی و سیاسی کامل به‌دست بیاورند، در سال ۱۹۲۶ تساوی حقوق در ازدواج و طلاق و ارث به آنها داده شد. از سال ۱۹۲۵ در تمامی حقوق با مردان، مساوی شدند.»^(۸)

شُرکت در کنگره هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳، معاونت اداره تعلیمات نسوان وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۴، تدریس زبان‌های خارجی در دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۵، شرکت در هفدهمین دوره جامعه ملل در ژنو از طرف وزارت امور خارجه در سال ۱۳۱۵^(۹)، مشارکت در تأسیس حزب زنان^(۱۰)، عضویت در انستیتوی ایران و انگلیس^(۱۱)، عضویت در هیئت‌مدیره انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی^(۱۲)، شرکت در کنگره «زن و صلح» در پاریس^(۱۳)، ریاست هیئت‌مدیره انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران در سال ۱۳۲۵، عضویت در جمعیت شیر و خورشید سرخ بانوان ایران در سال ۱۳۲۵، عضویت در کمیته مرکزی سازمان، در نخستین کنگره نویسندگان ایران در سال ۱۳۲۵^(۱۴)، از جمله اقدامات و فعالیت‌های فاطمه سیاح در ایران است. بدرالملوک بامداد در کتابش وی را از زنان دانشمند و مفاخر ایران در روشن کردن افکار زنان و رهبری فعالیت‌های آنان ذکر می‌کند.^(۱۵)

وی به دلیل عدم تسلط بر زبان فارسی، مطالب و آثار خود را به زبان روسی و فرانسه می‌نوشت و بعد به فارسی ترجمه می‌شد.^(۱۶) فاطمه سیاح سرانجام در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۲۶ در سن ۴۵ سالگی در تهران درگذشت.^(۱۷)

❖ **پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

اصطلاحات

رسانه‌ها و انتخابات آمریکا

رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا با شناختن نامزدهای نهایی درون حزبی وارد مرحله جدیدی شده است و رفته‌رفته گرم‌تر می‌شود و مطمئناً در این زمینه تبلیغات و نحوه پوشش رقابت‌های انتخاباتی در رسانه‌های ایالات متحده نقش زیادی در نحوه شکل‌گیری نظر رأی‌دهندگان خواهد داشت.

«هاکسول مک کومبز» از صاحب‌نظران و اندیشمندان علم ارتباطات و استاد دانشگاه نگزاس آمریکا، در نظریه «برجسته‌سازی» (agenda setting) که عمده شهرتش را مرهون آن است، بیان می‌کند که رسانه‌های جمعی در ایجاد اولویت‌های فکری و تعیین موضوعات مهم و مورد بحث علمه مخاطبان، نقش اساسی ایفا می‌کنند. نظریه مذکور، پیش‌بینی می‌کند که اگر موضوعی از نظر زمان و مکان در رسانه‌ها برجسته شود، می‌تواند مخاطبان را به این اندیشه وادار کند که موضوع مذکور مهم است. شواهد تجربی این نظریه را در سال ۱۹۶۸، در طول انتخابات ریاست جمهوری آمریکا «دونالد شاو» و «هاکسول مک‌کومبز» فراهم کردند. این دو اندیشمند، با طرح سؤالاتی از رأی‌دهندگان، دریافتند که آنچه را رأی‌دهندگان به‌منزله ویژگی‌های نامزدهای انتخاباتی خود معرفی می‌کنند، همان مطالبی است که طی روزهای گذشته به صورت برجسته‌ای در مطبوعات ارائه شده است؛ یعنی رابطه‌ای مثبت و قوی بین اولویت‌های رسانه‌ها و موضوعاتی که از نظر رأی‌دهندگان مهم بود، وجود داشت.

اما دو فرضیه مبنایی این نظریه که بنای بسیاری از تحقیقات برجسته‌سازی است کلان و سیر نتایج را معین می‌کند:

۱- مطبوعات و رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند. آنها واقعیت را از صافی‌های خود عبور می‌دهند و به آن شکل می‌دهند.

۲- تمرکز بر روی عده قلیلی از موضوعات و سوزه‌ها سبب می‌شود عموم مردم (افکار عمومی) این موضوعات را بسیار مهم‌تر از دیگر موضوعات تلقی کنند. شاید این دو محور نشان از این دارد که این فرضیه در صورت تأثیرگذاری انحراف مخاطبان را از پیام واقعی به همراه خواهد داشت و به هر حال صافی‌ها و موضوعات تعیین شده از سوی رسانه در تصمیم‌گیری و شکل‌دهی ذهنی رأی‌دهندگان مؤثر است.

با این رویکرد اهداف گوناگونی را می‌توان نام برد که رسانه‌ها در طول برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در فعالیت‌های انتخاباتی پیش رو دنبال می‌کنند که گاه حمایت‌های جناحی و حزبی یا برآورده کردن نیازهای مالی و بهره‌برداری از فضای موجود برای کسب سود بیشتر و از دیدی بالاتر مهیا کردن شرایط مناسب برای محقق ساختن اهداف کلی ایالات متحده آمریکا مطرح می‌شود و گاه تحقق اهداف کلان مد نظر قرار می‌گیرد. برای نمونه کاهش مشارکت عمومی عاملی بسیار مهم تلقی می‌شود و رسانه‌ها در جایگاه ناچیان این آسیب به جامعه آمریکا عمل می‌کنند و تمامی توان نظری، عملی و تکنیکی خود را به کار می‌گیرند تا بتوانند از سرمایه اجتماعی رو به کاهش این جامعه در روابط و ارتباطات و مشارکت‌های سیاسی حمایت کنند.

تاریخ سیاسی دفاع مقدس – ۱۳ مناقشه بر سر اروندرود

اروندرود یا اروند (به عربی شطالعرب) رودخانه پهنآوری در جنوب غربی ایران و در مرز ایران و عراق است که از هم‌ریش رودهای دجله، فرات و سیس کارون پدید آمده است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۳۷۵ کیلومتری جنوب بغداد به هم می‌پیوندند. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج‌فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در میان شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فلو است. سره، خرمشهر، آبادان، خسروآباد و فلو از جمله بندرهای مهم این آبراه هستند که نقش چشمگیری در رونق بازرگانی منطقه دارند.

همان‌طور که اشاره شده، اروندرود بحث‌انگیزترین و مورد توجه‌ترین موضوع در روابط ایران و عراق طی سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۸۰ بوده است و در هیچ زمانی از این دوران، موضوع اختلافات ایران و عراق درباره اروندرود از دستور کار مقامات دو کشور خارج نشده است. در این باره دهه‌ها کتاب مستقل و مقاله‌های بسیاری منتشر شده است. در تمام کتاب‌هایی که درباره روابط ایران و عراق نوشته شده، بحث اروندرود جایگاه ویژه‌ای دارد. هنوز مدت کمی به شروع قرن بیستم مانده بود که مسیر تجاری آبراه اروندرود بر اهمیت شد؛ اهمیتی که به دلیل رونق تجاری بین‌النهرین روزبه‌روز به ارزش آن افزوده می‌شد. اهمیت نفت و نیز جایگاه منطقه خلیج‌فارس در خاورمیانه سبب شد که در پایان جنگ جهانی اول و اشغال بین‌النهرین به دست انگلیسی‌ها، آنها بشهر بصره را به پایگاه اصلی نیروهای‌شان در منطقه تبدیل کنند، به‌طوری‌که از آنجا خلیج‌فارس و مناطق اطراف را زیر نظر داشتند. همزمان با تأسیس کشور عراق، آبراه اروندرود ارزش و اهمیتی مضاعف یافت. از آن زمان کاشاکش و درگیری ایران و عراق، که در دو سوی این آبراه بودند، برای تسلط بر آن شروع شد. عراقی‌ها مدعی بودند که حاکمیت تمامی آبراه متعلق به آنهاست و در نتیجه، کشتنی‌های ایرانی تنها با حضور راهنمایان عراقی قادر به تردد در این آبراه هستند.

از سوی دیگر، ایرانی‌ها، ضمن رد ادعای عراقی‌ها، اعلام کردند که براساس قوانین و مقررات بین‌المللی، خط‌القعر یا خط تالوگ که از عمیق‌ترین نقطه آبراه رد می‌شود، مرز میان دو کشور است و در نتیجه، مالکیت اروندرود به‌طور مشترک به دو کشور ساحلی آن، یعنی ایران و عراق تعلق دارد. صخحات تاریخ روابط ایران و عراق در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۸۰، آکنده از گفت‌وگوها، اعتراض‌ها، درگیری‌ها، شکایت‌ها، قرار دادها و اسنادی است که بین دو کشور درباره اروندرود مبادله شده است.

آنچه طی نیم قرن در رابطه بین ایران و عراق درباره اروندرود اتفاق افتاد، ترکیبی از چهار موضوع اساسی است:

- بُعد تجاری، بازرگانی و حمل‌ونقل اروندرود.
- بُعد امنیتی داخلی اروندرود به مثابه ابزاری برای حفاظت از منطقه جنوبی (درباره عراق) و جنوب غربی (درباره ایران).
- بُعد تبلیغاتی اروندرود به‌مثابه ابزار فشاری در دست عراق برای نفوذ در خوزستان.
- اروندرود معبری راهبردی برای حضور در خلیج‌فارس.

در دی ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاپور بختیار، به نام مهندس قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را «نقاب» گذاشت، که جمع حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود؛ این سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستان‌ها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود. از نظر مسئولان نقاب، فتح تهران با پیروزی در سراسر کشور برابر بود و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند، فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شود.

علل انتخاب پایگاه نوژه

سمران کودتا برای شروع کار درصد در اختیار گرفتن یک پایگاه نظامی برآمدند که دارای هوایمها، نزدیک تهران و خارج از شهر باشد و عناصر آن قابل جذب باشد و رهبران عملیات هوایی با کارکنان و اماکن آن آشنایی داشته باشند. به این ترتیب، پایگاه هوایی شهید نوژه برای شروع کودتا انتخاب شد.

پایگاه هوایی شهید نوژه در ۵۰ کیلومتری شهر همدان در کنار شهر کبودرآهنگ و دور از دسترس مردم قرار داشت و تیمسار محقق، تیمسار سعید مهدیون، سروان حمید نعمتی، سروان ایرج ایران‌نژاد و چند نفر دیگر از سران کودتا در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و کارکنان پایگاه را می‌شناختند.

این پایگاه پیش از انقلاب «پایگاه شاهرخی » خوانده می‌شد و پس از انقلاب مدت کوتاهی «پایگاه حر» نام گرفت. به دنبال شهادت سررهنگ دوم خلبان محمد نوژه از خلبانان فداکار این پایگاه، که در پاسخگویی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) برای کمک‌رسانی به شهید چمران و جلوگیری از سقوط پاهو در تاریخ ۵۸/۵/۲۵ به شهادت رسید، نام این پایگاه به پایگاه هوایی شهید نوژه تغییر کرد.

ترکیب کودتاگران

برای تصرف پایگاه نوژه به منزله کلید عملیات کودتا قرار بود ۱۲ گروه مرکب از یکصد نفر از کلاهسبزهای تیپ نوهد، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب‌خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما از داخل پایگاه به فرماندهی سرگرد کوروش آذر تاش (فرمانده تیپ ۲۳ نوهد پیش از انقلاب) به منظور تصرف پایگاه نوژه وارد عمل شوند. طبق نقشه پس از تصرف پایگاه، تیمسار محققی برای هدایت عملیات هوایی در اتاق فرماندهی مستقر می‌شد و همزمان سروان حمید نعمتی، سروان محمد ملک، سروان کیومرث آبتین و سروان فرخزاد جهانگیری که هر کدام فرمانده یک گروه بودند، اولین اسکادران هوایی را به پرواز درمی‌آوردند. این اسکادران شامل ۱۶ هواپیمای از ۵۳ فروند هواپیمای مجیز به سلاح سنگین بود که برای عملیات در نظر گرفته شده بود. در طرح کودتا، عملیات هوایی نقش محوری داشت؛ بنابراین

هواپیمایا باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز می‌شدند. قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را «نقاب» گذاشت، که جمع حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود؛ این سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستان‌ها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود. از نظر مسئولان نقاب، فتح تهران با پیروزی در سراسر کشور برابر بود و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند، فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شود.

اهداف بمباران

با رسییدن هواپیمایا به تهران قسار بود بیت حضرت امام(ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود و پس از بمباران‌های



هوایی، هواپیمایا با شکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت دهند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند. در این مرحله باید صداوسیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه تسخیر شود و در سطح شهر تهران بااعمال خشونت و ارباب حالت نظامی برقرار گردد؛ طبق برنامه اگر نیروی زمینی موفق نمی‌شد صداوسیما را تسخیر کند، هواپیمایا آنجا را بمباران می‌کردند.

افشای کودتا

سه روز مانده به موعد کودتا یکی از خلبانان که برای همکاری انتخاب شده بود، در تهران با سروان حمید نعمتی ملاقات می‌کند و حمید نعمتی به او می‌گوید که مأموریت تو بمباران بیت امام(ره) است و ما می‌توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم.

گویا شگرد حمید نعمتی این بود که در نخستین دیدار توجیهی کودتا به خلبانان عضوگیری‌شده چنین جمله‌ای را می‌گفت تا از میزان آمادگی آنها برای شرکت در کودتا و کشتار میلیونی مردم اطلاع یابد. خلبان یادشده در مقابل نوع مأموریت و وسعت

بهترین گزینه برای خنثی کردن کودتا

اشاره شد امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در متن وقایع سال ۵۸ با وقایعی چون واقعه ۱۳ آبان و تسخیر سفارت آمریکا و افشاکری‌های این لانه جاسوسی روبه‌رو می‌شوند و آمریکایی‌ها پس از این وقایع طرح یک کودتا علیه انقلاب را در دستور کار خود قرار می‌دهند و این در حالی بود که جریان انقلاب مرحله به مرحله و به سرعت به پیش می‌رفت. برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی، انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری، انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی، انتصاب رؤسای دستگاه قضایی یکی پس از دیگری انجام می‌گرفت و تمامی نهادهای انقلابی و دستگاه‌های حکومتی نظام جمهوری اسلامی در تکاپو و مشغول فعالیت بودند، آمریکایی‌ها با کمک ضد انقلاب مکرر اقدام به توطئه در راستای برچیدن نظام و انقلاب می‌کردند که یکی پس از دیگری افشا و به رسوایی کشیده می‌شد. پس از واقعه طمس کودتای بسیار پیچیده‌ای به نام کودتا یک «نقاب» طرح کرده بودند که پس از افشا به «نوژه» مشهور شد.

این کودتا در آستانه اقدام بود که یکی از خلبانان کودتاجی پس از مشورت با مادرش تصمیم به افشای آن می‌گیرد. او برای در اختیار قراردادن اطلاعات در جست‌وجوی فرد مناسبی بود که بهترین گزینه را امام خامنه‌ای تشخیص می‌دهد و برای دسترسی به او شبانه به تکاپو می‌افتد، تا اینکه پیش از اذان صبح خودش را به منزل ایشان می‌رساند. امام خامنه‌ای در این باره در مصاحبه‌ای توضیح داده و فرمودند: «حدود اذان صبح دیدم که درب منزل ما را می‌زنند، اون دری که بین محل پاسدارها و داخل حیاط بود، به شدت هم می‌زدند. من از خواب بیدار شدم، رفتم دیدم آقای مقدم است و می‌گوید که یک ارتشی آمده و می‌گوید با شما یک کار واجب دارد، فوری گفتم کجاست؟ گفتند: توی حیاط نشست، رفتم توی اتاق پاسدارها، دیدم یک نفری همون دم در تکیه داده به دیوار، با حال کسل و آشفته و خسته و سرش را فرو برده بود. همان‌طور که نشسته بود گفتم شما با من کار دارید؟ بلند شد و گفت بله! گفتم چه کار داری؟ گفت کار واجبی دارم و فقط به خودتون می‌گویم و شاید یادم نیست گفت مربوط به کودتاست. به هر حال من حساس شدم از حرفش. گفتم باشه من نماز بخوانم می‌ایم. رفتم نماز را خواندم، آمدم، اونو صداش کردم توی حیاط، البته احتمال این هم بود که این مثلاً سوسوئیتی داشته باشد. اما دیدم نمی‌شه به حرفش گوش نداد. او هم اصرار داشت که تنها به من بگه[و] به هیچ قیمتی اگر کس دیگری باشه نخواهد گفت. آوردمش توی حیاط، تابستان بود، تیرماه بود، یک جایی گوشه حیاط نشستیم، گفتم قضیه چیه؟ گفت کودتایی بناست بشه! گفتم تو از کجا می‌دونی؟ بنا کرد شرح دادن … حرفشو مرتب و منظم نمی‌زد و من مجبور بودم برای اینکه حرف ازش در بیاورم و ببینم چی می‌گوید مکرر ازش سؤال می‌کردم… من دیدم مسئله خیلی جدی است و یابستی آن را پیگیری بکنیم.» بنابراین نخستین نقطه روشن کودتا، اطلاعاتی بود که خلبان نیروی هوایی به توصیه مادرش در اختیار امام خامنه‌ای قرار می‌دهد.

اتاق‌های گاز؛ واقعیت یا افسانه

به منزل وی رجوع کرده و او و خانواده‌اش را به ضبط اموال‌شان به علت خسارات‌های مالی ناشی از اظهارات «بدعت‌آمیزش» تهدید کرده‌اند. به دلیل این فشارها زندگی خانوادگی فریوسون دچار سختی‌های زیادی بوده و سلامت وی نیز به شدت آسیب دیده است.

در دسامبر سال ۱۹۸۰، فریوسون طی گفت‌وگویی با شبکه رادیویی «رویا ۱» فرانسه، نتیجه تحقیقات تاریخی خود را طی شصت کلمه فرانسوی بیان کرد که ترجمه آن چنین می‌شود:

«اتاق‌های گاز ادعایی هیتلری و نسل‌کشی ادعایی یهودیان هر دو دروغی تاریخی هستند که موقعیت را برای یک کلابرداری عظیم مالی-سیاسی پدید آوردند. ذی‌نفعان اصلی این کلابرداری دولت اسرائیل و صهیونیسم بین‌المللی است و قربانیان اصلی آن مردم آلمان – البته نه رهبران آنها – و تمام مردم فلسطین هستند.»

وی بیست‌وسه سال بعد اعلام داشت که این جملات در نظر وی حتی اندکی تغییر نیافته است.



همچنین به این دلیل که این کتاب در پاسخ به مورخان و مدافعان هولوکاست نوشته شده است و از طرف مقابل به جای جواب منطقی، علمی و مستند با حملات تبلیغاتی و فیزیکی و پیگرد قضایی به دلیل اتهام تحریف عمدی تاریخ روبه‌رو شده است، نشان‌دهنده قوت استنادات و مدارک مورد استفاده و تحلیل‌های تاریخی صورت‌گرفته از سوی فریوسون است. دیدگاه‌های فریوسون سبب شده‌اند که وی به صورت مداوم تحت حملات و خشونت فیزیکی قرار داشته باشد. از نوامبر ۱۹۷۸ تا می۱۹۹۳، وی ده بار مورد حمله قرار گرفته است. حداقل ۹ فقره از این حملات از سوی یهودیان بوده است و هیچ‌یک از ضاربان وی تاکنون دستگیر و محاکمه نشده‌اند. وحشیانه‌ترین حمله رویدادی بود که در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۹ اتفاق افتاد. طی این حادثه گروهی که خود را «پسران خاطره یهودیان» معرفی می‌کنند، وی را به شدت مورد ضرب‌وجرح قرار می‌دهند.

به مدت چند سال متوالی سازمان‌های دولتی و قضایی فعالیت‌هایی هماهنگ برای به سکوت واداشتن فریوسون انجام داده‌اند. وی مجبور شده است بارها به دلیل نوشته‌ها و اظهارات مستقیم و بی‌پرده در دادگاه‌های فرانسه از خود دفاع کند. او مجبور بوده با چندین محکومیت دادگاهی به مبارزه برخیزد.

کشتار مردم فراگلگیر و مردم می‌شود؛ اما به دلیل ترس از سران کودتا نمی‌داند که چه باید کند. وی پس از خروج از خانه حمید نعمتی، دچار تشویش و نگرانی می‌شود و می‌خواهد که موضوع را با کسی در میان بگذارد. سرانجام همان شب موضوع کودتا را با برادر و مادرش در میان می‌گذارد و مادرش که به شدت ناراحت شده بود، می‌گوید: تو نه‌تنها نباید این کار را بکنی، بلکه باید به انقلابیوسون خبر دهی و جلوی این کار را بگیری که اگر غیر از این باشد، شیرم را حلالت نمی‌کنم. این سخن مادر موجب می‌شود که در نخستین دقایق بامداد چهارشنبه خلبان یادشده تصمیم خود را بگیرد و با پذیرش احتمال کشته شدن از سوی سران کودتا، ماجرای کودتا را افشا کند. به این ترتیب، او از خانه خارج می‌شود و پس از پرس‌وجوها و دوندگی‌های مختلف، حدود اذان صبح منزل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را پیدا می‌کند و خود را به آنجا می‌رساند.

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) این واقعه را چنین تعریف می‌کنند: «شبی حدود اذان صبح دیدم که در منزل ما را به شدت می‌زنند، من رفتم دیدم می‌گویند یک ارتشی آمده و با شما کار واجب دارد، دیدم یک نفر تکیه داده به دیوار، با حال کسل و آشفته و خسته سرش را فرو برده. گفتم شما با من کار دارید؟ بلند شد و گفت: بله. گفتم: چه کار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خودتان می‌گویم… من به حرفش حساس شدم… احتمال این بود که سوسوئیتی داشته باشد؛ اما دیدم نمی‌شود به حرفش گوش نداد… یک جایی گوشه حیاط نشستیم… آثار بی‌خوابی و خیابان‌گردی و خستگی و هیجان در او پیدا بود. خلاصه آنچه گفت، این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیمی بر کودتایی گرفته و پول‌هایی به افراد زیادی داده‌اند، به خود من هم پول داده‌اند … قرار است چمران و چند جای دیگر را بمباران کنیم. پرسیدم: کی قرار است این کودتا انجام شود؟ گفت: امشب. من دیدم مسئله خیلی جدی است و باید آن را پیگیری کنم؛ در این بین احتمال را می‌دادم که یک سیاست باشد و بخواهند ما را سرگرم کنند، اما در عین حال اصل قضیه آن قدر مهم بود که با وجود این احتمالات، لازم بود آن را پیگیری کنیم.»

افشاکری دومین نفر

چند ساعت پس از افشای کودتا از سوی خلبان یادشده، یکی از درجه‌داران تیپ ۲۳ نوهد نیز به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به اینکه قرار است به همراه عده‌ای دیگر در براندازی جمهوری اسلامی شرکت کند، یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیات کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد. به این ترتیب به فاصله چند ساعت از نسوی دو عضو جذب‌شده به کودتا، اقدام به ضد کودتا تبدیل می‌شود و انقلاب از خطری که در چند قدمی‌اش کمین کرده بود، آگاه می‌شود. این ضد کودتا، گرچه از جانب دو فرد که از اقدام یکدیگری بی‌اطلاع بودند، صورت گرفت؛ اما ترجمان اراده یک ملت انقلابی برای دفاع از انقلاب‌شان بود.



کودتای نقاب

هواپیمایا باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز می‌شدند. قادسی، نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را «نقاب» گذاشت، که جمع حروف اول «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود؛ این سازمان دارای شورایی شامل مسئول تهران، مسئول امور شهرستان‌ها، مسئول امور وزارتخانه‌ها، مسئول امور دانشگاه‌ها، انتشارات و تبلیغات، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی بود. از نظر مسئولان نقاب، فتح تهران با پیروزی در سراسر کشور برابر بود و با تصویری که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند، فکر می‌کردند با سقوط تهران همه کشور تسلیم آنها می‌شود.

اهداف بمباران

با رسییدن هواپیمایا به تهران قسار بود بیت حضرت امام(ره)، فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب، پادگان ولی عصر(عج)، پادگان امام حسین(ع) و چند نقطه مهم دیگر بمباران شود و پس از بمباران‌های

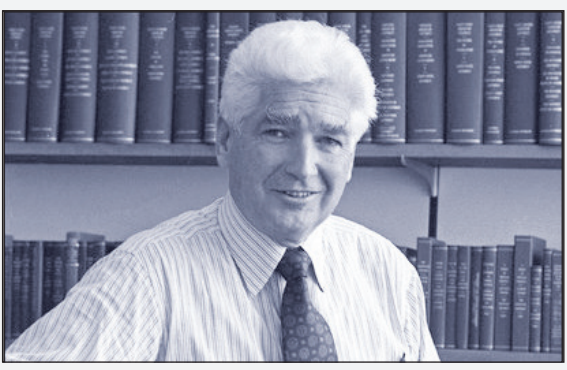


روایت سولیوان از انقلاب

عمل می‌آورد و راه نفوذ و سلطه شوروی را هم در این منطقه حساس سد می‌کرد. در مقابل، روابط خاص و همکاری‌های نزدیک امنیتی و نظامی ما با ایرانیان کاهش می‌یافت و سیاست ایران در منطقه از سیاست همکاری با اسرائیل به یک سیاست ضد اسرائیلی تغییر جهت می‌داد. هر چند این وضع در مقایسه با امتیازاتی که در دوران حکومت شاه از آن برخوردار بودیم، چندان خوشایند نبود؛ با این حال بر پیروزی یک انقلاب – از نظر او – خام و ناشناخته که به قیمت از هم پاشیدن نیروهای مسلح ایران تمام می‌شد، رجحان داشت…»

درباره نوع نگاه سولیوان به رهبری انقلاب اسلامی باید گفت: مشخص است که شخصیت کاریزما و تأثیرگذار بانی انقلاب اسلامی او را هم متأثر کرده بود. وی در قسمتی از کتاب «مأموریت در ایران» به این امر به صراحت اشاره دارد:

«…علاوه بر عده‌ای که همراه آیت‌الله از عراق آمده بودند، گروهی از



مخالفان شاه که در آمریکا و دیگر نقاط جهان فعالیت می‌کردند، به دور او جمع شدند و از ایران هم گروه گروه برای دیدار وی رهسپار پاریس شدند. بر عکس تصورات شریف امامی که می‌گفت آیت‌الله خمینی در پاریس به کلی فراموش خواهد شد، آیت‌الله در مرکز توجه مطبوعات و محافل سیاسی جهان قرار گرفت و با رادیو و تلویزیون‌های دنیا تماس روزانه برقرار کرد، چهره عجیب و استثنایی این مرد روحانی که در زیر درختی در حومه پاریس نشسته و با سخنان آتشین خود بر ضد شاه از هزاران کیلومتر دورتر انقلابی را رهبری می‌کرد، توجه همه جهانیان را به خود جلب کرده بود…»

از نظر او، شبکه وسیع روحانیون مخالف شاه در ایران بیشتر از طریق دو تن از فعال‌ترین آنها، یعنی آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله طالقانی با امام در پاریس ارتباط برقرار می‌کردند. این دو آیت‌الله که رهبری حرکت مخالفان مذهبی شاه را در داخل ایران در دست داشتند، از جمله باسوادترین و جالب‌ترین رهبران مذهبی ایران بودند و از اوضاع جهان نیز آگاهی داشتند. آیت‌الله بهشتی سالیان متمادی در آلمان زندگی کرده بود و در مدت اقامت خود در این کشور به مخالفت با کمونیست‌ها برخاسته بود و به همین دلیل مورد سوظن و مخالفت شدید کمونیست‌ها بود که فعالیت حزب توده را در ایران رهبری می‌کردند.

آینه‌خاوص

صمصعهبن‌صوحان – ۵

در فراق امیر

صمصعه از جمله مسلمانیانی بود که در پرتو تعلیم قرآن کریم، پیامبر گرامی(ص) و امیرمؤمنان(ع) نه‌تنها شرافت و فضیلت را در نژاد نمی‌دیده بلکه از آینده قوم عرب و انحرافات و اغوجاجاتی که به آن مبتلا می‌شد، آگاه بود. موضع‌گیری تند و صریح صمصعه در برخی گزارش‌ها به خوبی نشان می‌دهد که او نیز همانند کمیل و مقداد و دیگر یاران نزدیک حضرت علی(ع) از آینده با خبر بود.

صمصعه بیش از اطرافیان خود نسبت به مهودیت و آخرالزمان معرفت داشته است. بنا بر برخی نقل‌ها، در شرایطی که میزان معرفت اطرافیان امیرمؤمنان(ع) به قدری بود که برخی از آنان در پاسخ به «سلونی قبل ان تنفقدونی»، از تعداد تارهای موی خود سؤال می‌پریدند، صمصعه از ایشان درباره آخرالزمان و دجال و مهودیت می‌پرسید او در دوران خلافت حضرت امیر از یاران مطیع، پرکار و باوفای ایشان بوده است و چنانچه گذشت پایه‌های امیر خود در جنگ‌ها و اتفاقات مهم شرکت داشته و از معتمدین حضرت بوده است.

بی‌تردید نوزدهم رمضان سال چهل هجری یکی از تلخ‌ترین شب‌های دوستداران حضرت علی(ع) بوده است. شیعیان آن حضرت که پس از رحلت نبی‌مکرم(ص) روزهای سختی را سپری کرده بودند، این بار با جنایتی که این‌مجلس انجام داد باید آماده تحمل مصیبتی عظیم می‌شدند. پس از ضربه خوردن حضرت علی(ع) به دست ابن‌ملجم، صمصعه قصد دیدار آن حضرت را کرد، ولی به علت وخامت حال ایشان، به کسی اجازه ملاقات ندادند. از این رو، درخواست کرد این پیغام را از طرف او به حضرت علی(ع) برسانند: «رحمت خداوند بر تو باد ای امیرمؤمنان! در حال حیات و پس از آن؛ چراکه خدا در نزد تو بزرگ و آگاهی تو نسبت به او زیاد است.» لحظه‌ای بعد، پاسخ حضرت را برایش باز گفتند: «خدا تو را رحمت کند که کم‌هزینه و پرفایده هستی.» نزدیک به همین مضامین را حضرت برای برادر صمصعه، یعنی زید به کار برده بود. این دو برادر و سایر برادران‌شان بدون بهانه و توقع خالصانه خود راوقف خدمت به اسلام و فداکاری در راه امیرمؤمنان کرده بودند و با آغوش باز سختی‌های جهاد اصغر و جهاد اکبر را به جان می‌خریدند.

صمصعه از جمله کسانی بود که در نیمه‌های شب، در تشییع پنهانی جنازه مطهر امیرمؤمنان علی(ع) شرکت کرد. وقتی حضرت را دفن کردند، نزدیک قبر آمد و نوحه‌سرای کرد. پس از نوحه‌سرای او، او و همراهانش به شدت گریستند و به امام حسن و امام حسین(علیهم‌السلام) و سایر فرزندان علی(ع) تسلیت گفتند.

با شهادت مولای متقیان برگ تازم‌ای از کتاب زندگی شیعیان حضرت آغاز شد. خلافت معاویه و افزایش فشار بر شیعیان و نیز اختلافات درونی در جهان اسلام کار را برای تبیین و تبلیغ اسلام ناب سخت کرده بود و در این میان نقش بزرگانی چون صمصعه که از یاران و شاگردان نزدیک حضرت امیر(ع) بودند بسیار مهم و چشمگیر بود تا ضمن جلوگیری از انحراف، حقایق اصیل اسلام را برای مردم بیان کنند.



یادداشت

یک انتخاب شایسته

علیرضا جلالیان
خبر انتصاب سردار سرلشکر محمد باقری به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح به همه گمانه‌زنی‌ها و بحث‌های زیادی که در محافل برای جایگزین سرلشکر بسیجی سیدحسن فیروزآبادی مطرح می‌شد، پایان داد. سرلشکر فیروزآبادی از معدود فرماندهان و مسئولانی بود که عمر خدمتی‌اش در یک مسئولیت به ۲۷ سال رسید؛ یعنی تقریباً از مهر ماه سال ۶۸ با تدبیر امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) برای تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا که بعد از مدتی به ستاد کل نیروهای مسلح تغییر نام داد، وی با دستور رهبر انقلاب که آشنایی کاملی با فرماندهان نیروهای مسلح داشت، به عنوان یک فرمانده بسیجی بر این مسند تکیه زد و البته در این مدت ۲۷ سال توانست یکی از بهترین عملکردها را در میان مدیران و مسئولان کشور داشته باشد.
همانگی میان نیروهای مسلح، تفکیک مأموریت‌ها، تجهیز معنوی، تسلیحاتی و علمی نیروهای مسلح تا حدی که این نیروها در تراز نیروهای مسلح یک قدرت منطفه‌ای و در خور شأن جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی رشد کردند و نیز خودکفایی از دیگر دستاوردهای نیروهای مسلح در دوران این فرمانده بود. همچنین، حسن انتخاب معاونان را هم می‌توان به عملکردهای مثبت سرلشکر فیروزآبادی افزود. به راستی، برای ارتقا و پویاتر کردن روند تغییر مدیریت چه بهتر که از میان معاونان شایسته‌ترین انتخاب شود. به نظر می‌رسد، سرلشکر محمد باقری این فرد شایسته باشد که با انتخاب درست و با مشورت‌های فرماندهان با فرمانده کل قوا به این سمت منصوب شده است.

حضور مستمر در دفاع مقدس، داشتن مسئولیت مستمر در امر اطلاعات عملیات و همراهی با برادر شهیدش در این حوزه مقدمه‌ای برای حضور موفقیت‌آمیز او در مسئولیت‌های بعدی در ستاد کل نیروهای مسلح شد.نبوغ وی در امر مدیریت و سازماندهی نیروهای مسلح در تداوم نبوغ برادر سبب شد تا امروز شاهد موفقیت‌ها و وضعیت مطلوب نیروهای مسلح در اجرای بسیاری از طرح‌ها باشیم. حضور او در تمامی رزمایش‌های نیروهای مسلح و بازدید میدانی از روند طراحی‌های عملیاتی، تخصص‌های اطلاعاتی، داشتن دانش ژئوپلیتیک، داشتن دید وسیع و کلان درباره نیروهای مسلح و چندین ویژگی دیگر او و سایر فرماندهان در کنار تدابیر راهبردی امام خامنه‌ای سبب شده است که امروز شاهد چنین وضعیتی در نیروهای مسلح باشیم. در واقع، سرلشکر محمد باقری شایسته‌ترین فرد برای تصدی چنین مسئولیت مهمی بود. کسی چه می‌داندست در ۹ بهمن ماه سال ۱۳۶۱ زمانی که شهید باقری به همراه هفت تن دیگر از مسئولان اطلاعاتی و فرماندهان در منطقه فکه حضور یافت تا محورهای عملیاتی را شناسایی کند، چرا از این جمع پنج نفر شهیدو، دو نفر مجروح و برادرش جان سالم به برد. همان زمان اگر چه شهادت غلامحسین افسردی به تعصیف روحیه برخی از فرماندهان منجر شد، کسی نمی‌دانست که محمدحسین که به واسطه برادر نام مستعار محمد باقری را بر خود نهاده و سالم مانده بود، به واسطه شایستگی‌های فراوان بر ضرر بر مسند ریاست ستاد فرماندهی نیروهای مسلح تکیه بزند.

ما باید هم دشمنان خدا را بشناسیم و هم کیفیت برخورد با آنها را آن‌طور که مرصّی خداوند است، دانسته و بر اساس دستور خداوند با دشمنانش برخورد کنیم.

تفسیر سوره مبارکه ممتحنه از نظر موقعیت خاص سیاسی–اجتماعی امت اسلام و (به ویژه) قبه‌الاسلام نظام و انقلاب ما در برابر دشمن موضوعیت دارد، رهبر معظم انقلاب نیز در توصیه‌های اخیر شان شدیداً روی مسئله «انقلابی بودن» اصرار دارند و شاخصه اول آن را «استکبارستیزی» و «کفرستیزی» معرفی می‌کنند که ذات مقدس پروردگار کیفیت آن را در سوره ممتحنه به ما می‌آموزد.

تمام دعوای ما در ۱۵ سال پیش از انقلاب و ۳۷ سسال پس از انقلاب با دنیای کفر و الحاد، بر سر این مسئله بوده که یک جامعه و نظام دینی داشته باشیم. تمام درگیری‌های امروز ما با دنیای کفر، بر سرر این است که می‌خواهیم مسلمان باشیم و اسلام و قرآن بر سرنوشت و کشور ما حاکم باشد.

ولایت با دوستان

در جامعه دینی ما دو نگاه وجود دارد که مجموعه سیاست‌گذاری‌های جامعه باید مبتنی بر آنها باشد. یکی «نگاه به درون» و دیگری «نگاه به بیرون» که دو نگاه متضاد با هم هستند. وقتی به درون خود نگاه می‌کنیم، در یک کلمه باید «رحماء بینهم»، نگاهی با یک بینش محبت و عشق حاکم بر عرصه همزیستی بین همه جریان‌ها داشته باشیم؛ چراکه باهم هم‌کیش، هم‌دین و برادر هستیم و در تمام شئون سرنوشت اجتماعی‌مان شریکیم.

بدترین چیزی که در برخورد‌های درونی به عنوان نقطه ضد ارزش معرفی شده، «تنافس» یا «نافسه» است. این اصطلاح سیاسی اسلام که به معنای «قابت برای قدرت‌یابی و فرصت‌طلبی» است، ضد ارزشی‌ترین حالت سیاسی در روابط درونی به شمار می‌رود. در اسلام ما می‌توانیم حرف‌مان را بزنیـم، نظـرمان را بدهیم، اما همه نقد‌ها و نظر‌ها بر اصل اسلامی «النصیحه»، به معنای «خیراندیشی» استوار است که به صورت «النصیحه للمؤمنین»، «النصیحه للأخیر» و «النصیحه للإمام» مطرح شده است؛ یعنی تمام عرصه مشارکت سیاسی ما در حوزه نقد و نظر در جامعه دینی، حتی نسبت به امام و رهبر که مظهر حاکمیت الله در جامعه است،

از باب خیراندیشی است؛ نه از باب «پیشی گرفتن در قدرت». نگاه صحیح به درون جامعه اسلامی نگاه مبتنی بر اصل «تولی» است. تولی یعنی هم اولیای خدا و هم اولیای اولیای خدا را دوست داشته باشیم.

برائت از دشمنان

در اصل «برائت» باید دو کار را انجام دهیم؛ اول «دشمن‌شناسی» و سپس «دشمن‌ستیزی» که یک اصل



شکست و ذلت دشمنان دین بحث داریم، اما در این سوره درباره کیفیت ارتباط با دشمن.
ذات مقدس پروردگار ابتدا در سوره مبارکه «حشر» ثابت کرده که کفار و دشمنان اسلام، مردمانی ذلیل، ناکام و شکست‌خورده در تمام توطئه‌های‌شان هستند و در اعتمادی که به منافقان دارند نیز به بی‌اعتمادی و خیانت نفوذی‌های خود مبتلا می‌شوند.

از آنجا که دشمن ابتدا سعی می‌کند با زرق و برق صلابت خود را به مؤمنان ثابت کند و در بین مسلمانان نیز همیشه افرادی بوده‌اند که ایمان‌شان ضعیف بوده و صلابت دشمن چشم آنها را پر می‌کرد، خداوند ابتدا در سوره «حشر»، نمایی از دشمن در ذلت و خزی و ناپکاری نشان داده و سپس در سوره «ممتحنه» روش برخورد با دشمن را نشان می‌دهد.

در کشاکش ماجرای حقوق‌های نجومی برخی مدیران دولتی

جانبازی که می‌گفت حقوقم را کم کنید!

■ ■ ■ حسن ابراهیمی ■ ■ ■

گرفتم می‌آدم ایثار گران و می‌گفتم حقوقم را کم کنید. البته او سال‌ها پس از جانباز شدنش (حدود ۸۰ درصد) حقوق‌بگیر شده است. چند سالی اصلاً حقوقی نمی‌گرفته و در نهایت با پیگیری‌های زیاد توانسته حق مسلم خود را بگیرد، اما چرا می‌گفت باید حقوقش کم شود.



به نظام و انقلاب بدبین نشوند. در اینجا دو سه نفر از دوستان گفتند که این امکان ندارد، شما برو این اضافه‌حقوق را در راه خیر خرج کن.

من هم همین خط را در پیش گرفتم و به دنبال امور

خیر رفتم. کمک به محرومان را شروع کردم، برای نوجوانان و کودکان کلاس قرآن در تهران و سمنان برگزار کردم و...



قبیله آفتاب

آقا اباعبدالله رو به رویم است

دوستانش تعریف کردند که وقتی مجروح شد، خون زیادی از وی رفت. در بغل دوستش، آقا امیرحسین بود که گفت: من را بلند کنید تا روی پاهایم بنشینم. گفتند: خون زیادی از تو رفته و نمی‌شود. گفت: «آقا اباعبدالله رو به رویم است، می‌خواهم سلام کنم.» که سلام آخرش را به آقا می‌دهد و می‌رود.

به نقل از صادق عفتی، پدر شهید سجاد عفتی

سجاد عفتی ۳۰ تیر ۱۳۶۴ به دنیا آمد. پدرش جانباز دفاع مقدس بود. او به اسباب‌بازی‌های جنگی علاقه بسیاری داشت. خانواده‌اش سه سال در رشت ساکن بودند و زمانی که سجاد کلاس پنجم بود، به شهریار آمدند و در یک شهرک ساکن شدند. همانجا با دوستانی آشنا شد که همه مانند او شهید یا جانباز شدند. افزون‌بر پدر، مادرش هم در سپاه فعالیت داشت. در این سال‌ها یک بار تصادف کرد و یک بار هم در باشگاه کشتی رقیبش به او چاقو زد. سال ۸۲ پس از سرنگونی صدام ملعون برای زیارت کربلا عازم عراق شد. بعد از آن، چند بار دیگر هم به عراق رفت؛ دو بار برای جنگ با داعش و یک بار برای رفتن به سوریه. سجاد سوم مرداد ۸۶ عقد کرد و اوایل سال ۸۷ وارد سپاه شد. هم‌زمان با دفع فتنه‌های سال ۸۸ ازدواج کرد. قبل از اینکه به لبنان برود، یعنی سال ۸۹ در رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه اسفهان قبول شد؛ اما به سبب دوری راه انصراف داد و در رشته حسابداری دانشگاه تکابن مشغول به تحصیل شد. ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۹۰ هم دخترش ثنا به دنیا آمد. سپس در سال ۹۳ طی دو دوره ۲۵ روزه برای دفاع از حرم به عراق رفت. آنگاه به واسطه حضور دوستان صمیمی‌اش در جمع مدافعان حرم و عشق و ارادت خاص به حضرت زینب(س) مشتاق حضور در سوریه شد. ۸ آذر ماه سال ۹۴ بود که پس از تلاش‌های فراوان توانست از راه لبنان وارد سوریه شود آنگاه پس از ۱۵ روز آموزش تک‌تیراندازی، به دفاع از حرم پرداخت. در نهایت، ۲۹ آذر سال ۱۳۹۴ به دیدار مولایش اباعبدالله(ع) رفت و در حالی که دخترش ثنا در تب می‌سوخت، به فیض عظمای شهادت رسید. گفتنی است، سجاد عفتی پیش از شهادتش جای قبرش را در بهشت زهرا(س) به همسرش نشان داده بود.

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی

دوشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۵/ ۲۸ رمضان ۱۴۳۷/شماره۲۵۶

استکبارستیزی و کفرستیزی دو شاخصه انقلابی بودن

از آیه دهم این سوره به بعد، عنوان «قطع رابطه دوستی با دشمنان» مطرح می‌شود و حتی قرآن دستور به «جد» شدن از همسر کافر» می‌دهد. اگر در خانواده‌هایی که ایمان آورده و یکپارچه مؤمن می‌شوند، بعضی از اعضای خانواده مرتد شوند، پیمان خانوادگی از هم گسسته می‌شود. قرآن این‌قدر دقیق است؛ آن‌وقت (پذیرفته است که) ما بیایم با آمریکای جنایتکار طوری برخورد کنیم که گویی دوست ماست؟! در حالی که ما قسراً داریم و قرآن تمام جزئیات برخورد با دشمن را برای ما مشخص کرده است.

رفتار با تازه‌مسلمانان

قرار نیست هر کس ادعای مسلمانی کرد، او را در آغوش بگیریم. یکی از مسائل مهم در این ارتباطات توسعه‌یافته جهانی این است که هر عنصری از جامعه کفر به جامعه ما نفوذ می‌کند، ما با یک برخورد عاطفی شدید غیرمحتاطانه او را در آغوش می‌گیریم، در حالی که قرآن خلاف این را دستور می‌دهد و می‌فرماید درست است که ما باید افراد را جذب کنیم، اما نه بر اساس ساده‌لوحی.

اشکال بزرگ ما در برخورد‌های سیاسی، این است که به مجرد اینکه شخصی در یک کشور دشمن، مثل آمریکا، مقاله‌ای می‌نویسد و مطالبش مقداری متناسب با مواضع سیاسی ما است، ما آغوش باز می‌کنیم و همه چیزش را سربسته قبول می‌کنیم. آقایان می‌آیند همان مقاله را نشر کرده و نسبت به آن (نویسنده) اظهار کرنش و تعظیم می‌کنند که این خلاف دستور قرآن است.

در اوج مبارزات امام(ره) ضد رژیم شاه، دو نماینده مجلس شورای ملی با شاه بد شدند. «محسن پزشکی‌پور»، دبیر حزب پان‌ایرانسم و «احمد بنی‌احمد»، نماینده مردم تبریز، رسماً در تریبون مجلس به شاه اعتراض کردند و یک عده ساده‌لوح هم از ایشان تمجید کردند. بنده در آن زمان در سفر عنبات بودم؛ خدمت امام(ره) رسیده و از ایشان پرسیدم «ما در قبال این اظهارات چه وظیفه‌ای داریم؟» امام(ره) فرمودند «اینها از خود شاه بدتر هستند. این دسیسه است که یک عنصر سرسپرده به تمام معنا ساز مخالف بزند و در رأس انقلاب قرار گیرد تا صف انقلاب را به هر سستی که خواست بکشد.» آیات سوره مبارکه ممتحنه، آموزه‌هایی است که وقتی در جامعه ما، مثل امروز تنوع فکری و اندیشه‌ای به وجود آمده و برخی فکر می‌کنند تمام راه‌ها باید از اروپا و آمریکا گشوده شود، تکلیف ما را روشن می‌کند.

چقدر می‌گیری؟

او در پاسخ به اینکه مگر چقدر پول می‌گیری، می‌گوید: من الان حدود چهارونیم میلیون تومان می‌گیرم ولی کل خرجم در ماه یک میلیون تومان است. مابقی‌اش را هم در حدود یک تا دو میلیون خرج کلاس‌های قرآن تهران و سمنان می‌کنم؛ چراکه در این کلاس‌ها به بچه‌ها شهریه می‌دهم و هزینه‌های جانبی هم وجود دارد. بخش دیگر را صرف محرومان می‌کنیم. برای نمونه در ماه با خانم یا مادرم به ده خانواده فقیر سر می‌زنیم، البته فقط سر می‌زنیم، آن‌قدر مشکل دارند که خدا می‌داند، تا حد توان کمک می‌کنیم. مثلاً یک پیرمرد و پیرزن ۸۰ ساله با چهار فرزند حدوداً ۵۰ ساله که ازدواج هم نکرده‌اند و بیکارند، همگی دارای افسردگی شدید هم هستند، من برای‌شان چکار می‌توانم بکنم؟

دو دلیل

با اطلاع از وضع زندگی‌اش گفتم چرا ماشین بهتری تهیه نمی‌کنی؟ یا اینکه خانمات را با وسایلبازسازی نمی‌کنی؟ جالب ماجرا اینجا بود که او گفت: با این همه محرومیت، هم باید کم خرج کنیم که بتوانیم به محرومان کمک کنیم و هم اینکه طوری زندگی کنیم که دل آنها به درد نیاید.

قضاوت با شماست

برای من که خبر و تصویر فیش‌های حقوقی که از بیت‌المال به جیب برخی ویژه‌خوران دولتی من رفت ماجرای داودآبادی خیلی سنگین بود. یکی تا می‌تواند از حق مردم می‌خورد و یکی تا می‌تواند از حقش نمی‌خورد تا به محرومان بدهد. قضاوت با شماست...

سیکل کامل «ولنگاری» در تولید آثار سینمایی

محمدرضا باقری
صدور مجوز برای فیلمی که پس از ساخت آن، همه اعضای شورای پروانه نمایش سازمان سینمایی معتقدند به قدری مبتذل است که با هیچ اصلاحیه‌ای هم نمی‌توان آن را به نمایش درآورد، باز این پرسش‌ها را به ذهن متبادر می‌کند که در وزارت ارشاد چه خبر است؟ شورای پروانه ساخت و شورای پروانه نمایش چه کار می‌کنند؟ رئیس سازمان سینمایی و وزیر چه می‌کنند؟ چرا اینقدر اینها با هم هماهنگ هستند؟ این گریه وضعیت، «ولنگاری فرهنگی» نیست، پس چیست؟ به راستی، اینکه شخص وزیر ارشاد هر چند وقت یک بار، دادن مجوز ساخت به برخی از آثار را زیر سؤال می‌برد، نشان می‌دهد که شورای صدور پروانه ساخت آثار در سازمان سینمایی از ضعف مدیریت رنج می‌برد. طی سه سال اخیر، علی جنتی، وزیر ارشاد هر چند وقت یک بار و پس از اکران یک فیلم این سؤال را مطرح می‌کند که «این فیلم چطور مجوز ساخت گرفته است؟»

پس از فیلم «قصه‌ها» که وزیر ارشاد نسبت به صدور مجوز ساخت آن انتقاد کرده بود، فیلم «خانه دختر» هم پس از ساخت، به دلیل قابل نمایش نبودن به بایگانی سپرده شد. جالب این است که فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» با اینکه دو بار مجوز ساخت و یک بار پروانه نمایش از وزارت ارشاد گرفته بود و افزون بر آن، یک بار ۱۷ اصلاحیه و یک بار دیگر هم ۱۵ اصلاحیه خورده بود، در نهایت و پس از سه ماه اکران، به دستور وزیر ارشاد از پرده سینماها پایین کشیده شد! اما هنوز مدتی از این ماجرا نگذشته بود که فیلم دیگری روی پرده سینماها رفت؛ این فیلم ابتدا به دلیل استفاده از صدای یک خواننده زیرزمینی دچار مشکل اکران شد و پس از حذف صدای این خواننده و گذشت دو هفته از اکران آن باز هم به دلیل ایرادهای محتوایی، اصلاحیه خورد و ترمیم شد! حالا هم فیلم «اردمند» نازنین، بهاره و تینا» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی، با مجوز وزارت ارشاد ساخته شده است که همه اعضای شورای پروانه نمایش می‌گویند: این فیلم نه اصلاح‌پذیر است و نه قابل اکران! سریال جدیدی هم که سه هفته است با مجوز وزارت ارشاد در شبکه نمایش خانگی منتشر شده، پر از عبارات و حرف‌های رکیک و مستهجن است و جالب اینکه اعضای شورای صدور مجوز ساخت گفته‌اند که ما این حرف‌ها را حذف کرده بودیم، اما معلوم نیست چرا هنوز در فیلم وجود دارد؟

اگر این اتفاقات به یک یا دو مورد خاص محدود می‌شد، می‌توانستیم بگوییم که مدیران گاف داده‌اند و از دست‌شان در رفته است، اما گستردگی و تکرار دائمی این گونه مسائل، گویای «ولنگاری» در مدیریت و نظارت در سازمان سینمایی است.

«بعد از گذشت ۳۵ سال هنوز یک فیلم سینمایی یا یک نمایش یا یک رمان درباره حادثه هفتم تیر و شهید بهشتی و شهدای این حادثه نداریم و اگر این حادثه تاکنون زنده مانده است، فقط به دلیل روحیه انقلابی خود مردم است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، در جمع خانواده شهدا، ششم تیر ۹۵)

واقعیه هفتم تیر سال ۱۳۶۰ در ایران به حقیقت بزرگ‌ترین نماد تروریسم علیه یک ملت و دولت است. اینکه ده‌ها تن از مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس یک کشور در یک سانحه تروریستی هم‌زمان به شهادت برسند، خود به تنهایی می‌تواند نماد مظلومیت یک کشور در برخورد با تروریسم باشد. در حالی که وقایع بسیار کوچک‌تر از آن در کشورهای دیگر می‌تواند بازتاب‌های رسانه‌ای و هنری فراوانی را با خود به همراه داشته باشد، اما در سینما و به طور کلی در میان آثار هنری ما، جای چنین موضوعی خالی است! در حال حاضر، در بسیاری از کشورها وقتی از همه پرسیده می‌شود که نماد تروریسم چیست و کجاست، مطمئناً نخستین اسمی که بر زبان خواهند آورد، «داعش» است. بر کسی پوشیده نیست که بزرگ‌ترین دشمن داعش در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران است. حال وقتی ایران که خودش سال‌های سال قربانی تروریسم بوده و امروز بزرگ‌ترین دشمن تروریسم در جهان است، همواره در رسانه‌های غربی یکی از بزرگ‌ترین حامیان تروریسم معرفی می‌شود! به نظر می‌رسد، ضعف عملکرد ما در تصویرسازی مؤثر از وقایع، همچون حادثه هفتم تیر یا حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس، یکی از مهم‌ترین عوامل تصویرسازی غلط دشمنان از ایران اسلامی است.

در مقابل، آمریکا که بزرگ‌ترین حامی تروریسم است، تنها با تصویرسازی‌های رسانه‌ای، خود را در اذهان بسیاری از مردم جهان بزرگ‌ترین قربانی و دشمن تروریسم معرفی کرده است! شما می‌بینید هر اتفاق تروریستی که در آمریکا می‌افتد، بارها و بارها و به سرعت در سینما و تلویزیون آن کشور بازتاب پیدا می‌کند. برای نمونه، ده‌ها فیلم درباره قتل «ابراهام لینکلن» ساخته می‌شود و او را نماد دفاع از حقوق بشر نشان می‌دهند! یا انبوه فیلم‌هایی که درباره واقعه ۱۱ سپتامبر ساخته شده و همواره نیز مورد حمایت جشنواره‌های آمریکایی قرار گرفته است. فیلم‌هایی که پیش از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر به شبیه‌سازی این واقعه پرداختند و پس از آن نیز در چند دهه فیلم به شکل‌های مختلف این واقعه را به

قهرمان‌هایی که روی پرده سینما ترور شدند!

محمدصادق باطنی*

تصویر کشیدند.

نکته تأمل‌برانگیز، ساختن تصویر ضد تروریست از آمریکا از سوی سینما در اذهان است. برای نمونه، در ماجرای کشتن بن‌لادن، با فاصله کمتر از دو سال، دو فیلم و یک سریال به ماجرای قتل بن‌لادن به دست سربازان آمریکایی پرداختند



که یکی از آنها فیلم معروف «Zero Dark Thirty» است. در سال‌های اخیر در انبوهی از آثار سینمایی ژانر جنگی هالیوود، آمریکای تروریست و اشغالگر در افغانستان و عراق در فیلم‌هایی، همچون American Sniper. The Hurt Locker. Lone Survivor و انبوه فیلم‌ها و سریال‌های دیگر به بزرگ‌ترین مدافع حقوق بشر تبدیل شده است. یا درباره بزرگ‌ترین جنایت تروریستی جهان، یعنی بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، آمریکا چندین فیلم

چرا واقعه هفتم تیر و شهدای ترور در سینمای ایران غایب هستند؟

سینمایی ساخته و این جنایت بزرگ را حق مردم ژاپن دانسته است که فیلم‌هایی، همچون Empire of The Sun، یا Pearl Harbor نمونه‌هایی از این آثار هستند. اساساً آمریکا همواره در آثار خود قربانی تروریسم است، چه اینکه به خودش حمله شده باشد و چه اینکه به عنوان یک مهاجم و اشغالگر ملتی را به محاق برده باشد. نکته جالب توجه دیگر همراهی ادبیات نمایشی آمریکا با این موضوع است. به‌گونه‌ای که تمام فیلم‌های جنگی این سال‌های آمریکا اقتباسی از یک کتاب بوده‌اند. برای نمونه، به سرعت ماجرای زندگی «کریس کایل» که بیشترین آمار کشته‌شدن مردم عراق به شیوه تک تیراندازی را دارد، در سال ۲۰۱۲ به کتاب تبدیل می‌شود و «کلینت ایستوود» معروف دو سال بعد در سال ۲۰۱۴، زندگی این تروریست قهرمان‌نمای آمریکایی را به فیلم «تک تیرانداز آمریکایی» تبدیل می‌کند.

در واقع، زنجیره تصویرسازی از وقایع و افراد مطلوب آمریکایی از تألیف و خاطره‌نگاری شروع می‌شود؛ گفتنی است، معمولاً فیلم‌های جنگی آمریکایی و فیلم‌های مرتبط با وقایع تروریستی از کتاب‌های مرتبط با وقایع اقتباس شده است.

اما به راستی در سینمای ما جای هزاران انسان مظلومی که در حوادث تروریستی به شهادت رسیده‌اند، خالی است. از جمله دانشمندان هسته‌ای، بهشتی و یارانش، جراحی و باهنر و یاران آنها، مسافران هواپیمای ایرباس و دیگر مردمی که بدون هیچ گناهی ترور شدند!

به نظر می‌رسد، همان طور که رهبر معظم انقلاب به دقت و درستی تأکید کردند، ضروری است که نویسندگان و مؤلفان، تاریخ شفاهی وقایع تروریستی ما را به رشته تحریر در بیاورند و جریان اقتباس در فیلم‌نامه‌نویسی کشور رونق یابد؛ چرا که تجربه اثبات کرده است، معمولاً وقتی ما یک رخداد تاریخی را به طور مستقیم به فیلم تبدیل می‌کنیم، بسیاری از جزئیات رها شده و آثار غالباً با ضعف درام و فیلم‌نامه روبرو می‌شوند، ولی اگر جریان تاریخ‌نگاری و اقتباس شکل بگیرد، رخداد تاریخی یک بار در فضای مکتوب و داستان‌نویسی پخته می‌شود و بار دیگر در فضای تصویر کامل و پرداخته می‌شود. خلاصه اینکه به نظر می‌رسد باید جریانی مشخص برای ثبت وقایع تاریخی کشورمان و توزیع جهانی این آثار برنامه‌ریزی و تمرکز کند.

*مستندساز و فعال فرهنگی

۰۹۱۸۸۷۶۵... / بنده جانباز ۳۵ درصد سپاه هستم. چرا بنیاد شهید درصد جانبازان سپاه را قبول ندارد؟!

۰۹۱۳۹۷۴... / فروردین ماه سال جاری درخواست وام داده‌ام، اما هنوز خبری نشده است. وام را برای گرفتاری امروز می‌خواهم، نه برای آرزوهای فردا.

۰۹۱۹۵۲۴۴... / قضیه این بدهی سیستمی چیست که در فیش حقوقی خرداد اعمال شده است!

۰۹۳۵۷۸۱۵... / واقعاً این را درک نمی‌کنم که چرا به نیروهای پیمانی اجازه تحصیل داده نمی‌شود؟ تا حداقل اگر پس از پنج سال استخدام رسمی نشوند، بتوانند کار پیدا کنند.

۰۹۳۵۹۹۰۲... / از فرمانده کل سپاه درخواست دارم جلوی ضامن شدن نیروهای سپاه را در بانک انصار بگیرد، الان این مسئله سبب بروز مشکلات زیادی برای کادر سپاه شده است یا حداقل اجازه دهند فقط برای اعضای درجه یک خانواده خود ضامن شوند.

۰۹۳۶۲۹۴۲... / خوب است سپاه بار دیگر با ورود به چالش ریزگردها و برنامه‌ریزی و اقدام و عمل نشان دهد که وقف خدمت به مردم است و آرامش و آسایش مردم عزیز کشور مایه خرسندی تک تک پاسداران است.

صبح‌صادق: این امور باید تحت تصمیم شورای عالی امنیت ملی و در صورت ناتوانی دولت به سپاه واگذار شود.

۰۹۳۶۶۴۵۹... / چرا در چند سال اخیر آزمون کارشناسی داخلی برگزار نشده است، تکلیف کسانی که کاردانی داخلی دارند و برای درج‌ات‌شان مشکل دارند، چه می‌شود؟

۰۹۳۸۴۳۳۷... / آیا فرمانده محترم کل سپاه برای ارتباط با پایوران سامانه پیامکی دارند؟

صبح‌صادق: ظاهراً خیر. اما از طریق اتوماسیون اداری امکان ارتباط وجود دارد.

۰۹۹۰۷۰۱۷... / پس از سه ماه انتظار افزایش حقوق متأسفانه معوقه فروردین و اردیبهشت در خرداد ماه اعمال نشد، البته دولت تدبیر و امید قول پرداخت آن را داده بود.

۰۹۹۰۸۳۹۳... / با توجه به اینکه بیشتر برادرانی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند، از سهمیه یکسان‌سازی دیر استفاده می‌کنند، بهتر است که سهمیه‌شان نسوزد.

پیامک صبح صادق ۰۳۰۹۹۰۳۳
ارتباط با سردار صفری مشاور فرمانده کل سپاه در امور اپنارگران
تلفن ۳۵۲۲۴۲۲.۳۵۲۳۴۵۰۶

دل‌نویسته

به بهانه راهپیمایی بی‌نظیر مردم یمن در روز قدس

مظلوم به حمایت مظلوم آمد

اگرچه انقلاب اسلامی مردم ایران تنها به مردم کشورمان محدود بود؛ اما از همان روزهای نخستین توجه مستضعفان جهان را به خود جلب کرد و جهانی شد. منطق استکبارستیزی انقلاب سبب شد تا امام خمینی (ره) در مقابل رژیم اشغالگر آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را «روز قدس» نامگذاری کنند. اما امروز که فتنه‌ها در جهان اسلام پیچیده شده و سعودی‌ها ماهیت صهیونیستی خود را نمایان کرده‌اند،

خبرها

مهران رجبی: منشأ فساد در کره زمین آمریکا است

مهران رجبی که سابقه حضور در دفاع مقدس را در قامت رزمنده داشته است، به مناسبت هفته حقوق بشر آمریکایی به خبرگزاری نسیم گفت: امروز به حق می‌توان گفت که منشأ فساد در کره زمین آمریکا است و شاید این مسئله برای برخی از مردم عادی جهان روشن نباشد، ولی یقیناً سران دولت‌ها از این مسئله اطلاع کامل دارند.

وی افزود: دولت آمریکا به واسطه در اختیار داشتن رسانه‌ها و تسلط بر ارتباطات رسانه‌ای جهان، توانسته چهره حقیقی خود را از دید برخی مردم دور نگه دارد، ولی اندیشمندان سراسر جهان و سران کشورها به روشنی می‌دانند، ریشه فسادها و اقدامات خلافی که در جهان انجام می‌پذیرد، کجاست.

مهران رجبی در ادامه به اهمیت بحث روشننگری در برابر جنایات آمریکا اشاره کرد و گفت: به نظر من بهترین اقدامی که در زمان فعلی می‌توان انجام داد، مقاومت و روشننگری است؛ زیرا در صورتی که با مقاومت و روشننگری توانستیم شرایط را عوض کنیم و جلوی اقدامات خسارت‌بار آمریکا در سطح جهان را بگیریم، موفق به اصلاح امور شده‌ایم و اگر هم نتوانیم به نتیجه مطلوب برسیم به دلیل مقاومت در برابر زورگو، اقدامات ما دارای اجر و ثواب است.

عمل جراحی ابراهیم حاتمی کیا با موفقیت انجام شد

ابراهیم حاتمی کیا پس از انجام موفقیت‌آمیز عمل جراحی، از بیمارستان مرخص شد. ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان سینمای کشورمان روز یکشنبه ششم تیر به دلیل ابتلا به سنگ کیسه صفرا در بیمارستان بقیه‌الله (عج) بستری شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. پس از انجام موفقیت‌آمیز این جراحی، پزشکان، حال عمومی کارگردان «بادیگارد» را خوب ارزیابی کردند و او از بیمارستان مرخص شد.

استقبال از «شاهزاده روم» در استرالیا

انیمیشن سینمایی «شاهزاده روم» به کارگردانی هادی محمدیان در روزهای اخیر برای مسلمانان ساکن استرالیا به نمایش درآمد و با استقبال روبرو شد. پس از نمایش «شاهزاده روم» در کشورهایی چون انگلیس، فرانسه، امارات، لبنان، عراق، عربستان، کویت، ساحل عاج و بحرین این بار نوبت به استرالیا رسید تا میزبان این انیمیشن سینمایی با موضوع مادر گرمی امام زمان (عج) باشد.

حسن ختام

هر آغازی را پایانی است...

سی روز بندگی؛ سی روز ابتهال و ابتهاج
وصف حال لب‌فروستگان فرود آمده از مرکب منیّتی
است که دل و جان آراستند
تا جانان بیابند
شرح، شرح انقیاد است
انقیاد به امر «سَلَمْ نَفْسک»
شرح افتادگانی است رو به قبله عشق
شرح دوستی است با حضرت دوست
مولو جان! جانم برای‌تان بگویند که اینجا همه چیز مهیا شده است؛

خلوص‌های به خلسه رفته بیدار شده‌اند
تقواها تقویت گشته‌اند
روح‌ها تطهیر شده و قلب‌ها تسکین یافته‌اند
به برکت اسمع‌السامعین گوش‌ها شنوا
و به یمن عنایت ابصرالناظرین چشم‌ها بینا گشته‌اند
اقا! اینجا التلافی بر پا شده است در روح‌ها و جان‌ها
و آرامشی دوست‌داشتنی حکمفرما گردیده است
مولو جان! از خدا می‌خواهیم به برکت این روزهای مهتا
عیدی‌مان را سلامتی و تعجیل در ظهورتان قرار دهد
اما می‌گویند هر آغازی را پایانی است
و سفره این ضیافت می‌رود تا کمی دیگر برچیده شود
اقا جان! همان‌گونه که آغازها را پایان است
هر انتظاری را سرآمدی است
به امید روزی که بار عام ظهورتان را جشن بگیریم...



طرح: میثاق گودرزی

تایخند

فرزند بینشان
زندگی بهتر

جاهای خالی را با فرزندان صالح پر کنید

کتیبه سبز

عطرش که آشناست...
(دو شعر از ساجده جبار پور برای مادران شهدا)
آرام گفت: خسته‌ام از عمر بی‌ثمر
لعنت به این اتاق، به این درد مستمر
با بغض روی تخت قدیمی نشسته بود
غرق سکوت بود و نگاهش به سوی در
امروز روز اوست، ولی پیرتر شده
این چند سال رفته که از یوسفش خبر...
با دست‌های بی‌رمقش زیر لب شمرد
یک سال؟ نه، دو سال؟ نه، انگار بیشتر
مانند سال پیش دلش شور می‌زند
می‌پرد از خودش که: چگونه؟ اگر... اگر...
مادر فدای پیرهن خاکی‌ات چه شد؟
گفتند روز جمعه می‌آیی از این سفر
امشب دلم کنار تو آن سوی مرزهاست
آورده است عطر تو را باد رهگذر
ای کاش دورم این همه دیوار و در نبود
جای عصای چوبی‌ام ای کاش بال و پر...
تسبیح مثل چادرش افتاده بر زمین
اما هنوز مانده به در چشم‌های تر
بعد از اذان صبح در خانه را زدند
عطرش که آشناست... چرا مانده پشت در؟

راز تو
عشقش کشیده پیرهنت را اتو کند
یک نامه را به خاطر عطر تو بو کند
در بین روزنامه و آمار و لیست‌ها
با اضطراب نام تو را جست‌وجو کند
وقتی که نیستی بنشیند کنار در
با قاب عکس کودکی‌ات گفت‌وگو کند
تا کی به انتظار تو چشمش به سمت در...
تا کی لباس خاطره‌ها را رفو کند؟
او سال‌ها به خاطر تو گریه کرده است
حشق نبوده است به این حال خو کند
مادر چقدر پیر شده، ای کاش یک نفر
راضی شود که راز تو را بازگو کند